

ف. پ. کوروفکین

تاریخ دنیای قدیم

جلد اول

تاریخ دنیای قدیم

ف. پ. کوروفکین

ترجمه م. بید سرخی

www.adabestanekave.com



۱۵۰ ریال

انتشارات شبگیر. شاه آباد. پاناز صفوی.

ف. پ. کوروفکین

تاریخ دنیای قدیم

(جهان باستان)

جلد اول :

زندگی انسانهای نخستین

شرق باستان :

۱. مصر

۲. میانرود (بین النهرین)

۳. هند

۴. چین

ترجمه م. بید سرخی

فهرست مطالب

صفحه عنوان

۷ پیشگفتار

زندگی انسان‌های نخستین

۱۷ فصل اول - نظام جماعتی نخستین

بند ۱ - سگله‌های ابتدایی گرد آورندگان و شکارچیان ..

بند ۲ - جماعت‌های خانوادگی -

۲۴ شکارچیان و ماهیگیران

۲۳ بند ۳ - دامداری و کشاورزی نخستین

بند ۴ - پیدایش مذهب در بین -

۴۰ انسانهای نخستین

۴۵ نتیجه‌ی بخش زندگی انسان‌های نخستین،

۴۸ بند ۵ - شمارش سال در تاریخ

شماره ثبت در دفتر کتابخانه ملی
 $\frac{۸۸۶}{۱۲۵۳۶۲۸}$

فصل چهارم. هند باستان

- بند ۱۸ - تشکیل طبقه‌ها و دولت در هند ۱۵۰
 بند ۱۹ - اعتقادات مذهبی و فرهنگ
 هندیان باستان ۱۵۸

فصل پنجم. چین باستان

- بند ۲۰ - برقرارشدن برده‌داری در چین ۱۷۰
 بند ۲۱ - متحدشدن چین در زیر فرمان يك دولت ۱۷۷
 بند ۲۲ - قیام‌های مردم در چین ۱۸۴
 بند ۲۳ - فرهنگ چین باستان ۱۹۵
 نتیجه بخش شرق باستان ۲۰۵
 سخنی از مترجم ۲۰۹

شرق (خاور) باستان

فصل دوم. مصر باستان

- بند ۶ - طبیعت و مردم دیرین مصر ۵۷
 بند ۷ - آغاز کشف فلزات و پیشرفت کشاورزی ۶۳
 بند ۸ - تشکیل طبقات و دولت مصر ۶۹
 بند ۹ - دولت مصر باستان ۷۶
 بند ۱۰ - عقاید مذهبی مصریان باستان ۸۵
 بند ۱۱ - مذهب و هنر در خدمت برده‌داران ۹۴
 بند ۱۲ - وضع زحمت‌کشان در مصر باستان و

مبارزه‌ی آنها با ستمگران

- ۱۰۳
 بند ۱۳ - پیدایش علم و خط در مصر باستان ۱۱۰
 بند ۱۴ - قدرت دولت مصر باستان در هزاره‌ی
 دوم قبل از میلاد و سقوط آن ۱۱۹

فصل سوم. «میان‌دورود» (بین‌النهرین) در زمان باستان

- بند ۱۵ - تشکیل اولین دولت در میان‌دورود ۱۲۸
 بند ۱۶ - پادشاهی بابل ۱۳۵
 بند ۱۷ - دانش علمی و هنر در میان‌دورود -

به خوانندگان جوان این کتاب

بہتر است هنگام خواندن کتاب، به پرسش‌ها و تمرین‌های آن به طور کتبی پاسخ بدهید و این پاسخ‌ها را در دفترچه‌ای به طور مرتب بیاکنویس کنید، تا در آخر کار بتوانید، آنچه را که از کتاب فهمیده‌اید ارزیابی کنید.

www.adabestanekave.com

پیشگفتار

چون مقداری از مطالب این پیشگفتار
برای خوانندگان ایرانی زایده بود،
بدینجهت خلاصه شد .

مترجم .

۱- تاریخ چیست ؟

تاریخ کشورهای جهان از صدها هزار سال پیش آغاز شده . در
زمانهای دورنه شهری روی زمین بود ، نه دهکده‌ای و نه کشتزاری .
گروههای کوچک انسانهای باستانی، در میان بیشه‌ها و بوته‌زارها پراکنده
بودند و بجز چوب و سنگی که در دستشان بود چیز دیگری نداشتند،
نه لباسی و نه مسکنی (به تصویر رنگی شماره ۳ نگاه کنید) .

تاریخ به ما می‌گوید که انسان‌ها کی و در کجای زیسته‌اند، چگونه
کار آنها صورت زمین را دگرگون کرده ، چرا زندگی آنها پی در پی

تغییر کرده ، این تغییر چگونگی انجام گرفته و بالاخره انسانی که اکنون می بینیم چگونه بدین صورت درآمده .

در تاریخ خیالبافی راه ندارد . تاریخ علم است . تاریخ درباره‌ی چیزهایی گفتگو می کند که دانشمندان از زندگی مردم گذشته و حال فهمیده اند .

تاریخ تمام مردم جهان از زمان باستان تا کنون را «تاریخ عمومی» یا «تاریخ جهان» می گویند .

در این کتاب شما بخش اول «تاریخ جهان» یعنی «تاریخ جهان باستان» یا «تاریخ دنیای قدیم» را خواهید خواند .

ارقام دهگانه (۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹) اختراع هندی هاست و بالاخره جلد کردن کتاب ابتدا در ایتالیا انجام گرفته .

تاریخ باستان حکایت می کند که ثروتمندان چقدر بیرحمانه به زحمتکشانشان ستم کرده اند و زحمتکشانشان چه دلیرانه باستمگران جنگیده اند . تاریخ درباره‌ی رهبران مردم ، سرکردگان برجسته‌ی نظامی و دانشمندان نامدار ، درباره‌ی افسانه‌های کهن و درباره‌ی بسیاری چیزهای دیگر سخن می گوید .

اما چگونه می توان از زندگی انسانهای هزاران ، ده هزاران و صد هزاران سال پیش با خبر شد ؟

۲ - تاریخ جهان باستان از چه چیزهایی گفتگو می کند ؟

۳ - یادگارهای مادی چیست ؟

تاریخ جهان باستان از بسیاری چیزهای جالب سخن می گوید .

انسانهای باستانی با کار پر زحمت خود دشت ها را کشت می کردند ، جاده می ساختند و شهر بنا می کردند .

مردم باستان اختراعات و کشف های مهمی کرده اند . بسیاری از این اختراعات ها هنوز هم مورد استفاده است . مثلاً کتاب از دسترنج خلق های گوناگون درست شده ، کاغذ را چینی ها اختراع کرده اند ، حروفی را که بیشتر مردم دنیا با آن می نویسند یونانیان باستان درست کرده اند ،

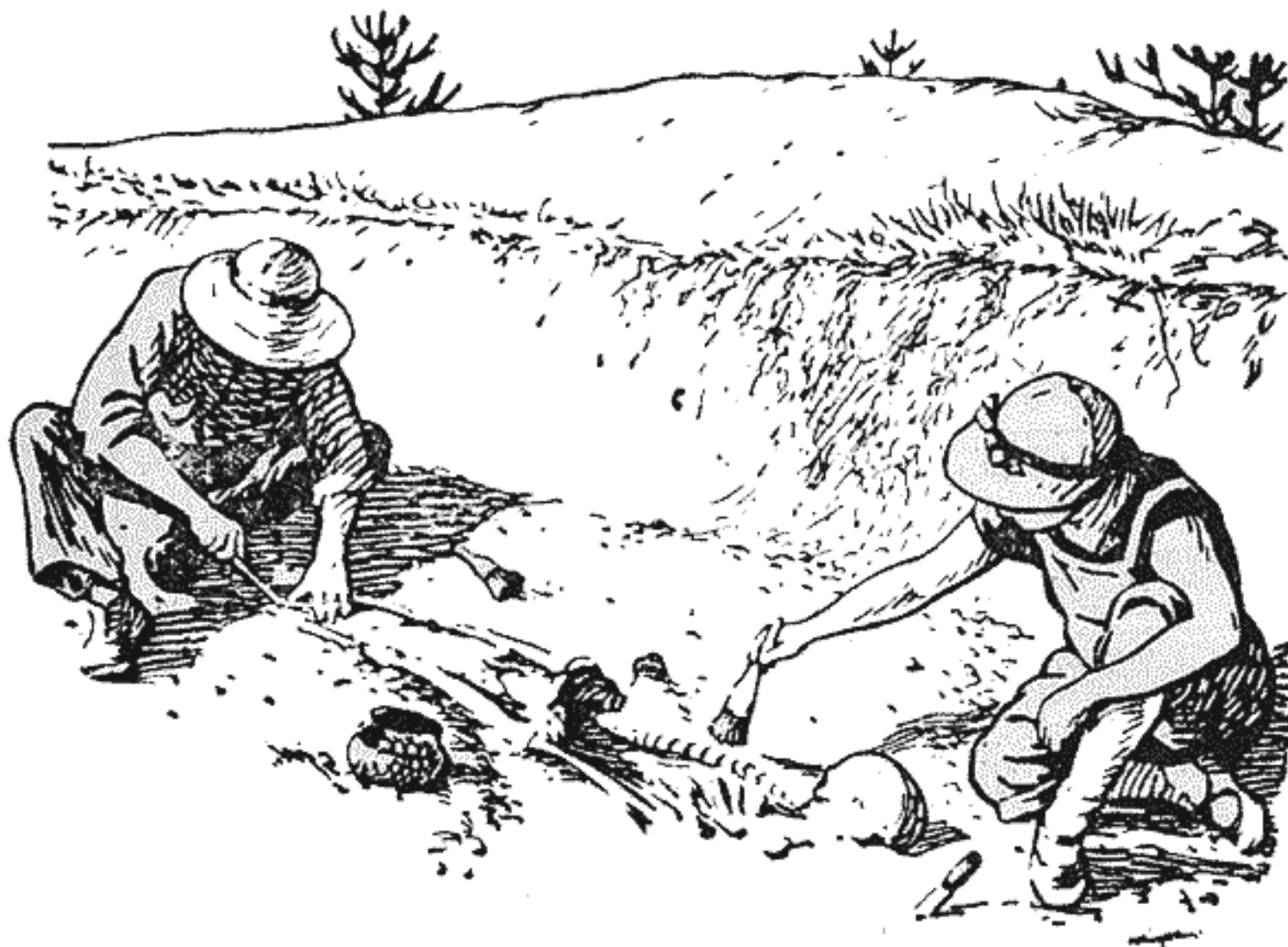
انسانهای باستانی از خود یادگارهای مادی ای به جای نهاده اند . این یادگارها اشیائی است که آنها ساخته و از آن استفاده کرده اند . بخشی از این اشیاء هنوز هم باقی مانده . البته پیدا کردن این یادگارها کار آسانی نیست .

حتماً توجه کرده اید که اگر چیزی را دوسه روز گردگیری نکنیم ، لایه‌ی نازکی از گرد و خاک آن را می پوشاند . اما اگر همان چیز را

۱ - یادگارهای مادی ، یعنی اسباب و ابزاری که از انسانهای گذشته به جای مانده - مترجم .

هزارها سال تمیز نکنیم لایه‌هایی از خاک و شن به کلفتی چند متر روی آن را می‌گیرد. بدینجهت است که اشیای ساخته‌ی انسان‌های باستانی بیشتر در دل زمین هستند. انسان‌های باستانی با مرده‌های خود اشیای زیادی درگور می‌گذاشتند.

دانشمندان جاهایی را کشف کرده‌اند که محل زیست یا گور انسانهای باستانی بوده و بهمین جهت آنجاها را کنده‌اند. دانشمندان از روی اشیایی که پیدا می‌کنند معلوم می‌نمایند که انسان‌های باستانی چگونه زندگی می‌کرده‌اند، به چه کاری می‌پرداخته‌اند و چه کارهایی را می‌توانسته‌اند انجام دهند. دانشمندان از مقایسه‌ی اشیای خیلی قدیمی با اشیای بعدی می‌فهمند که زندگی انسان‌های باستانی چگونه با گذشت زمان تغییر کرده. اشیای ساخته‌ی انسانهای نخستین «یادگارهای مادی» نامیده می‌شود.



تصویر ۱ - زمین‌کنی باستانشناسی

باستان‌شناسان دارند يك گور باستانی را می‌کنند و خاک‌ها را از روی يك جسد دفن شده بر می‌دارند. آنها دارند با چاقو و قلم‌مو استخوان‌ها و اشیائی را که درگور یافته‌اند تمیز می‌کنند. کار باستان‌شناسی دقت، مهارت و دانش زیادی می‌خواهد. فقط کسانی می‌توانند این کار را بکنند که آموزش مخصوص دیده باشند و اجازه‌ی زمین‌کنی نیز گرفته باشند.

علمی که زندگی مردم را از روی «یادگارهای مادی» آن بررسی می‌کند، باستان‌شناسی نامیده میشود. باستان‌شناسی را «علم عتیقه‌ها» هم می‌گویند. دانشمندانی که زمین را می‌کنند و آثار مادی بیرون آمده را بررسی می‌کنند، باستان‌شناس نامیده می‌شوند. یادگارهای مادی انسان‌های باستانی درموزه نگهداری و روی آن بررسی می‌شود.
(به تصویر ۲ نگاه کنید).

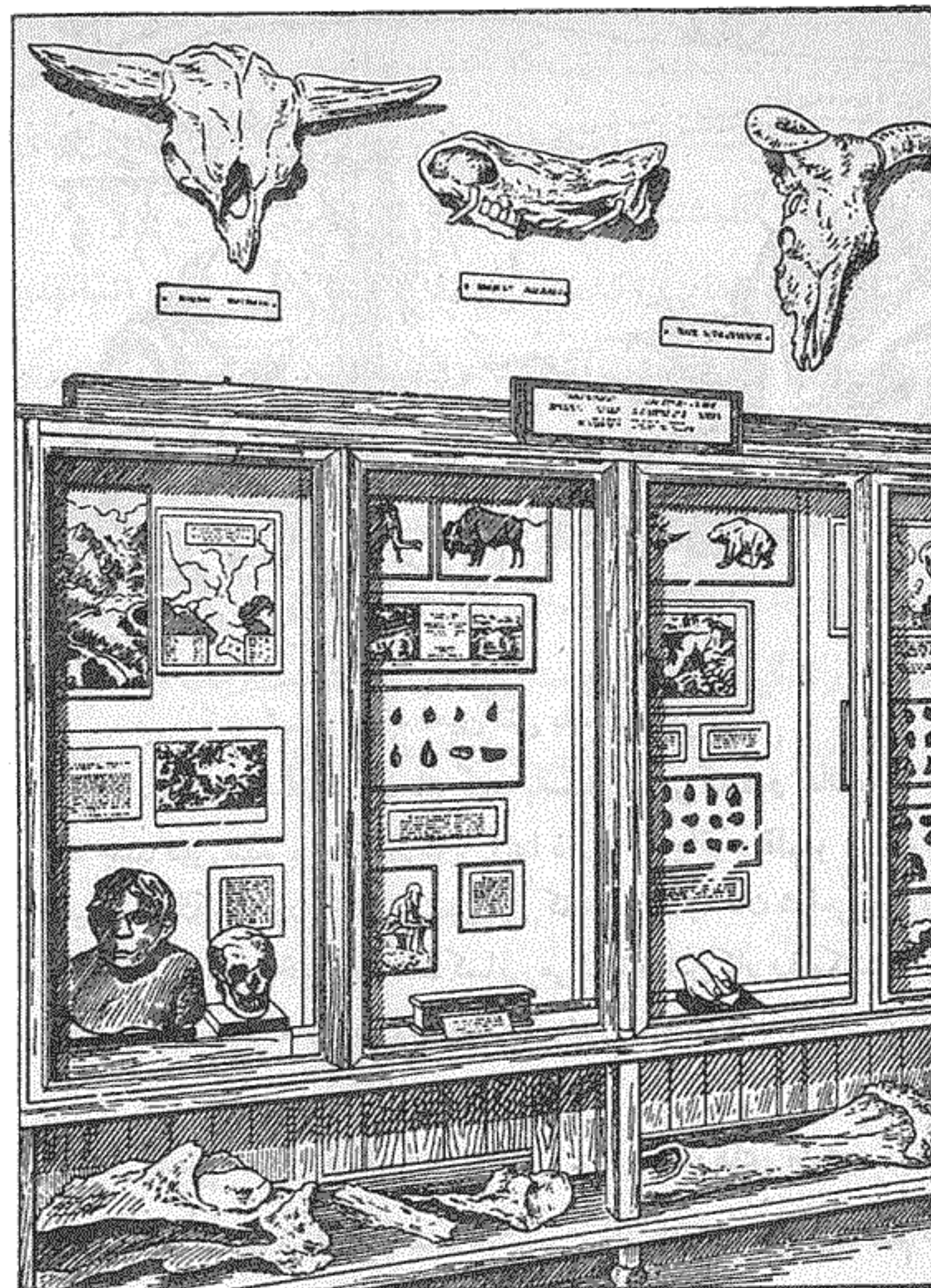
www.adabestanekave.com

در حدود ۵۵۰۰ سال پیش مردم برخی از کشورها خط را اختراع کردند و نوشتن را یاد گرفتند. آنها درباره‌ی اتفاق‌ها و آدم‌های برجسته‌ی زمان خود و همچنین در باره‌ی بسیاری چیزهای دیگر مطالبی نوشته‌اند. آنها درباره‌ی زندگی خود یادگارهای بیشتر و کاملتری از یادگارهای انسانهای بدون خط به جای نهاده‌اند. نوشته‌های آنها (کتیبه‌ها یا سنگ نوشته‌ها) یادگارهای نوشته‌ای نامیده می‌شود (یادگارهای نوشته‌ای باستانی در تصویرهای ۳۷ و ۴۸ نشان داده شده).

پرسش.

۱ - دانشمندان چگونه از زندگی انسانهای باستانی با خبر می‌شوند؟

۲ - باستانشناسی چیست؟



۲ - موزه‌ی دولتی تاریخ در مسکو.

در عکس، گوشه‌ای از موزه نشان داده شده که ما را با زندگی ۱۰۰۰ - ۱۲۰۰ هزار سال پیش آشنا می‌کند. در گوشه‌ی چپ پایین ویتترین، مجموعه‌ی بقیه در پائین صفحه بعد ←

←
پسر بچه‌ای قرار دارد که در ۱۰۰ هزار سال پیش زندگی می‌کرده. در کنار آن، مجموعه‌ی کله‌ی این پسر بچه، که به وسیله دانشمندان از روی مجموعه‌ی او ساخته شده قرار گرفته. در ویتترین، اشیای انسانهای باستانی و تصویرهایی که خود آن مردم و شرایط طبیعی آن زمانهای دور را نشان می‌دهد، گذاشته شده. در روی ویتترین و در زیر آن، استخوان‌های حیواناتی که به وسیله‌ی انسانهای باستانی شکار می‌شده‌اند، قرار دارد.

از این کتاب چگونه باید استفاده کرد ؟

مطالب این کتاب به چند بخش ، هر بخش به چند فصل و هر فصل به چند بند تقسیم شده . «فهرست» کتاب را باز کنید ، خواهید دید که کتاب درباره ی چه چیزهایی گفتگو می کند و از چه قسمت هایی تشکیل یافته . هر بند به چند ماده تقسیم شده . عنوان ماده ها نمودار خلاصه ی مطالب آنهاست .

اگر پیش از هر بند سئوالی در کتاب هست ، خودتان درباره اش فکر کنید و پاسخ آن را بنویسید . این موضوع نه تنها باعث می شود که شما آنچه را قبل از خوانده اید به خاطر بیاورید ، بلکه می تواند شما را در پی بردن به مطالب جدید نیز راهنمایی کند .

هر بند را بطور کامل و با دقت بخوانید . اما به مطالبی که با حروف درشت نوشته شده توجه بیشتری بکنید . به تصویرهای کتاب هم بدقت نگاه کنید . دریاها ، رودخانه ها ، کشورها و حتی شهرهایی را که نامشان در کتاب هست در روی نقشه نیز پیدا نمایید (اگر نقشه در دسترستان هست) .

پس از خواندن هر بند به سئوالاتی که در پایان آن نوشته شده پاسخ بدهید . خود را امتحان کنید ببینید آیا نتیجه گیری ها و تعریف هایی را که با حروف درشت نوشته شده فهمیده اید ؟

مطالب هر بند را با بیان خودتان شرح بدهید . ابتدا ماده ی اول را بخوانید و شرح بدهید ، سپس در مورد هر ماده بترتیب این کار را انجام بدهید . آنگاه تمام بند را بطوریکجا برای خود بازگو کنید . سعی نکنید که متن کتاب را حفظ کنید . شما باید بتوانید ، با بیان خودتان ، مطالب اصلی را شرح بدهید .

اگر که می دانید مزاحم کسی نمی شوید ، بهتر است که با صدای بلند آنرا شرح بدهید . بد هم نیست که از بزرگترها خواهش کنید تا به شما گوش بدهند ببینند آیا درست شرح می دهید یا نه . موقع شرح دادن باید تاریخ ها ، اسم ها و عنوان ها را نیز بگویید .

تاریخ وقایع خیلی مهم با حروف درشت چاپ شده . آنچه را نیز که از تصویرها فهمیده اید در موقع شرح دادن بند بگویید .

www.adabestanekave.com



زندگی انسان‌های نخستین

فصل اول

نظام جماعتی نخستین

بند ۱

سگله‌های ابتدایی گردآورندگان و شکارچیان

www.adabestanekave.com

۱ - انسان‌های دیرین^۱

نخستین انسان‌ها که در ۶۰۰ - ۷۰۰ هزار سال پیش زندگی می‌کردند با مردم زمان ما خیلی فرق داشتند. آنها شبیه میمون‌های بزرگ بودند. پیشانی آنها کوتاه و شیب‌دار بود. موقع راه رفتن خیلی به جلو خم

۱ - توجه داشته باشید که انسان‌های دیرین قدیمی‌ترین انسان‌های روی زمین هستند که آنها را به زبان روسی «انسان‌های باستانی‌تر» می‌گویند در اینجا کلمه‌ی دیرین برای نامیدن آنها انتخاب شد. آنها را انسان‌های نخستین نیز می‌توان نامید - مترجم.

می شدند و دستهایشان تا پایین زانوهایشان می رسید. انگشتانشان مهارت و دقت نداشت. آنها، با انگشتان خود، فقط می توانستند کارهای بسیار ساده ای مانند: کندن زمین، گرفتن اشیاء و ضربه زدن را انجام دهند. انسان های دیرین فقط گاهی صداهای بریده بریده ای از گلوی خود در می آوردند. آنها بوسیله ای این صداها خشم و ترس خود را بیان می کردند، کمک می خواستند و دیگران را از خطر با خبر می نمودند.

۲ - ابزار کار و پیشه ی انسان های دیرین

انسان های دیرین سنگهایی پیدا می کردند که برای در دست گرفتن مناسب باشد. آنها یکطرف سنگهای خود را تیز می کردند و برای این کار آنقدر با سنگهای دیگر به سنگ خود می کوبیدند تا تکه های کوچکی از آن جدا گردد. با طرف تیز سنگ می شد گوشت و استخوان را برید، چماق درست کرد و چوبدستی خود را بصورت نوک تیز در آورد. سنگ های تیز آنها را «تبر دستی» می نامند.



۳ (الف) - تبر دستی دیرین

انسان، بر خلاف بسیاری از جانوران درنده، ناخن های محکم

و پنجه های نیرومندی نداشت. اما در عوض، تبر سنگی او محکم تر از ناخن ها و دندان های جانوران درنده بود. ضربه ی چماق سنگین او نیز از ضربه ی پنجه ی خرس دست کمی نداشت.



تصویر ۳ (ب) - تبر دستی (ساخته شده در نزدیک به ۲۰۰ هزار سال پیش)

انسان های دیرین با کمک تبر دستی، چوبدستی و چماق غذای خود را تهیه می کردند.

انسان بوسیله ی چوبدستی خود ریشه های خوردنی گیاهان و کرمینه های حشرات را از زمین در می آورد و لانه های جانوران کوچک را خراب می کرد. او میوه ها و تخم های پرندگان را نیز جمع می نمود. این کارهای انسان دیرین «گردآوری خوراک» نامیده می شود. انسان فقط آنچه را که طبیعت به او می داد جمع می کرد.

انسان های دیرین جانوران بزرگ را نیز شکار می کردند. شکارچیان که سنگ و چماق در دست داشتند بطور گروهی به خرس، گاو و سایر جانوران بزرگ حمله می کردند.



تصویر ۴ - چوبدستی زمین کن

تبر دستی سنگی، چوبدستی زمین کن و چماق اولین ابزار کار انسان بود.

هیچ حیوانی نمی‌تواند حتی ساده‌ترین ابزار کار را هم بسازد.
توانایی ساختن ابزار کار، فرق اساسی بین انسان‌های دیرین و حیوانات بود.

۳- چیره شدن بر آتش

مدهای زیادی بود که انسان‌های دیرین همچنانکه از حیوانات وحشی می‌ترسیدند از آتش هم ترس داشتند. آنها از ترس آتش سوزی جنگل که در اثر رعد و برق بوجود می‌آمد فرار می‌کردند. گدازه‌های آتشی که از کوه‌های آتش فشان بیرون می‌ریخت برایشان از این هم وحشتناک‌تر بود.

اما انسان‌های دیرین رفته رفته فهمیدند که آتش می‌تواند به آنها گرم بدهد و در مقابل حیوانات وحشی حفظشان کند. حیوانات درنده‌ی خونخواری که به جستجوی شکار می‌گشتند، شهادر کنار شعله‌ی آتش دیگر چندان وحشتناک نبودند. انسان‌ها تکه‌هایی از آتش جنگل یا آتش فشان، را برمی‌داشتند، با آن چیزهای دیگر را آتش می‌زدند، خرمن آتش درست می‌کردند و نمی‌گذاشتند آتش خاموش شود. برای این کار همیشه کسانی در کنار خرمن آتش می‌ماندند و هیزم در آن می‌ریختند.



تصویر زندگی شماری ۱

یکی از گله‌های نخستین را نشان می‌دهد. در یکی از جزایر جنوب شرقی آسیا ابزار سنگی کارواستخوانهایی از انسان‌های دیرین پیدا شده این انسان‌ها در این تصویر، ترسیم شده‌اند (چگونه می‌توان ثابت کرد که آنهايي که در این تصویر ترسیم شده‌اند انسانند و حیوان نیستند؟ آیا این انسان‌ها می‌توانسته‌اند در جاهایی که زمستانهای سرد و یخبندان دارد زندگی کنند؟ چرا؟)

انسان‌ها پس از اینکه استفاده از آتش را یاد گرفتند برتری
شان بر حیوانات بیشتر شد.

۴ - گله‌های ابتدایی

انسان‌های دیرینی که از دنیای حیوانات جدا شده بودند «انسان‌های نخستین» نامیده می‌شوند.

زندگی انسان‌های نخستین بسیار سخت و خطرناک بود. نصف بیشتر آنها کمتر از بیست سال عمر می‌کردند؛ برخی در چنگال درندگان می‌مردند و بقیه از بیماری و گرسنگی جان می‌دادند.

انسان‌های نخستین اگر دسته جمعی و گروهی زندگی نمی‌کردند نمی‌توانستند غذا بدست آورند و همچنین توانایی نگهداری آتش را نداشتند. در نتیجه، یا از گرسنگی می‌مردند یا شکار درندگان می‌شدند. بدینجهت بود که آنها به شکل گروه زندگی می‌کردند، به کمک همدیگر غذا بدست می‌آوردند و دستجمعی در کنار خرم آتش خود را گرم می‌کردند.

هر گروه معمولاً از ده‌ها نفر تشکیل می‌شد. بیشتر آنها نمی‌توانستند از یک محل غذا بدست آورند. گروه انسان‌های نخستین دائمی نبود. آنها نیز مانند گله‌های حیوانات وحشی به هم می‌پیوستند و از هم جدا می‌شدند. گروه انسان‌های دیرین را «گله‌های نخستین» می‌نامند.

باستان‌شناسان در آسیا، آفریقا و اروپا آثاری از زندگی انسان‌های دیرین پیدا کرده‌اند. آثاری که در چین بدست آمده اهمیت علمی بسیار زیادی دارد.

درغار بزرگی که میان چند تپه‌ی کوتاه قرار داشت، مقداری استخوان، خاکستروذغال کشف گردید. همچنین چند سنگ زمخت نیز بدست آمد. باستان‌شناسان یا بنده‌ای این آثار به این نتیجه رسیدند که آن غار در حدود ۵۰۰ هزار سال پیش پناهگاه انسان‌ها بوده.

دانشمندان از روی آن استخوان‌ها سیمای انسانهای آن زمان را معلوم نمودند. بسیاری از استخوان‌ها شکسته بود. این امر نشان می‌داد که آن انسان‌ها بوسیله‌ی جانوران بزرگ کشته یا زخمی شده‌اند. دانشمندان با بررسی استخوانهای حیوانات بدست آمده، پی بردند که انسان‌های نخستین چه حیواناتی را شکار می‌کرده‌اند. در آن غار هسته‌ی میوه‌هایی که انسان‌ها بدانجا برده بودند نیز به دست آمد.

در آنجا لایه‌های کلفتی از خاکستر و ذغال وجود داشت. این امر نشان می‌دهد که انسان‌های آن غار از آتش نیز استفاده می‌کرده‌اند. چون شکستن کنده‌های هیزم با سنگ تیز مشکل بوده، بدینجهت آنها شاخه‌های کوچک می‌سوزانده‌اند.

آتش آن غار، صدها و حتی هزارها سال می‌سوخته. انسان‌ها دائماً آتش را نگهداری می‌کرده‌اند. در طول این مدت نسل‌های زیادی جای یکدیگر را گرفته‌اند. اما در عرض این هزارها سال، هم خود انسان‌های نخستین و هم ابزار کار آنها تغییر بسیار ناچیزی کرده‌اند.

پرسش و تمرین

- ۱- انسان‌های دیرین چه فرقی با انسان‌های زمان ما داشتند؟
- ۲- فرق اصلی بین انسان‌های دیرین و حیوانات چه بود؟
- ۳- انسان‌های دیرین چه ابزارهایی داشتند؟
- ۴- چرا انسان‌های نخستین نمی‌توانستند تنها زندگی کنند؟ گروه‌های دیرین انسان‌های نخستین چه نامیده می‌شود؟
- ۵- زندگی انسانهای دیرین آسان بود یا سخت؟ چرا؟

www.adabestanekave.com

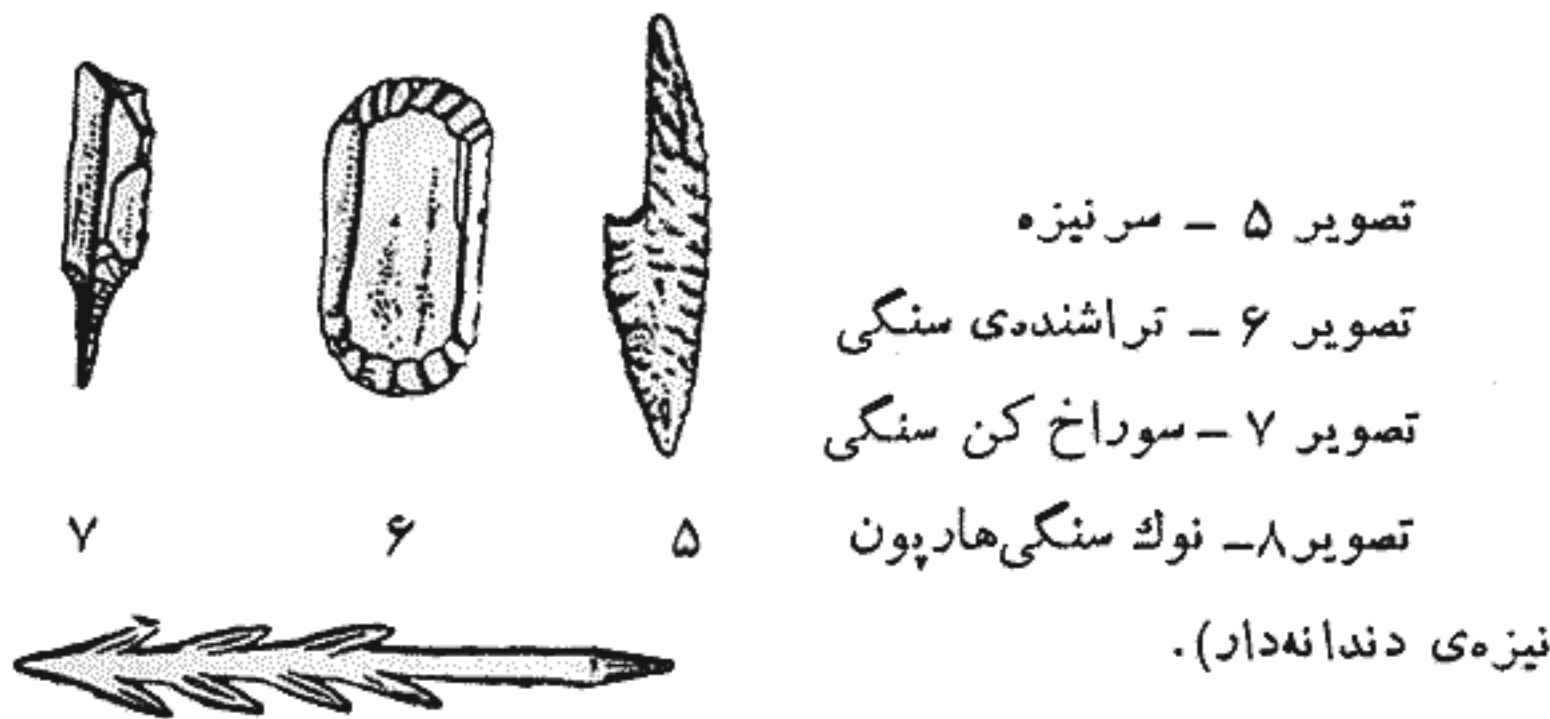
هر چند که ابزار کار انسان‌های نخستین خیلی کند تغییر می‌کرد، با وجود این، در عرض صدها هزار سال انسان‌ها یاد گرفتند که نیزه‌ی نوک سنگی، تراشنده‌ی سنگی، سوراخ کن و تیغه که کار چاقو را می‌کرد بسازند.

بند ۲

جماعت‌های خانوادگی شکارچیان و ماهیگیران

۱ - سرمای سخت در زمین

در حدود ۱۰۰ هزار سال پیش سرمای سختی زمین را فراگرفت. این سرما بویژه در اروپا بسیار شدید بود. زمستان‌ها سرد و طولانی گردیدند. کم‌کم تمام نصف شمالی اروپا از «یخچال» پوشیده شد. کلفتی یخ‌های این یخچال‌ها به دو هزار متر می‌رسید. حتی گرمای تابستان هم آن یخ‌ها را آب نمی‌کرد. در جنوب یخچال‌ها، دشت‌های یخ بسته گسترده شده بود. حیواناتی که به آب و هوای گرم عادت داشتند، یا نابود شدند و یا به جنوب رفتند. انسان‌های نخستین، با استفاده از آتش و ابزار کار، خود را برای شرایط جدید زندگی آماده نمودند.



دوره‌ای را که انسان از ابزار سنگی کار استفاده می‌کرد دوران سنگ می‌نامند. انسان با شکستن استخوان پی برد که می‌تواند از آن ابزار بسیار تیزی بسازد. انسان از استخوان و شاخ، درفش، سوزن، هارپون (نیزه‌ی دندان‌دار) که در بدن جانوران گیر می‌کرد) ساخت. انسان‌های دیرین، در موقع کار با چوب، پی بردند که از مالش دو قطعه چوب خشک به یکدیگر آتش روشن می‌شود. این کار زحمت

و حوصله زیادی می خواست . انسان پس از آموختن آتش افروزی ، توانست در مواقع لازم خرمن آتش درست کند .
 با تغییر و بهبود ابزار کار ، زندگی انسان نخستین نیز تغییر یافت .

۳ - شکار و ماهیگیری

شکار مهمترین پیشه‌ی انسان‌های نخستین بود . آنها نه فقط جانوران تك تك را شکار می کردند ، بلکه گاهی هم گله‌های کامل گوزن ، گاو نر و اسب رامی گرفتند . گروهی شکارچی کمین می کردند و سایر شکارچیان نیزه‌ها و شاخه‌های افروخته را تکان می دادند و بدینوسیله گله را به کمینگاه می بردند .

انسان‌ها ، ماموت (فیل بسیار بزرگی که بدنش از پشم قرمز پوشیده شده بود) نیز شکار می کردند . برای این کار دام (گودالی که با تیر و شاخه‌ی درخت پوشیده شده بود) درست می کردند . شکارچیان ماموت را با آتش می ترساندند و بطرف گودال می بردند . ماموت به گودال می افتاد و پاهایش می شکست ، آنگاه شکارچیان او را می کشتند . با نیزه‌های نوک سنگی حتی پوست کلفت ماموت را هم می شد سوراخ کرد .

تصویر ۹ - شکار ماموت

با اختراع نیزه‌ی دندانه دار (هارپون) ، انسان‌ها به گرفتن ماهی نیز پرداختند . آنها در کمین می نشستند و موقعی که ماهی بزرگی بطرف ساحل می آمد ، با نیزه‌ی دندانه دار به او ضربه می زدند .

۴ - خود انسان‌های نخستین چرا و چگونه تغییر کردند؟

انسان‌های باستانی بر اثر کاری که انجام می دادند خودشان هم پی‌درپی تغییر می کردند .

انگشتان انسان ماهر ترو با دقت ترمی شد . او دیگر می توانست کارهای ظریفی مانند بریدن شاخ حیوانات بوسیله ی کارد سنگی یا دوختن پوست جانوران بوسیله ی سوزن را انجام دهد .

انسان ها برای کار کردن می بایست چیزهای زیادی یاد بگیرند ، در باره آنها فکر کنند و آنها را بدیگران نیز یاد بدهند . مثلاً ، قبل از شکار می بایست با یکدیگر قرار بگذارند که در کجا کمینگاه درست کنند ، شکارچیان در کجا قرار بگیرند و گله را به کجا برانند . بدینجهت در نتیجه ی کار ، هم عقل و هم سخنگویی انسان پیشرفت نمود ، مغز او بزرگ شد و پیشانی او نیز پهن تر گردید .

این تغییرها خیلی کند انجام گرفت ، هزاران نسل آمدند و رفتند تا ملاحظه شد که انسان باستانی تغییر کرده .

در حدود ۴۰ هزار سال پیش ، انسان باستانی به صورت انسان زمان ما درآمد . او دیگر پیشانی بلند و دستهای ماهر داشت و راست راه می رفت .

انسانها به یکدیگر گردید . گروههای انسانی دیگر دائمی و پایدار شده بودند و پراکنده نمی شدند . اکنون دیگر انسانهای يك گروه تصادفاً با هم برخورد نکرده بودند بلکه با هم رابطه ی خویشاوندی داشتند . تمام خویشاوندان در يك غار یا چند کلبه ی بزرگ می زیستند . مردان شکار می کردند ، ماهی می گرفتند و ابزار کار می ساختند . زن ها نیز رستنی های خوراکی گرد می آوردند . بچه ها از سن سه تا چهار سالگی به زن ها کمک می کردند . غذای به دست آمده بین تمام خانواده تقسیم می شد . زن ها پوست حیوانات را به وسیله ی تراشنده از چربی می ستردند و سپس آن را با کارد سنگی می بریدند و از آن لباس می دوختند . پوست ، غذای ذخیره شده ، شاخ و استخوان از آن تمام گروه خویشاوندان بود .

www.adabestanekave.com

۵- پیدایش جماعت های خانوادگی

شکار که در آن ، ده ها و صدها نفر شرکت می کردند ، انسانها را به یکدیگر نزدیک ساخت . پیشرفت سخنگویی نیز سبب نزدیکی

تکامل پیدا کرد. انسان با کار کردن ابزار کار را بهتر کرد و گروه پایداری به نام جماعت خانوادگی تشکیل داد.

پرسش و تهرین

- ۱ - کداميك از ابزارهای جدید انسان نخستین را می شناسید ؟
شکل آن را بکشید . شرح دهید که چرا انسان ، با ابزار کار جدید ، بهتر از گذشته می توانست برای خودش غذا تهیه کند .
- ۲ - انسان های نخستین چرا و چگونه تغییر کردند ؟
- ۳ - تعریف «جماعت خانوادگی» ، را از توی این کتاب پیدا کنید . فرق خانواده با گله نخستین چیست ؟

www.adabestanekave.com



تصویر ۱۰ - جماعت خانوادگی شکارچیان

مردها دارند از استخوان و شاخ ابزار کار می سازند . نزدیک آنها ، روی دیوار غار ، شکل ماموت کشیده شده . در طرف راست ، زن ها دارند از پوست ، لباس درست می کنند . بچه ها دارند گیاهان جمع شده را می آورند . در قسمت جلوی تصویر ، استخوان ها و شاخ های حیوانات قرار دارد . (فکر کنید که باشندگان غار درباره ی چه چیزی دارند صحبت می کنند .)

گروه خویشاوندان که دسته جمعی کار می کردند و صاحب دارایی های عمومی نیز بودند ، خانواده یا جماعت خانوادگی نامیده می شوند . خانواده ، تقریباً ، ۴۰ هزار سال پیش تشکیل شد .

یکی از دانشمندان و دگرگون سازان بزرگ می گوید که «کار انسان را ساخته» در سایه کار ، دست ، عقل و سخنگویی انسان های نخستین

انسان نخستین به ساختن ابزار کار ازسنگ، استخوان و چوب ادامه داد.

انسان به زودی متوجه شد که ترکیبی نرم خم شده وقتی کسه رها می شود نیروی زیادی ایجاد می کند و بدینجهت بود که او شروع به ساختن کمان کرد. باتیری که از کمان رها می شد، شکارچی حیوان را از فاصله ی ده و حتی صد قدمی نیز هدف قرار می داد.



تصویر ۱۱- شکارچی با کمان.
تصویری باستانی بر دیوار یک غار.

انسان با سوار کردن سنگ تیز بر نوک چوبدستی توانست تیر درست کند. او برای اینکه سنگ را محکمتر بر نوک چوبدستی سوار کند، آن را سوراخ می کرد. سنگ را، در حالی که شن خیس بر روی آن می ریختند، با استخوان سوراخ می کردند.



تصویر ۱۲- انسانی باتیر.
تصویری باستانی.

بند ۳

دامپروران و کشاورزان نخستین

۱- گرم شدن زمین

نزدیک ۱۳ هزار سال پیش، اروپا دوباره گرم شد. یخچال طبیعی شروع به آب شدن کرد و به شمال عقب نشینی نمود. زمین خالی از یخ شد و از جنگل ها و بوته زارها پوشیده گردید. حیواناتی که به سرما عادت کرده بودند به شمال رفتند. ماموت ها نیز همگی نابود شدند.

در نتیجه عقب نشینی یخچال طبیعی، انسان ها نیز کم کم به سوی شمال پیش رفتند و ساکن زمین های خالی از یخ شدند.

کار کردن باتبر سنگی بسیار سخت بود. با وجود این، با تبر، گذشته از کندن بوته‌ها، درخت‌های بزرگ رانیز می‌شد برید. انسان‌ها از ۲-۳ چوب به هم بسته شده کلك می‌ساختند. کلك نخستین کشتی انسان بود. سپس با کندن و تراشیدن تنه‌های بزرگ درختان قایق درست کردند.



تصویر ۱۳- قایقی با پارو زنان. تصویری باستانی بر روی سنگ.

در نزدیکی سکونتگاه^۱ انسان‌ها، سگ‌های وحشی زندگی می‌کردند. آنها از باقیمانده‌ی غذای انسان می‌خوردند. این سگ‌ها با پارس کردن به انسان‌ها فهماندند که جانداران دیگری در نزدیکی آنها زندگی می‌کنند. خلاصه، سگ به انسان خو گرفت و به زندگی در پیش او پرداخت و همراه او به شکار می‌رفت. سگ‌ها در پیدا کردن و کشیدن جانوران، به انسان کمک می‌کردند.

سگ نخستین حیوان خانگی بود. این حیوان هم یار شکارچی به حساب می‌آمد و هم نگهبانی با وفا.

شکارچیان که تیرو کمان داشتند و سگ نیز همراهشان بود، بیشتر از گذشته که فقط نیزه و چماق داشتند، گوشت به دست می‌آوردند. بارها پیش می‌آمد که در خانواده به اندازه‌ی کافی غذا وجود داشت. بدینجهت شکارچیان بزها، خوک‌ها و سایر حیوانات شکار شده را نمی‌کشتند، بلکه آنها را به محل زندگی خود می‌بردند. بدین ترتیب، انسان خوك، بز، گوسفند و گاو را اهلی کرد.

۱- سکونتگاه، محل کار و زندگی دسته جمعی انسان‌ها است. در طول تاریخ زندگی بشر، فقط سه نوع سکونتگاه وجود داشته: روستا، چادرگاه (ابه) و شهر. یادتان باشد که اقامتگاه موقت گروهی انسان را نمی‌توان سکونتگاه نامید - مترجم.

اختراع تیرو کمان به انسان کمک کرد که دامداری کند و اختراع تبر به او کمک کرد که به کشاورزی بپردازد.



تصویر ۱۴- زنان دارند زمین را با کلك شخم می‌زنند.

زنها هنگامی که دانه‌های خوردنی گیاهان را جمع می‌کردند کشف بسیار جالبی کردند: آنها متوجه شدند که از هردانه‌ای که به زمین نرم می‌افتد، گیاهی می‌روید که آن گیاه خود دانه‌های جدیدی می‌دهد. کشاورزی از همین جا به وجود آمد.

مردها با تبر قطعه زمینی را برای کشت از بوته‌ها پاک می‌کردند. زنها خاک را با کلنگ نرم می‌کردند (نصویر ۱۴)، کلوخ‌های زمین را بادست خرد می‌نمودند و دانه را در خاک فرو می‌کردند. این گونه کشاورزی، کلنگی نامیده می‌شود. کشاورزی کلنگی زحمت بسیار زیادی داشت. يك خانواده‌ی کامل فقط می‌توانست قطعه زمین کوچکی را بکارد.



تصویر ۱۵- زنی دارد غله را در روی غله‌ها می‌ساید و آرد می‌کند.

کشتزارها را می‌بایست شب و روز مواظبت کرد، در غیر این صورت گله‌ی خوک‌های وحشی و یا سایر حیوانات می‌توانستند تمام محصول را نابود کنند.

کشاورزی در تمام کشورها همزمان به وجود نیامد. در جاهایی که شرایط بسیار مساعدی مانند گرما، آب زیاد و زمین حاصلخیز وجود داشت، کشاورزی ۷ هزار سال پیش پیدا شد. در سایر کشورها خیلی

سکونتگاه خانوادگی کشاورزان و دامداران باستان را نشان می‌دهد. در این تصویر، در قسمت جلو، از طرف چپ، زن‌ها دارند با داس‌های استخوانی خوشه‌ها را درو می‌کنند؛ درو این داس‌ها تکه تکه سنگ‌های تیزی سوار شده، در قسمت عقب تصویر، در طرف راست، خانه و انبار آنها دیده می‌شود. (اهالی سکونتگاه چه حیواناتی را اهلی کرده‌اند چه حیوانات دیگری، به وسیله‌ی انسان‌های نخستین اهلی شده که در عکس که دیده نمی‌شود؛ لباس انسان‌ها از چه ساخته شده؟ آنها برای درست کردن چنین لباسی، چه چیزی می‌بایست می‌آموختند؟ کشاورزانی که در عکس دیده می‌شوند چه چیزهای نو دیگری می‌توانستند بسازند که برای کارشان مفید باشد؟ آنها این چیزها را از چه می‌ساختند؟ به کمک تصویر ۱۵ معلوم کنید که زنی در جلو راست تصویر رنگی نشسته، دارد چکار می‌کند).

۵- خانواده و قبیله

تمیز کردن زمین برای کشت و حفظ کردن آن از حیوانات وحشی، برای يك نفر، کار توانفرسایی بود. فقط يك جماعت خانوادگی کامل می‌توانست از عهده‌ی چنین کاری بر آید. بدین جهت بود که پیوند گروه خویشاوندان بایکدیگر از گذشته محکم‌تر شد. محصول گردآمده، دام‌ها و سایر دارایی‌ها به تمام خانواده تعلق داشت. شکار، ماهیگیری و کشاورزی را ریش سفیدان که پیرترین و کار آزموده‌ترین افراد خانواده بودند رهبری می‌کردند.

چندین خانواده که در يك محل زندگی می‌کردند، تشکیل يك قبیله را می‌دادند. تمام قبیله به يك زبان حرف می‌زدند. کارهای قبیله را شورای ریش سفیدان اداره می‌کرد. این شورا محل‌های شکار، ماهیگیری و کشاورزی را بین خانواده‌ها تقسیم می‌کرد و به دعوای آنها رسیدگی می‌نمود.

ریش سفیدان به نفع تمام قبیله کار می‌کردند. بدین جهت آنها مورد اعتماد همه بودند و تمام قبیله بدون چون و چرا دستورهای آنها را انجام می‌دادند.

هنگام تصمیم‌گرفتن در مورد کارهای خیلی مهم، ریش سفیدان از تمام افراد قبیله، برای تشکیل جلسه دعوت می‌کردند.

- ۱- چه ابزار کارنوی در بین انسان‌ها پدید آمد؟ چگونه پدید آمدن این ابزارها سبب پیدایش پیشه‌های تازه شد؟
- ۲- کدامیک از پیشه‌های قدیم‌تر انسان سبب پیدایش کشاورزی گردید؟ چرا کشاورزی کلنگی مشکل بود؟
- ۳- کدامیک از پیشه‌های قدیم‌تر سبب پیدایش دامداری گردید؟
- ۴- چه کسی کارهای خانواده و قبیله را اداره می‌کرد؟
- ۵- از روی «نموداری» که در تصویر رنگی شماره (۱) وجود دارد، معلوم کنید که تقریباً چند هزار سال پس از پیدایش خانواده کشاورزی به وجود آمد؟

www.adabestanekave.com

→ در طرف راست، قسمت جلوی تصویر، دو نفر دارند بچه خوکی را کباب می‌کنند. کمی عقب‌تر، انسانی طناب پیچ شده قرار دارد که او را برای قربانی شدن آماده کرده‌اند. دو نفر دارند طبل می‌زنند تا صدای قربانی را خفه و ناشنیدنی کنند. در قسمت عقب تصویر، جمجمه‌های کسانی است که پیش از این قربانی شده‌اند. در روی چوب بست بلند عقب تصویر، حیوانات قربانی شده قرار دارند.



تصویر ۱۶- قربانی کردن انسان و حیوان.

شرح در صفحه مقابل ←

بند ۴

پیدایش مذهب در میان انسان‌های نخستین

۱ - ناتوانی انسان‌های نخستین در برابر طبیعت

انسان‌های نخستین در نتیجه‌ی صدها هزار سال زندگی کردن در روی زمین چیزهای بسیار زیادی فهمیدند و یاد گرفتند.

انسان آتش را که یکی از نیروهای توانا طبیعت بود به خدمت خود درآورد. او یاد گرفت که در رودخانه، دریاچه و حتی دریا قایقرانی کند. انسان گیاهان را پرورش داد و حیوانات را اهلی کرد. او بزرگترین جانوران را با کمان، نیزه و تبر شکار می‌کرد.

با این همه، انسان نخستین در برابر نیروهای طبیعت ناتوان و درمانده بود. برق کورکننده که با صدای گوش‌خراشی همراه بود کلبه او را نابود می‌کرد. انسان نخستین در برابر این بلا قدرت هیچگونه دفاعی

از خود نداشت.

انسان باستانی در مبارزه کردن با شعله‌های آتش جنگل نیز ناتوان بود و اگر موفق به فرار نمی‌شد، خود درون شعله‌ها می‌سوخت. وزش ناگهانی باد، قایق انسان‌ها را مانند پوست گردویی پشت و رو می‌کرد و خود آنها را در آب غرق می‌نمود.

انسان‌های نخستین نمی‌توانستند بیماری خود را معالجه کنند و در نتیجه، یکی بعد از دیگری می‌مردند.

انسان‌های دیرین فقط سعی می‌کردند، هرطور که شده، از دست خطری که آنها را تهدید می‌کند فرار کنند و یا پنهان شوند. این کار صدها هزار سال ادامه داشت.

به همان اندازه که عقل انسان کامل تر می‌شد، به همان اندازه هم سعی می‌کرد بفهمد که چه نیروهایی طبیعت را اداره می‌کنند. اما انسان نخستین از آنچه که ما اکنون در باره‌ی طبیعت می‌دانیم خبر چندانی نداشت. بدین جهت، او پدیده‌های طبیعت را به طور نادرست و اشتباه آمیزی معنی می‌کرد.

۲ - اعتقاد به «روح»، چگونه به وجود آمد؟

انسان نخستین معنی خواب را نمی‌فهمید. او گاهی کسانی را در

خواب می‌دید که از محل زندگی او دور بودند و یا سال‌ها از مرك آنها گذشته بود. بدینجهت او از خواب چنین می‌فهمید که درون جسم هر کس «روحی» یا «روانی» زندگی می‌کند، در هنگام خواب این «روح» از بدن او خارج می‌شود، بر فراز زمین پرواز می‌کند و با «روح‌های» دیگر ملاقات می‌نماید و بابرگشت روح، شخص از خواب بیدار می‌گردد.

مرك از نظر انسان نخستین شبیه به خواب بود، گویا مرك زمانی فرا می‌رسد که «روح» جسم را ترك کند. انسان نخستین فکر می‌کرد که «روح» مرده در نزدیکی محلی که او قبلاً زندگی می‌کرده باقی می‌ماند.

انسان‌های نخستین اعتقاد داشتند که «روح» ریش سفید مرده، مانند زمان زنده بودنش، همچنان به فکر خانواده‌ی خود می‌باشد و بدین جهت از او تقاضای پشتیبانی و کمک می‌کردند.

۳ - چگونه انسان خدا را ساخت

انسان‌های نخستین فکر می‌کردند که حیوانات، گیاهان، آسمان و زمین، همه «روح» یا «روان» دارند. «روح‌ها» هم می‌توانستند بدکار باشند و هم نیکو سرشت. آنها یا به شکار کمک می‌کردند، یا

مزاحم آن می‌شدند و گاهی نیز انسان‌ها و حیوانات را دچار بیماری می‌ساختند. خدایان که «روح‌های» اصلی بودند، نیروهای طبیعت را اداره می‌کردند: آنها رعد و برق و باد به وجود می‌آوردند. طلوع خورشید و فرا رسیدن بهار نیز به آنها مربوط بود.



تصویر ۱۷- بت یکی از اجداد که آن را خدا به حساب می‌آورده‌اند.

انسان نخستین، خدایان را مانند انسان یا حیوان می‌پنداشت: همچنان که شکارچی نیزه را پرتاب می‌کرد، خدای آسمان نیز «صاعقه» یا نیزه‌ی آتشین پرتاب می‌نمود. اما نیزه‌ای که انسان می‌پراند ده‌ها قدم بیشتر نمی‌رفت، در صورتی که «صاعقه» از سرتاسر آسمان می‌گذشت. خدا نیز مانند انسان فوت می‌کرد (باد می‌وزاند)، ولی با چنان قدرتی که درختان کهن را می‌شکست، کولاک به وجود می‌آورد و قایق‌ها را غرق می‌کرد.

بدین جهت، خدایان اگر چه شبیه به انسان بودند، ولی خیلی نیرو و توانایی بیشتری داشتند. اعتقاد به خدایان و به «روح» مذهب نامیده می‌شود. مذهب ده‌ها هزار سال پیش به وجود آمد.

- ۱- مذهب به چه می گویند ؟ آیا انسان نخستین، همیشه مذهب داشته ؟
- ۲- اعتقاد به «روح» چگونه پیدا شد ؟
- ۳- اعتقاد به خدایانی که نیروهای طبیعت را راه می بردند چگونه به وجود آمد؟ از ناتوانی انسان نخستین در برابر طبیعت چند نمونه بگویید.
- ۴- بت و قربانی به چه می گویند ؟
- ۵- مذهب چه زیانی به انسان نخستین وارد ساخت ؟

نتیجه بخش «زندگی انسان های نخستین»

انسان صدها هزار سال به شکل گله های نخستین زندگی کرد و ده ها هزار سال به شکل خانواده و قبیله. انسان نخستین با ابزار کار چوبی و سنگی و سپس استخوانی و شاخی به زحمت غذای خود را بدست می آورد و بیشتر وقت ها گرسنگی می کشید.

در سایه کار، زندگی انسان پی در پی تغییر پیدا کرد. انسان ها خانه و لباس درست کردند و به کشاورزی و دامداری پرداختند. گروه های انسانی نیز خود دچار دگرگونی گردید: خانواده نسبت به گله ی نخستین، گروهی پایدارتر و سازمان یافته تر بود.

با این وجود، شباهت زیادی بین گله ی نخستین و خانواده وجود داشت، زیرا در هر دوی آنها، انسان ها به طور دسته جمعی کار می کردند

شکارچیان از خدایان می خواستند که آنها را در شکار پیروز کند و ماهیگیران هوای آرام و ماهی فراوان از خدایان درخواست می کردند. کشاورزان نیز از خدایان می خواستند که محصولشان خوب شود.

انسان های باستانی، از چوب و سنگ، مجسمه های زمختی به شکل انسان یا حیوان می تراشیدند و خیال می کردند که خدا در آن جای خواهد گرفت. این مجسمه هایی که از خدایان می ساختند، بت نامیده می شود.

انسان ها برای این که شایسته ی لطف خدایان باشند، در پیش بت دعا می خواندند، به خاك می افتادند و برایش هدیه می بردند، و در راهش قربانی می کردند. در این راه، حیوانات خانگی و گاهی هم انسان قربانی می شد. لب های بت را، به علامت آن که خدا قربانی را قبول کرده، باخون می آلودند.

مذهب زیان شدیدی به انسان نخستین وارد می ساخت. انسان تمام چیزهایی را که در طبیعت و در زندگی اتفاق می افتاد، میل و اراده ی خدایان و روح ها می پنداشت. این پندارها نمی گذاشت انسان به جستجوی معنی درست پدیده های طبیعت بپردازد. از این گذشته، انسان در این راه، تعداد زیادی از حیوانات و حتی هم نوعان خود را به دست خود از بین می برد یعنی قربانی خدایان می کرد.

و نیز به طور دسته جمعی دارایی ها را تصرف می نمودند . این نوع زندگی که انسان های نخستین داشتند ، یعنی این که همه با هم رحمت می کشیدند، دارایی ها هم مال همه شان بود و همه با هم برابر بودند، «نظام جماعتی نخستین» نامیده می شود .

پرسش و تمرین برای مرور تمام بخش

- ۱- با استفاده از جدول روبرو ، شرح دهید که چگونه ابزار کار انسان های نخستین پی در پی تغییر یافت؟ چگونه با تغییر ابزار کار، پیشه های انسان تغییر پیدا کرد؟ برای هر یک از این پیشه ها چه ابزار کاری لازم بود؟
- ۲- شرح دهید که انسان دیرین چگونه به نظر تان آمده و کشاورزان باستان از نظر شما چگونه اند؟ با استفاده از تصویرهای رنگی شماره ی ۳ و شماره ی ۴، بگویید که چرا انسان های نخستین تغییر کرده اند ؟
- ۳- چرا انسان های نخستین گروهی زندگی می کردند ؟ بین گله های نخستین و خانواده چه شباهتی وجود داشت؟
- ۴- کدامیک از اشکال زندگی انسان، جماعت نخستین نامیده میشود؟
- ۵- زندگی انسان نخستین را که در تصویر رنگی شماره ی ۴ ترسیم شده بازنگری انسان هایی که در تصویر رنگی شماره ی ۳ ترسیم شده مقایسه کنید . نشان دهید که انسان هایی که در تصویر رنگی شماره ی ۳ ترسیم شده اند چه کارهایی بلد بودند و چه اختراعات و کشف های مهمی کرده بودند؟
- ۶- شرح دهید که چرا در میان انسان های نخستین مذهب به وجود آمد .

تاریخ زندگی انسان نخستین	پیش از ۱۰۰ هزار سال پیش	۴۰ - ۲۰ هزار سال پیش	۱۳ - ۶ هزار سال پیش
ابزارهای مهم کار	سنگ تراشیده، چوب دستی، زمین کن، چماق،	نیزه، برنده، تراشنده، هارپون.	تیر و کمان، تیر قایق، کلنگ
پیشه های اساسی	گردآوری خوراک شکار،	شکار، ماهیگیری، گردآوری خوراک،	شکار، ماهیگیری، پیدایش کشاورزی و دامداری.
مرحله های نظام جماعتی نخستین.	گله های نخستین	خانواده	قبیله و

بند ۵

سال شماری در تاریخ

۱- در قدیم، زمان را چگونه حساب می کردند

کشاورزان نخستین می دیدند که پس از هر چند وقت معین ، بهار و بعد از آن تابستان فرا می رسد . آنها مدت زمانی را که از يك برداشت محصول تا برداشت بعدی یعنی از يك تابستان تا تابستان بعدی می گذشت يك سال حساب می کردند . اسلاوهای باستان برای نامیدن تابستان و سال فقط يك کلمه داشتند . حتی در زبان روسی امروز هم آثاری از این گونه زمان شماری وجود دارد .

مثلا در زبان روسی به جای این که بگویند «من یازده سالم است» می گویند : «یازده تابستان (لت) از عمر من گذشته » و نمی گویند : «یازده زمستان » .

کشاورزان باستان، عیدهای خود را هم با تغییرات طبیعت مربوط می کردند . یکی از عیدهای آنها ، عید بهار بود که کشاورزان بیداری بهاری طبیعت را جشن می گرفتند . اکنون هم این عید باستانی وجود دارد که آدم های مذهبی آن را جشن می گیرند . یکی دیگر از عیدها ، عید زمستان بود ، یعنی هنگامی که روزها شروع به بلند شدن می کرد . در این عید ، کشاورزان تولد خورشید را جشن می گرفتند . مذهبی ها این عید را ، عید میلاد (کریسمس) می نامند .

پس از پیدایش خط ، انسان ها وقایع گوناگونی را که در هر سال اتفاق می افتاد یادداشت می کردند . آنها حساب می کردند که از يك واقعه معین و مهم مانند بنیانگذاری يك شهر عمده چند سال گذشته . در کشورهای مختلف ، وقایع مختلفی را پایه ی شمارش قرار دادند . این موضوع اشتباهات زیادی به وجود آورد .

۲- عصر ما (پس از میلاد)

نزدیک دوهزار سال پیش ، افسانه هایی بر سر زبان ها افتاد ، در باره ی خدایی به نام عیسای مسیح که گویا به صورت انسان در روی زمین زندگی می کرده . در این افسانه ها تناقض های زیادی به چشم می خورد . علم تاریخ ثابت کرده که عیسای مسیح هرگز وجود نداشته . با این وجود ،

بسیاری از مردم بدین افسانه‌ها اعتقاد دارند. (شماره‌بند ۵۷ همین کتاب خواهیدخواند که افسانه‌های عیسی چگونه به وجود آمد و چرا مردم به آن‌ها اعتقاد پیدا کردند.)

۶۰۰-۵۰۰ سال پس از پیدایش این افسانه‌ها بود که شخصی تاریخ تولدی دروغی، برای عیسی مسیح، از خود اختراع کرد. تمام کسانی که به این افسانه‌ها اعتقاد داشتند، این تاریخ تولد را پایه‌ی شمارش سال‌ها قرار دادند، یعنی آن را سال اول نامیدند، سال بعدش را سال دوم، سال دیگر را سال سوم و به همین ترتیب ...

شمارش سال بر این پایه در بسیاری از کشورها رواج یافت. از زمان پتراول نیز این سال شماری وارد روسیه شد. ما (منظور مردم شوروی است-م.) این سال شماری را هنوز هم مورد استفاده قرار می‌دهیم، زیرا که تقریباً در تمام دنیا پذیرفته شده. مثلاً وقتی که ما می‌گوییم فلان واقعه در سال ۱۹۶۱، در کشور شوروی، اتفاق افتاده، هم آمریکایی می‌تواند بفهمد که در چه سالی بوده، هم چینی و هم آلمانی.

حساب کنید که از سال اول میلاد تا امروز چند سال تمام گذشته. مدت زمانی را که از سال اول میلاد شروع می‌شود و تا امروز ادامه پیدا می‌کند، «عصر ما» یا سال‌های بعد از میلاد می‌نامند که با علامت «ب.م.» نشان داده می‌شود.

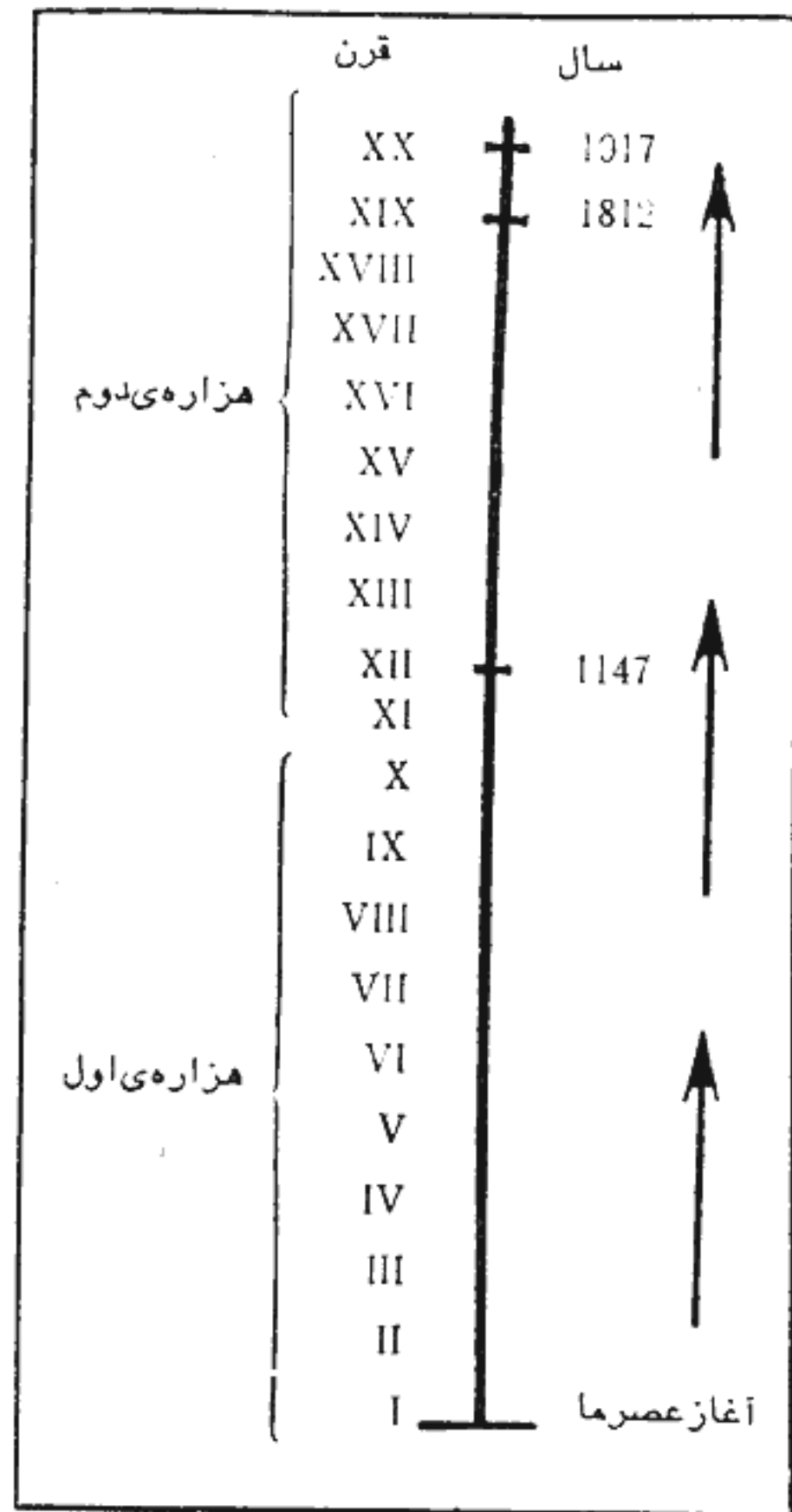
۱۰۰ سال = يك قرن یا يك سده .

۱۰ قرن = يك هزاره .

از ابتدای عصر ما تا کنون تقریباً ۲ هزاره یا بطور دقیق‌تر، ۱۹ قرن

کامل گذشته و اکنون قرن بیستم در جریان است. مادر قرن بیستم زندگی می‌کنیم .

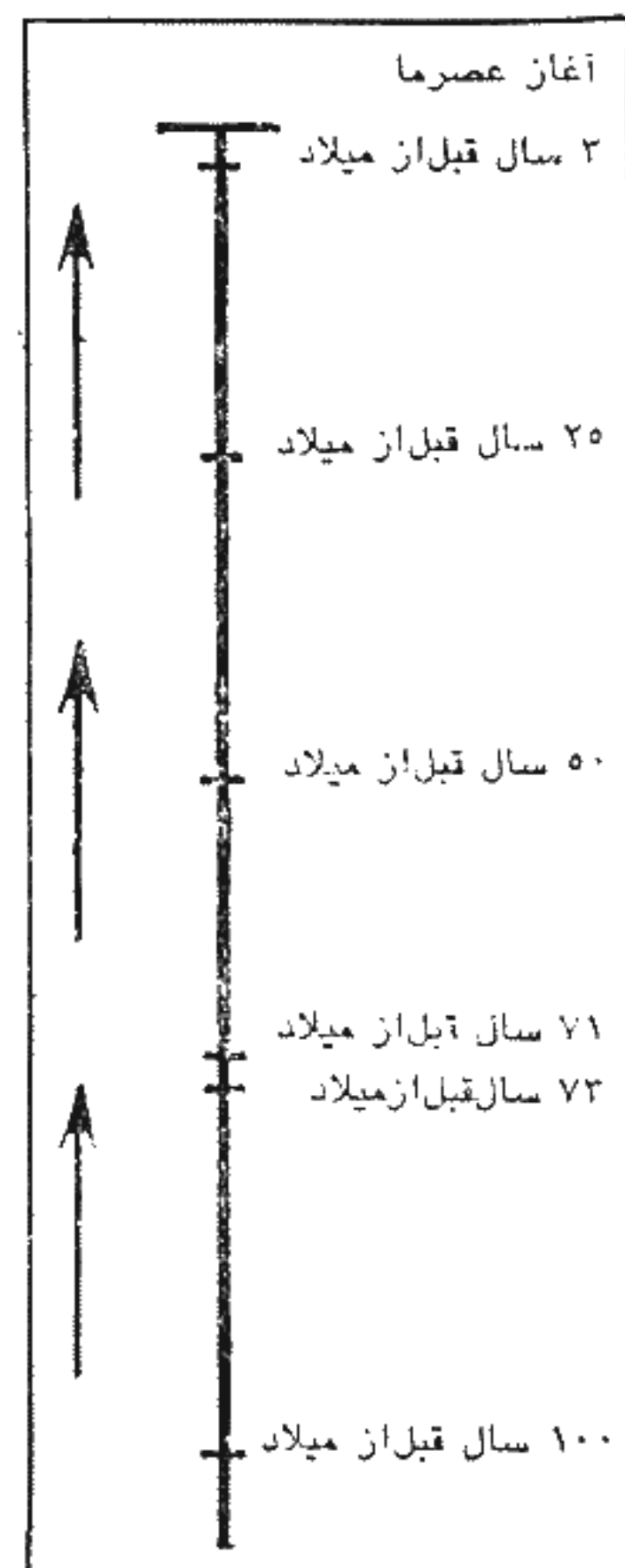
در «نموداری که سیر زمان را در عصر ما نشان می‌دهد، از پایین به بالا، قرن‌ها و هزاره‌های بعد از میلاد مشخص شده .



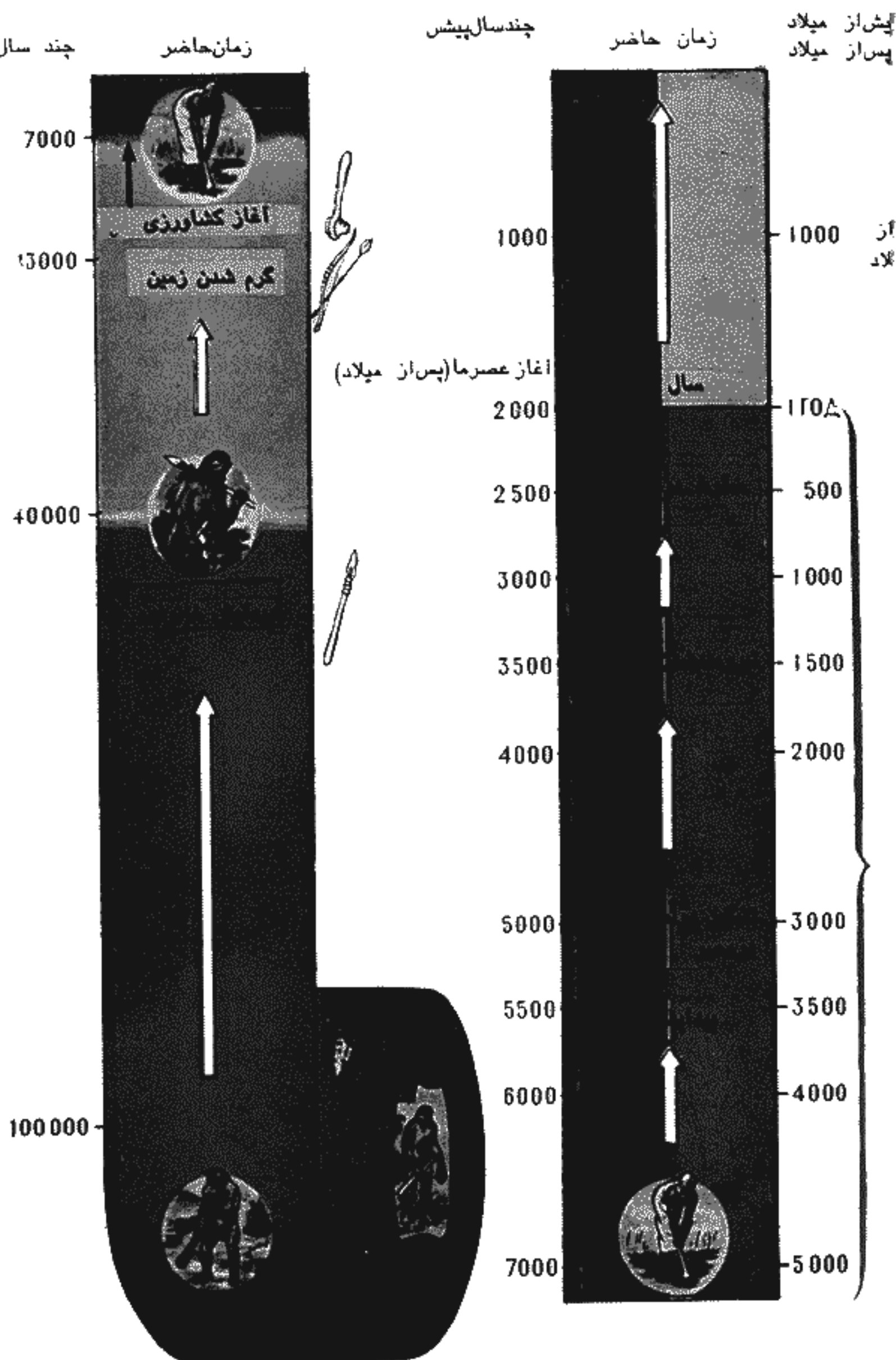
«نمودار زمان» عصر ما

۳- شمارش‌های پیش از عصرما (قبل از میلاد)

وقایع بسیاری وجود دارد که زودتر از عصرما اتفاق افتاده. ما می‌گوییم که این وقایع مربوط به «قبل از میلاد» یا پیش از عصرما است و این علامت را برای آن می‌گذاریم: ق.م.



نمودار زمان «یک قرن قبل از میلاد»



۲. نمودار زمان

۱. نمودار سیر زندگی انسان در روی زمین

تصویر رنگی شماره‌ی ۲

نموداری است که سیر زندگی انسان را در روی زمین نشان می‌دهد. این «نمودار» که از پایین به بالا است ۱۳۰-۱۲۰ هزار سال زندگی اخیر انسان را در بر دارد. قسمت پیچیده‌ی نمودار که تصویر انسان دیرین در هر کن آن است، زمان‌های پیشین را نشان می‌دهد. شما در روی این نمودار زمان سرمای شدید زمین و زمان تشکیل خانواده را نشان دهید. (حساب کنید که بین سرمای شدید و تشکیل خانواده تقریباً چند سال فاصله وجود داشته.

در این «نمودار زمان» يك قرن قبل از میلاد ترسیم شده. وقایع قبل از میلاد هرچه زودتر اتفاق افتاده باشند، شماره‌ی سالی که نشان دهنده‌ی تاریخ آن‌ها است، بیشتر است. مثلاً قیام معروفی که زیر رهبری اسپارتا کوس بود در سال ۷۳ ق.م. اتفاق افتاد و دو سال نیز طول کشید. بنابراین، در طول سال ۷۲ ق.م. ادامه داشت و در سال ۷۱ ق.م. تمام شد. فکر کنید ببینید، يك سال بعد از سال ۷۱ ق.م. چه سالی بوده.

به تصویر رنگی شماره‌ی ۲ نگاه می‌کنیم. در این تصویر «نمودار زمان» برای هفت هزار سالی که از پیدایش کشاورزی می‌گذرد (تقریباً) ترسیم شده.

در این نمودار از برخی وقایع تاریخ جهان باستان یاد شده. در کنار قسمت سبز رنگ طرف چپ نمودار، نشان داده شده که این وقایع تقریباً چند هزار سال پیش، اتفاق افتاده.

در طرف راست «نمودار»، هفت هزار سال به دو قسمت تقسیم شده: دوره‌ی قبل از میلاد و دوره‌ی بعد از میلاد. رنگ زرد دوره‌ی پس از میلاد را نشان می‌دهد. این دوره، تقریباً دو هزار سال طول می‌کشد. رنگ قرمز، دوره‌ی قبل از میلاد را نشان می‌دهد. در قسمت قرمز، نشان داده شده که وقایع روی نمودار تقریباً چند سال قبل از میلاد روی داده. کشاورزی تقریباً هفت هزار سال پیش به وجود آمد. از این مدت دو هزار سالش مربوط به بعد از میلاد (دوره‌ی ما) است. یعنی

اینکه، کشاورزی تقریباً ۵ هزار سال قبل از میلاد پیدا شده .

۵ هزار = ۲ هزار - ۷ هزار

نوشتن در برخی کشورها نزدیک به ۳/۵ هزار سال قبل از میلاد پیدا شد. از آن زمان تا کنون، بجز این ۳/۵ هزار سال، نزدیک به ۲ هزار سال دیگر نیز که دوره‌ی پس از میلاد است گذشته . بدین ترتیب، نوشتن نزدیک ۵/۵ هزار سال پیش ($۳/۵ + ۲ = ۵/۵$) به وجود آمده .

دولت، در مصر باستان، نزدیک ۵ هزار سال پیش تشکیل شد. ابتدا جای این واقعه را روی نمودار زمان پیدا کنید و سپس حساب کنید که این واقعه تقریباً چند هزار سال پیش از میلاد روی داده.

نزدیک به ۱/۵ هزار سال قبل از میلاد، دولت مصر باستان بیشترین قدرت را به دست آورد. جای این واقعه را روی نمودار زمان پیدا کنید و بگویید که تقریباً چند هزار سال پیش روی داده .

از روی نمودار معین کنید که دولت مصر باستان چه زمانی نابود شده و بگویید که این زمان تقریباً چند هزار سال پیش بوده.

تمرین‌های تکمیلی

کدامیک از سال‌های زیر قدیم تر است و چقدر قدیم تر است :

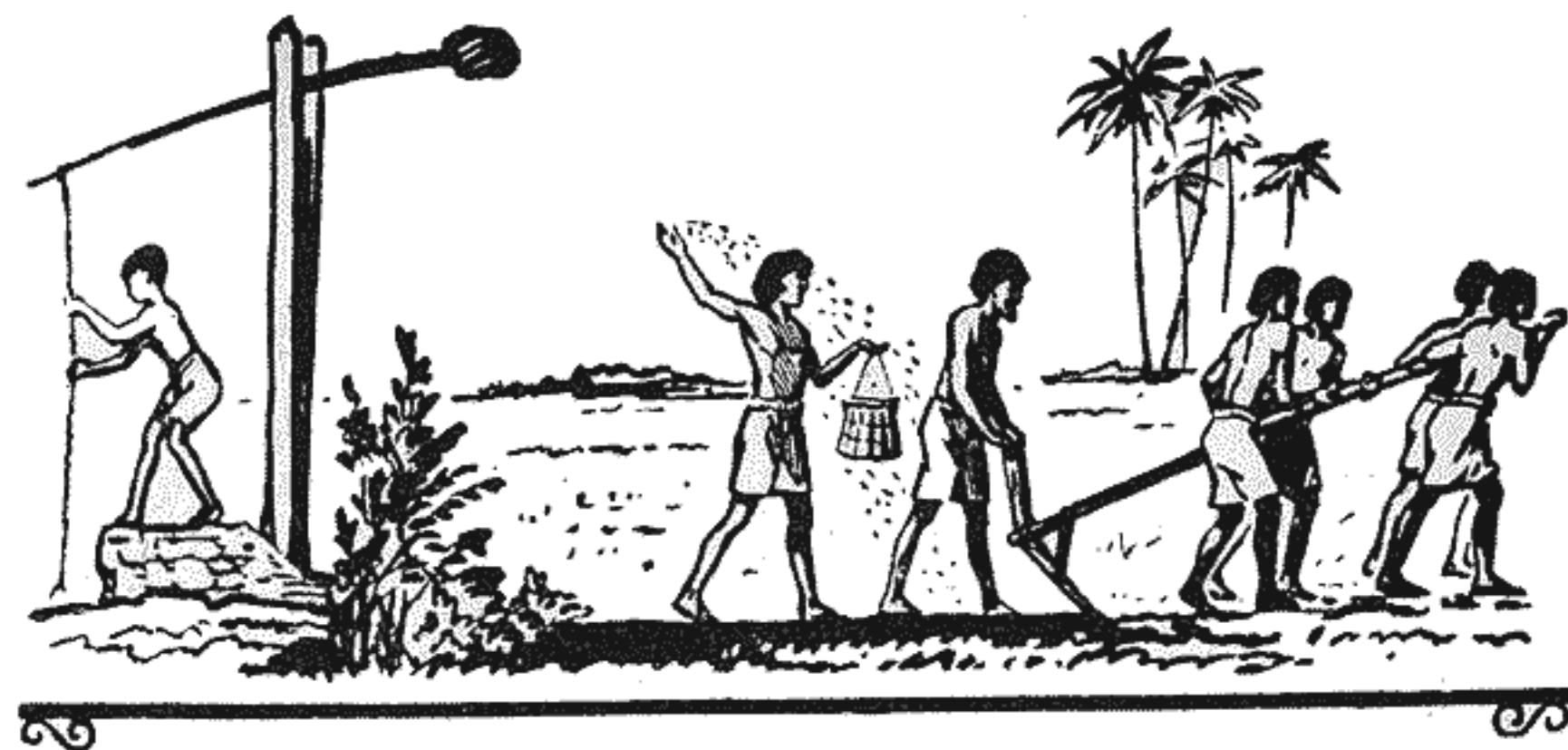
۳۰ سال قبل از میلاد یا ۳۰ سال بعد از میلاد؟....

در سال ۷۰ قبل از میلاد ستونی در کنار جاده نصب کردند. در سال

گذشته این ستون به موزه برده شد. این ستون چند سال در کنار جاده بود؟

در سال ۱۹۰۰ گنجی پیدا شد که ۲۲۴۰ سال در زیر خاک مانده بود. در چه سالی این گنج را در زیر خاک پنهان کرده اند ؟

www.adabestanekave.com



شرق (خاور) باستان

فصل دوم

مصر باستان

طبیعت و مردم دیرین مصر

به نقشه‌ی همراه کتاب نگاه کنید

۱- وضع جغرافیائی مصر باستان

در شمال شرقی (خاوری) آفریقا بخش بیشتر سال گرمای سخت است و خیلی هم کم باران می‌بارد. بیابان‌های شنی و سنگلاخ هزاران کیلومتر گسترش دارد. فقط در جاهائی که چشمه‌ای از زمین می‌جوشد، مقداری علف سبز کرده و درختانی نیز از زمین رویده‌اند.

از جنوب به شمال این بیابان، رود نیل که یکی از بزرگترین رودهای جهان است، می‌گذرد. این رود از دریاچه‌های بزرگی سرچشمه

در زمان باستان، تمام مردم جهان به صورت جماعت نخستین زندگی می‌کردند. آنها در آغاز به گردآوری خوراک، شکار و ماهیگیری می‌پرداختند و سپس رفته رفته به کشاورزی و دامداری رسیدند. یکی از کشورهای کشاورز دیرین، مصر بود که در شمال خاوری آفریقا قرار دارد (به نقشه همراه کتاب نگاه کنید).

۱- در قدیم، چون دریای مدیترانه را وسط زمین می‌پنداشتند (کلمه‌ی «مدیترانه» هم در زبان فرانسه، همین معنی را می‌رساند)، در نتیجه به کشورهای که در شرق این دریا قرار داشت، «شرق» (یا «خاور») می‌گفتند. هنوز هم اصطلاح‌های «شرق»، «خاورمیانه»، «خاور نزدیک»، «غرب» و غیره در بسیاری از زبان‌های دنیا به شدت رواج دارد. - مترجم.

می گیرد که در نزدیکی خط استوا قرار دارند . (در روی نقشه‌ی همراه کتاب، دریاچه‌ها و رود نیل را پیدا کنید.) در مسیر نیل آبشارهایی قرار دارند. رود نیل پس از گذشتن از این آبشارها، نزدیک به ۷۰۰ کیلومتر راه هموار را به سوی دره‌ای عمیق می پیماید. اطراف این دره را پرتگاههای بلند سنگی فرار گرفته اند. پهنای دره ۱۵-۱۲ کیلومتر است.

نیل قبل از اینکه به دریای مدیترانه بریزد از دشتی هموار می گذرد. در این دشت، رودخانه به شاخه‌های زیادی تقسیم می شود و نیز تشکیل دلتا می دهد .

در میان دره‌ی نیل، در شمال آبشارها و نیز در دلتای این رود ، مصر باستان قرار داشت .

۲- طغیان نیل،

در ماههای تابستان، در آفریقای مرکزی یعنی در انتهای جنوب مصر، بارانهای شدیدی می بارد. دریاچه‌هایی که نیل از آنها سرچشمه میگیرد طغیان می کنند. در همین موقع، در کوههایی که شاخه‌های ابتدایی نیل از آنها سرچشمه می گیرد، برف‌ها آب می شوند و جریانهای خروشان آب که به سوی رودخانه سرازیر می شوند، قشرهای کوه را با خود می کنند و می برند .

آب رودخانه‌ی نیل به سرعت افزایش می یابد. نیل از سواحل خود دره‌ی گذرد، وسیعاً گسترش می یابد و تقریباً تمام دره را فرا می گیرد. فقط تپه‌ها، مانند جزیره‌هایی از میان پهنه‌ی وسیع آب سر برون می کنند.



تصویر ۱۸- بوته زارهای پاپیروس در رودخانه‌ی نیل

نیل، هنگام طغیان، توده‌هایی از خرده‌های گیاهان آبی و نیز از قشرهای شسته شده از کوه را با خود از دریاچه‌ها می آورد. آب رودخانه، از گیاهانی که همراه آن است، به رنگ سبز روشن در می آید و سپس، در اثر آمیختن با قشرهای کوه، مانند خون قرمز می شود. خرده‌های بسیار ریز قشرهای کوه و گیاهان فاسد شده به شکل گل ولای در روی ساحل‌های غرق شده

در آب رسوب می کنند. در ماههای نوامبر، آب فرو می نشیند و رودخانه در میان سواحل خود مهار می شود. پس از طغیان، زمین های دره نه تنها خوب آب کشیده اند، بلکه بوسیله ی قشری کلفت از گل ولای سیاه و بسیار حاصلخیز پوشانده شده اند.

۳- رستنی ها و حیوانات مصر باستان.

طغیان نیل تمام دره را يك اندازه آبیاری نمی کرد. جاهایی که آب به آن نمی رسید، به بیابان تبدیل شده بود، در صورتی که در جلگه های پست آب زیاد جمع می شد و تشکیل مرداب می داد.

مرداب ها و آبگیرهای کوچک رودخانه از پاپیروس یعنی نی هایی که دو تا سه برابر قامت انسان است پوشیده شده بود. سواحل رودخانه نیز پر بود از بوته زارهای انبوه، نخل های بلند و گندم و جو وحشی.

در بوته زارهای پاپیروس، پرندگان آبی لانه می ساختند. در رودخانه نیز ماهی زیادی وجود داشت. صدها نهنگ در جاهای کم عمق آن دراز می کشیدند و در آب شنا می کردند. در سواحل، گله های گاوان نر می چریدند و شیرها در کمین شکار می نشستند. انبوه حشرات برفراز مرداب های گندیده پرواز می کردند. در مرداب ها نیز، جانوران زهردار زیادی وجود داشت.

۴- مردم دیرین دره ی نیل

در آن زمان، مردم مصر در دوران سنگ زندگی می کردند. آنها به صورت خانواده و قبیله می زیستند. خانواده راریش سفید اداره می کرد. انسان ها شکار و ماهیگیری می کردند، دانه و میوه گرد می آوردند. و سپس هم به کشاورزی کلنگی پرداختند. دست آوردهای شکارچیان و ماهیگیران و همچنین محصول گرد آمده، از آن تمام خانواده بود.

اغلب بین قبیله ها بر سر جاهای مناسب برای شکار و کشاورزی دعوا می شد. گاهی این دعوا به جنگ تبدیل می گردید. قبیله ها، هنگام جنگ، برای خود «رهبر» یا سرکرده ی جنگی انتخاب می کردند.

آنها در هنگام جنگ، اگر اسیری می گرفتند، او را می کشتند، زیرا کار اسیرها برای خانواده ای که آنها را اسیر می کرد سودی نداشت. با کلنگ فقط قطعه زمین بسیار کوچکی را می شد شخم زد و تمام محصولی هم که از این قطعه زمین به دست می آمد به مصرف خوراك خود اسیران می رسید.

زندگی مردم دیرین مصر سخت و خطرناك بود. انسان چه در خشکی و چه در دریا طعمه ی درندگان می شد. بیماری هایی که از مرداب ها به وجود می آمد در میان مردم بیداد می کرد. طغیان ها خانه و کاشانه ی انسان را ویران می ساخت. انسان ها، برای این که از باطلاق ها و بیشه زارها قطعه ی كوچك زمین قابل کشتی بسازند، زحمت بسیار زیادی

- ۱- طبیعت مصر باستان با طبیعت محل زندگی شما چه فرقی‌هایی دارد؟
- ۲- اگر طغیان نمی‌شد، دره‌ی نیل به چه صورتی درمی‌آمد؟
- ۳- آیا شرایط طبیعی مصر باستان، زندگی را برای مردم دشوار می‌کرد؟
- ۴- مردم دیرین مصر با چه نظام اجتماعی‌ای زندگی می‌کردند؟
- ۵- شرح دهید که چرا مردم دیرین مصر، معمولاً سیران را می‌کشتند.

بند ۷

آغاز کشف فلزات و پیشرفت کشاورزی

کشاورزی در مصر باستان

۱- ساختن ابزار کار از مس

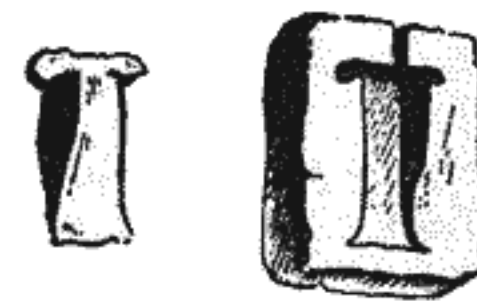
انسان، هنگام کار با سنگ، دریافت که برخی از سنگ‌ها نرم‌تر از سایرین است. وقتی که این «سنگ‌ها» به داخل آتش می‌افتاد ذوب می‌شد و پس از سرد شدن شکل تازه‌ای به خود می‌گرفت. در واقع، این‌ها سنگ نبودند، بلکه تکه‌های مس و یاسنگ مس بودند که انسان‌ها در جاهایی که معادن مس وجود داشت با آن برخورد می‌کردند.

این معادن در نزدیکی مصر، در شبه جزیره‌ی سینا قرار داشتند. نزدیک ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مصری‌ها مسکاری آموختند.

مس را در کوره‌های مخصوصی که گرمای خیلی زیادی داشت ذوب

www.adabestanekave.com

می کردند. درروی زمین یا درروی سنك نرم، به هر شکلی که دلشان می خواست، گودالی می کنند و مس ذوب شده را درون آن می ریختند. مس ذوب شده پس از اینکه سرد می شد به شکل گودال درمی آمد. بدین ترتیب، انسان ها تبر، سر کلنگ، خنجر و چیزهای ریخته ای دیگری ساختند.



تصویر ۱۹- تبر مسی و قالبی که در آن تبر را ریخته اند.

مس فلز نرمی بود و ابزارهایی که از آن ساخته می شد به زودی کند و فرسوده می گردید.

با وجود این با ابزارهای مسی خیلی بهتر از ابزارهای سنگی می شد زمین را کند، کلوخ های آن را خرد نمود و همچنین چوب و حتی سنك را تغییر شکل داد.

با پیدا شدن ابزار کار مسی نزد انسان ها، «دوره ی سنك» تمام شد و «دوره ی فلزات» آغاز گردید.

به مبارزه با شنزار، مرداب و بوته زار پرداختند.

مصریان دورتکه زمین های خود را با دیوارهایی از گل و نی سد می کردند. در این دیوارها نیز دروازه هایی درست می کردند، برای اینکه در موقع طغیان، آب تکه زمین آنها را فرا گیرد. سپس دروازه ها را می بستند تا آب خارج نشود و زمین را خوب سیر آب کند. برای زمینهایی که طغیان آنها را فرا نمی گرفت، مصریان از رودخانه به سوی آنها کانال می کشیدند.

در زمین های باتلاقی نیز کانال می کنند تا آب اضافی این زمین ها به رودخانه ها برود. بوته ها و نی ها را نیز با تبرهای مسی می بریدند.

معمولاً باد کانال های آنها را از شن پر می کرد. طغیان نیل سدهایشان را خراب می نمود و مردم مجبور بودند هر ساله آنها را تعمیر و لاروبی کنند.

برای ساختن و تعمیر کردن سدها و کانال ها هزارها نفر از مردمی که در همسایگی هم زندگی می کردند دسته جمعی کار می کردند. در سایه ی کار انسان ها، زمین های زیادی در دره و دلتای نیل آماده ی کشت می شد.

www.adabestanekave.com

کشاورزی و دامداری، پیشه های اصلی مصریان

۳- مبارزه ی انسان با شنزار، مرداب و بوته زار

با پیدایش ابزار کار مسی در مصر، مصریان پیروز مندانه تر از گذشته

مصریان برای اینکه شخم زمین زودتر انجام بگیرد، اندازه ی



تصویر ۲۱- کشاورزان دارند دام‌ها را در روی خوشه‌هایی که روی زمین پهن شده، رامی‌برند (این تصویر، کارخود مصریان باستان است).

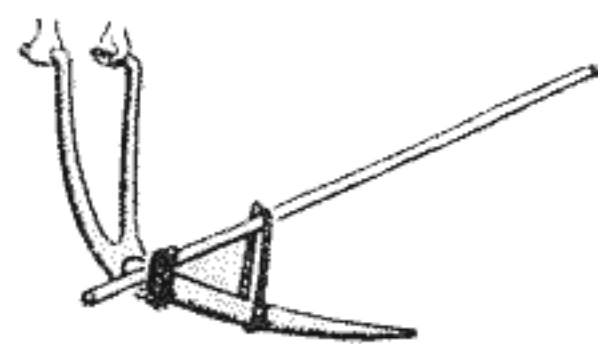
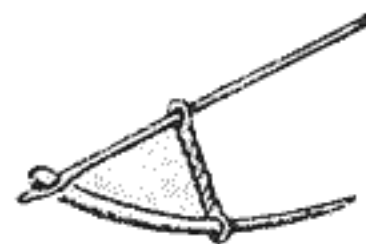
چون کار کردن باخیش و گاو برای زن‌ها سخت بود، بدین جهت مردها در روی کشتزارها کار می‌کردند.

در چهار هزار سال قبل از میلاد، کشاورزی و دامداری پیشه‌ی اصلی مصریان شد.

۴- صنعت دستی

کشاورزان مصر، تقریباً تمام چیزهایی را که لازم داشتند، خودشان می‌ساختند: آنها کرباس‌های زمختی برای لباس می‌بافتند، از نی حصیر درست می‌کردند که روی آن بخوابند و از گل ظرف می‌ساختند.

کلنگ را بزرگ کردند و آن را به چوبدستی بلندی بستند. چند نفر زن چوبدستی رامی‌گرفتند، آن را می‌کشیدند و با کلنگی که در نوک آن بسته شده بود روی زمین شیار می‌انداختند. برای اینکه شیارها گودتر باشد، برای کلنگ دسته‌هایی درست می‌کردند و یک نفر دسته‌ها را می‌گرفت و در حالی که به دنبال کلنگ می‌رفت، روی دسته‌های آن فشار وارد می‌ساخت. بدین ترتیب بود که «خیش دیرین» (تصویر ۲۰) اختراع شد. بعداً به خیش، گاو بستند. اختراع خیش، شخم زدن زمین را خیلی آسان‌تر و بهتر کرد.



تصویر ۲۰- کلنگ و خیش باستانی در مصر

مصریان جو، گندم و کتان می‌کاشتند و سبزی‌کاری می‌کردند. آنها گوسفند، بز، خوک و حیواناتی را که دانه‌ها را لگد می‌کردند از کشتزارهای خود بیرون می‌رانند. مصریان خوشه‌های رسیده را باداس‌های چوبی که تیغه‌ی سنگی تیزی داشت در می‌کردند. آنها برای اینکه دانه را از خوشه جدا کنند، خوشه‌ها را در روی زمین پهن می‌کردند و حیوانات را در روی آنها راه می‌برند.

اما ساختن ابزار کارمسی و اسلحه راهمه کس نمی توانست انجام دهد. برای این کار مهارت زیادی لازم بود. این مهارت در نتیجه ی سال های طولانی آموزش و کار به دست می آمد. معمولاً، فرزندان اشخاص با مهارت از بچگی، هنگام کار، به پدر خود کمک می کردند و از او مهارت می آموختند.

مصریان کار کردن روی طلا و نقره را نیز یاد گرفتند. آنها از طلا و نقره زینت آلات می ساختند.

آنها یی که کار کردن روی فلزات را یاد گرفته بودند دیگر کشاورزی و دامداری نمی کردند و فقط ابزار کار، اسلحه و زینت آلات می ساختند. ساختن چیزهایی که با دست درست می گردد، صنعت دستی نامیده می شود و کسانی را که بدین کار مشغولند «صنعتگر» می نامند.

پرسش و تمرین:

۱- مصریان، در چهار هزار سال پیش از میلاد چه پروزی هایی در ساختن ابزار کار و کشاورزی به دست آوردند ؟

۲- شما در باره ی اهمیت آتش در زندگی انسان های باستانی، از بند هفتم این کتاب چه چیز تازه ای یاد گرفتید؟

۳- در روی «نمودار زمان» (تصویر رنگی شماره ۲) موقعی را که، برای اولین بار، کار کردن در روی مس، در مصر باستان، آغاز شده پیدا کنید. تقریباً چند هزار سال قبل، مصریان کار کردن روی مس را آغاز کردند؟

بند ۸

تشکیل طبقات و دولت در مصر

با پیشرفت کشاورزی و دامداری در مصر و پیدایش ابزار کارمسی، دوران زندگی نظام جماعتی نخستین در میان مصریان به پایان رسید. اما این کار چرا و چگونه انجام گرفت؟

۱- از هم پاشیدن جماعت خانوادگی

حتی يك خانواده ی كوچك هم می توانست تکه زمینی را که طغیان آن را کود داده بوده وسیله خیش شخم بزند و بکار د. دیگر لزومی نداشت که افراد يك خانواده ی بزرگ همه با هم به طور دسته جمعی

ریش سفیدان تکه‌های زمین را به خانواددهای کوچک که جزئی از جماعت خانوادگی بودند و اگذار کردند. هر خانواده‌ی کوچک برای خودش دارایی جداگانه‌ای به وجود آورد. این خانواده‌ها دیگر صاحب ابزار کار، چندتا حیوان و کلبه نیز بودند. هر خانواده تکه زمین خودش را کشت می‌کرد و باغچه‌ی خود را پرورش می‌داد. محصول گردآوری شده نیز به این خانواده‌های کوچک تعلق داشت. بدین ترتیب واحد اقتصادی^۱ بزرگ جماعت خانوادگی به واحدهای کوچک اقتصادی خانواده‌های کوچک و جداگانه تقسیم شد.

یا از هم پاشیدن جماعت خانوادگی، برابری بین خویشاوندان از بین رفت. بیشتر خویشاوندان هر یک تکه زمین کوچکی بدست آوردند و خودشان به کار کردن در روی آن پرداختند. آنها به کمک همسایگان خود کانال و سد می‌ساختند و نیز آنها را تعمیر می‌کردند. زمینکارانی که خودشان واحد اقتصادی کوچکی داشتند، کشاورز نامیده می‌شوند.

رهبران قبیله‌ها و ریش سفیدان تکه‌های بزرگی از بهترین زمین‌هایی را که به جماعت خانوادگی تعلق داشت به چنگ آوردند.

۱. واحد اقتصادی کشاورزان، عبارت از کشاورزی در یک قطعه زمین اغلب کوچک، به اضافه‌ی نگهداری چند سردام و کمی هم صنایع دستی خانگی است. واحد اقتصادی کشاورزان، به وسیله‌ی تمام افراد آماده‌ی کار خانواده، بر اساس تقسیم کار جنسی بین آنان (تقسیم کار بین زن و مرد) اداره می‌شود - مترجم.

با ابزار کار مسمی و خیش، انسان می‌توانست بیشتر از گذشته غله به دست آورد. محصولی که از کشتزارها به دست می‌آمد تنها به مصرف خوراک مردم و نیز بذری پاشی زمین نمی‌رسید، بلکه مقداری هم از آن باقی می‌ماند. این محصول باقی مانده نصیب کسی می‌شد که مردم برایش کار می‌کردند.

هنگامی که حاصل کار انسان بیشتر از مصرف او شده بود دیگر مردم اسیران را نمی‌کشتند، چون وادار کردن آنها به کار نایده داشت.

در نتیجه، ریش سفیدان و رهبران اسیران را نزد خود نگه داشتند و آنها را به برده‌ی خود تبدیل کردند. پیش از این، اسیران را «کشته» می‌نامیدند ولی اکنون دیگر به برده‌ها «کشته‌ی زنده» می‌گفتند.



تصویر ۲۲ - کشته‌های زنده، (این تصویر، کار خود مصریان باستان است).

برده‌ها زمین‌های ریش سفیدان و رهبران را کشت می‌کردند، برای ساختن سدها و کانال‌ها کار می‌کردند و گله‌های آنها را به چرای می‌بردند. برده‌ها به ارباب خود تعلق داشتند. صاحبان برده‌ها می‌توانستند آنها را بکشند و یا بفروشند، درست مانند دام. برده‌ها هیچ چیز از خود نداشتند. آنها فقط از ارباب خود مقدار غذایی را که برایشان لازم بود تا بتوانند کار کنند می‌گرفتند.

ریش سفیدان و رهبران، صاحبان برده‌ها بودند، یعنی برده‌دار به حساب می‌آمدند. خود آنها در روی کشتزارها کار نمی‌کردند. سرو وضع برده‌داران با سایر مردم مصر فرق داشت. لباس آنها از پارچه‌ی کتانسی ظریف بود، در روی کمرشان خنجر می‌بستند که دسته‌اش با طلا آراسته شده بود. آنها دستبندهای طلا در دست و گردن بند در گردن خود داشتند.

در هزاره چهارم قبل از میلاد، در مصر، طبقه‌ها به وجود آمد: طبقه‌ی ستمگر برده‌داران بودند و طبقه‌ی ستمکش بردگان، که برای ستمگران کار می‌کردند.

www.adabestanekave.com

۳- اولین دولت‌ها در مصر

بردگان تلاش می‌کردند که از ستم برده‌داران رها شوند. کشاورزان

در برابر اشغال زمینشان به وسیله برده‌داران، مقاومت می‌کردند. فقط با زور می‌شد مقاومت برده‌ها و کشاورزان را درهم شکست و آنها را مجبور کرد که از برده‌داران اطاعت کنند.

رهبران که ثروتمندترین برده‌داران قبیله بودند رسته‌های کاملاً مسلح سرباز، نگهبانان و مراقبان بسیار در اختیار داشتند. مراقبان کار



تصویر ۲۳. جنگجویان مصری
بانیزه و سپر (این پیکره‌ها به وسیله‌ی
مصریان باستان ساخته شده).

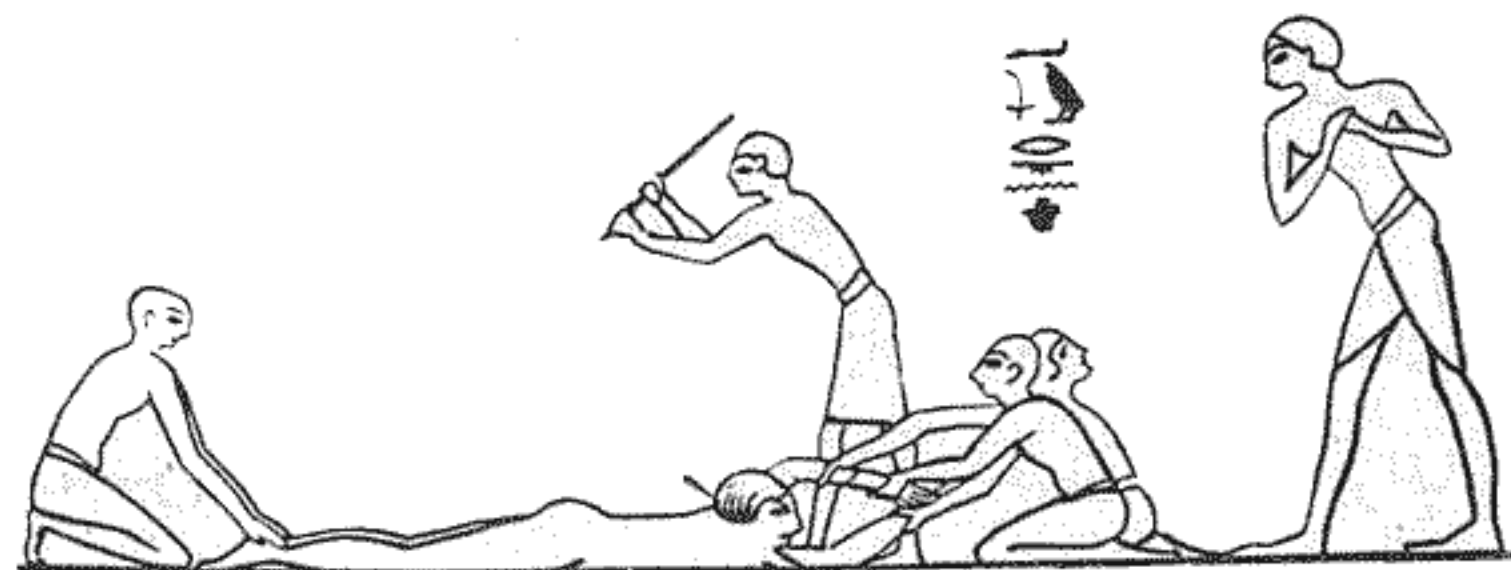
کردن برده‌ها را زیر نظر می‌گرفتند و برده‌های فراری را دستگیر می‌کردند و به ارباب بر می‌گرداندند. نگهبانان و سربازان زمین‌هایی را که برده‌داران اشغال کرده بودند نگهداری می‌کردند و کشاورزان و بردگان نافرمان را با چماق کتک می‌زدند و به زندان می‌انداختند.

تعداد نگهبانان و سربازان پی‌درپی زیاد می‌شد و در نتیجه قدرت رهبر افزایش می‌یافت. او دیگر نه جلسه‌ی عمومی تشکیل می‌داد و نه شورای ریش سفیدان و خودش به تنهایی در باره‌ی همه‌ی کارها تصمیم می‌گرفت. رهبران دیگر به پادشاه تبدیل شده بودند.

۲. شرح دهید که چرا در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد از کشتن اسیران خودداری می‌کردند .

۳. در مصر باستان ، چه طبقه‌هایی تشکیل گردید؟

۴. چرا با تشکیل طبقه‌ها دولت نیز به وجود آمد؟ چرا در نظام جماعتی نخستین دولت وجود نداشت؟



تصویر ۲۴ . مجازات با چماق (این تصویر ، کار خود مصریان باستان است).

بدین ترتیب در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد در مصر دولت‌هایی به وجود آمد. تعداد این دولت‌ها نزدیک به چهل تا بود. در رأس هریک از این دولت‌ها يك پادشاه قرار داشت.

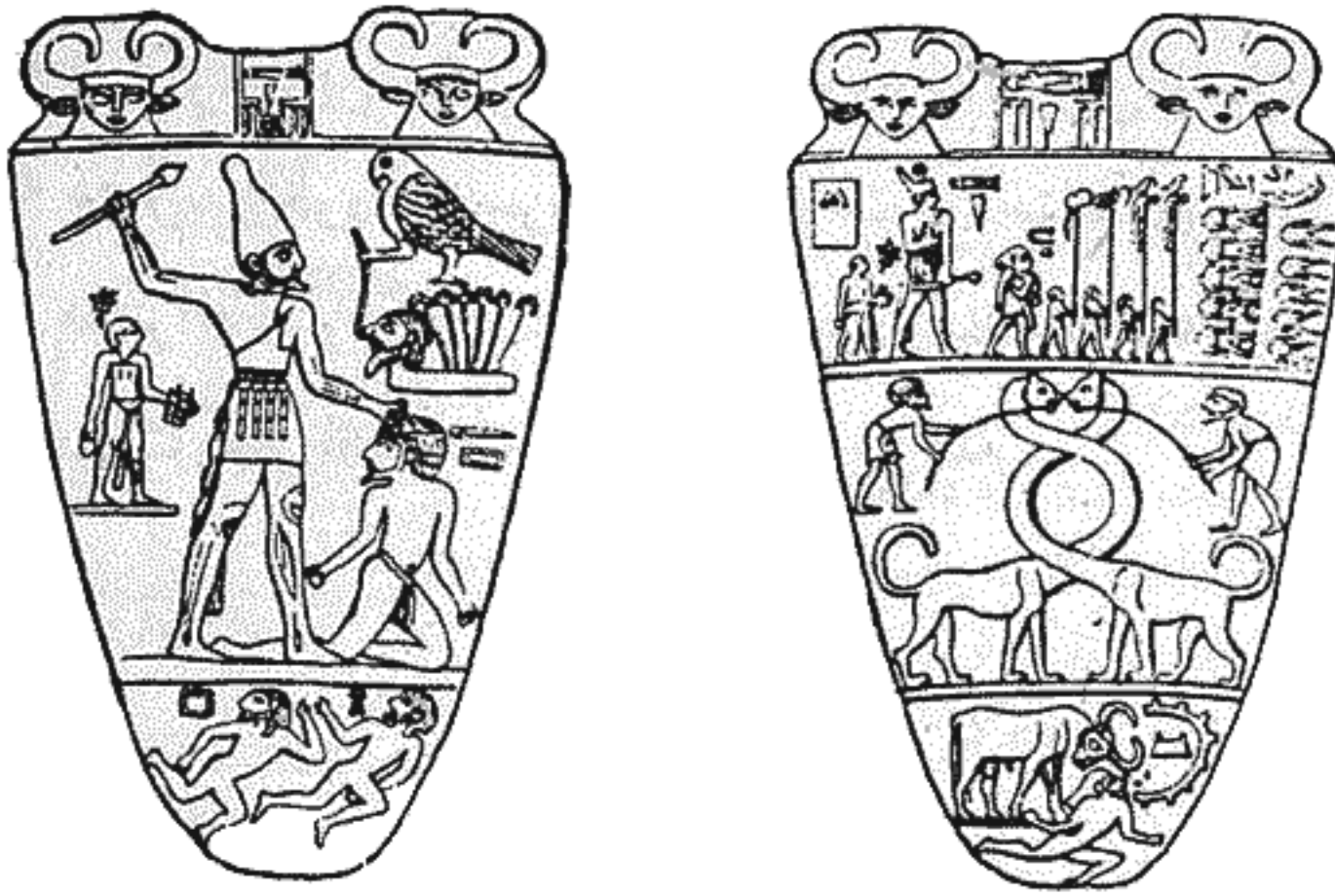
دولت مقاومت برده‌ها و کشاورزان را سرکوب می‌کرد و از زندگی و دارایی برده داران دفاع می‌نمود.

www.adabestanekave.com

با پیدایش ابزارمسی و پیشرفت کشاورزی و دامداری، نظام جماعتی نخستین در مصر به نظام برده داری تبدیل شد. در نظام برده داری برخی از مردم که برده دار نامیده می‌شدند بقیه‌ی مردم را که برده بودند صاحب می‌شدند و آنها را مجبور می‌کردند که برایشان کار کنند.

پرسش و تمرین :

۱. در مصر باستان، کشاورز به چه کسی می‌گفتند ؟ فرق بین کشاورز و برده چه بود؟ چه چیزشان باهمدیگر شبیه بود؟



بند ۹

دولت مصر باستان

تصویر ۲۵. (تصویرهای باستانی که بر روی تخته سنگ کنده شده، چه چیزهایی را برای ما می‌تواند روشن کنند؟)

در يك طرف تخته سنگ (سمت چپ)، يك نفر جنگجو موهای سريك دشمن اسیر را گرفته و دارد او را با چماق تهدید می‌کند. بر سر او تاج بلندی قرار دارد که به بطری شبیه است. این تاج نشان می‌دهد که او پادشاه سرزمین جنوبی مصر است. در طرف راست پادشاه، خدایی به شکل شاهین قرار دارد. این شاهین با پای خود ریشمانی را نگه داشته است که کله‌ی يك اسیر به آن آویزان است (در مصر باستان، غالباً تعداد برده‌ها و اسیران را، مانند حیوانات، با شمردن سرهایشان معلوم می‌کردند). در زیر پای شاهین و در کنار کله‌ی اسیر ۶ ساقه‌ی گیاه نیز قرار دارد. هر ساقه‌ی گیاهی به معنی عدد هزار است. بدین ترتیب، معنی ۶ ساقه‌ی گیاه و يك کله‌ی فوق بر روی هم این است که پادشاه شش هزار نفر را اسیر کرده است. در قسمت پائین، تصویر دو دشمن در حال فرار دیده می‌شود. طرف دیگر تخته سنگ (سمت راست)،

بقیه در صفحه بعد

۱- تشکیل دولت یگانه در مصر

برده‌داران تلاش می‌کردند که برده‌ها، دام‌ها و سایر دارایی‌های همسایگان، خویش را به چنگ آورند. بدین جهت بین دولت‌هایی که در مصر تشکیل شده بود، پی‌درپی جنگ در می‌گرفت. پادشاه دولتی که در جنگ پیروز می‌شد زمین‌های دولت شکست خورده را جزو زمین‌های خودش می‌کرد. در نتیجه، رفته رفته دو پادشاهی بزرگ تشکیل گردید: یکی در دره‌ی نیل و دیگری در دلتای نیل.

درباره‌ی جنگ‌هایی که بین دو پادشاهی (شمالی و جنوبی) در گرفته تصویرهایی وجود دارد که این تصویرها در روی تخته سنگی نرم کنده شده.

های انگور هریک از کشاورزان صورت برداری می کردند .



تصویر ۲۶ . مأمور (منشی) مصری
(این مجسمه، کار خود مصریان
باستان است) .
او آماده است که دستور رئیس
خود را یادداشت کند . چشمان او به
رئیس دوخته شده و گوش هایش به هر-
کلمه ی رئیس با دقت گوش می دهد

تمام این کشاورزان می بایست مقداری از غله و سایر کالاهای خود
را به عنوان مالیات بپردازند (تصویر ۲۷) . در سراسر مصر انبارهای بزرگ
پادشاهی وجود داشت . این انبارها از کالاهایی که کشاورزان می آوردند
لبریز می شد .



۲۷ . جمع آوری مالیات در مصر باستان (این تصویر، کار خود مصریان
باستان است) .

مراقبان دارند کشاورزانی را که مالیات خود را نپرداخته اند، به طرف
مأموران (منشی ها) می برند . مأموران دارند می نویسند که کشاورزان چقدر
باید بپردازند .

در پایان هزاره ی چهارم قبل از میلاد، پادشاه سرزمین جنوبی، دلتای
نیل را فتح کرد . بدین ترتیب نزدیک ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد دولت
یگانه مصر به وجود آمد . سرزمین این دولت از آستانه ی رود نیل تا
دریای مدیترانه گسترش یافت . پایتخت این دولت شهر ممفیس بود .
پادشاه دولت مصر باستان، فرعون نامیده می شد .

۲- اداره ی دولت مصر

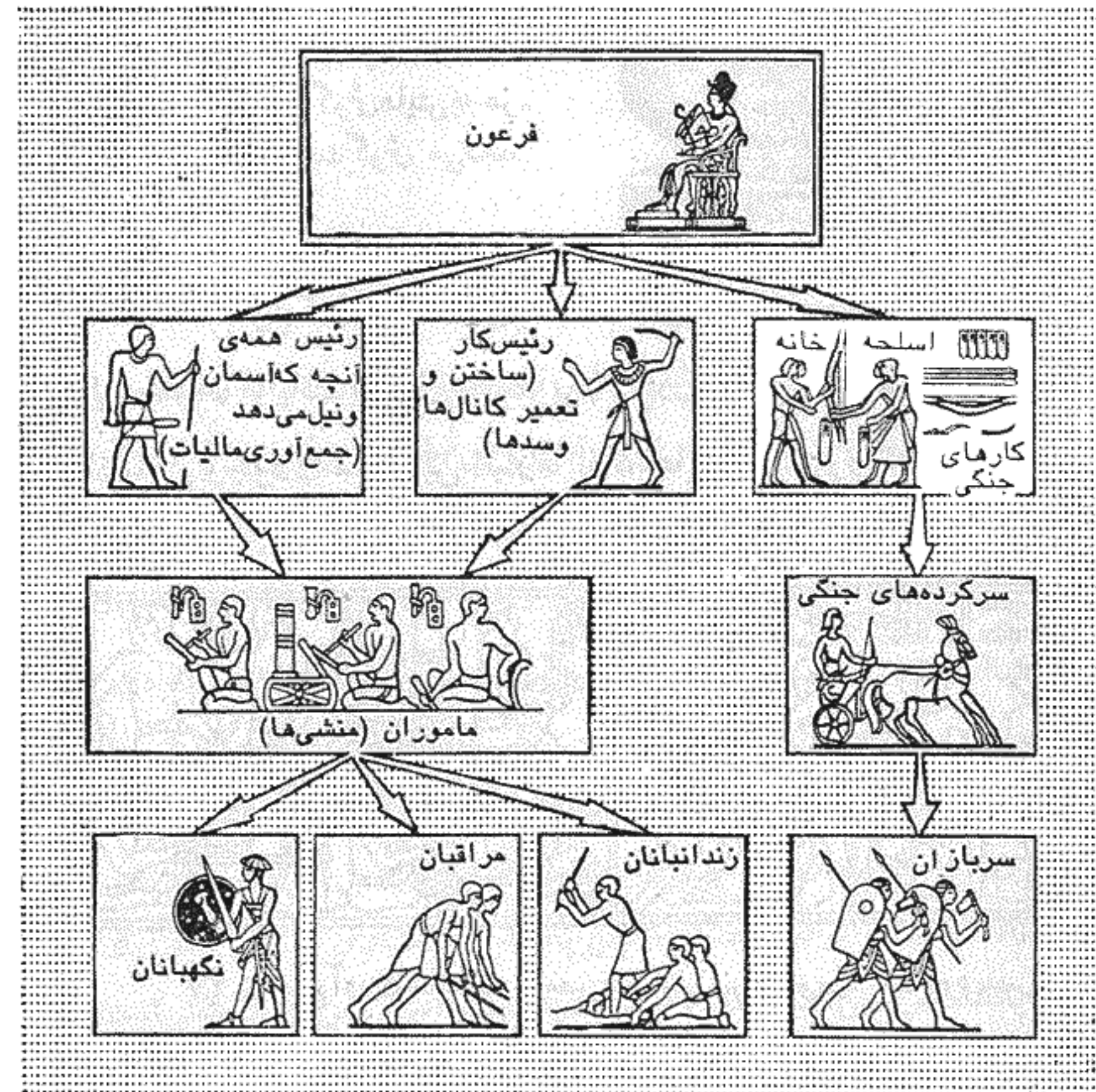
تمام سرزمین مصر به ایالت هایی تقسیم شده بود در هر ایالت، رئیسی
وجود داشت که به وسیله ی فرعون تعیین می شد . این رئیس مأموران،
نگهبانان و سربازان زیادی در اختیار داشت .

مأموران از مقدار زمین، تعداد دام ها، تعداد درختان میوه و تاک

→ دنباله ی داستان است . در قسمت زیر، پادشاه به صورت گاو نری است که دارد
قلعه ی دشمن را خراب می کند . در قسمت بالا، اسیرانی دراز کشیده اند که سر
ندارند و سرهای بریده ی آنها را میان دو پایشان گذاشته اند . در طرف چپ این
اسیران، سربازان دارند پرچم های پادشاهی جنوبی را حمل می کنند . در پشت
سر آنها ابتدا سرکرده ی جنگی و سپس پادشاه و خدمتکارش در حرکتند . او
تاج پادشاه سرزمین شمالی مصر را بر سر خود نهاده است . این بدان معنی است
که پادشاه، آنجا را فتح کرده .

(اندازه ی عکس پادشاه را با اندازه ی عکس خدمتکار نزدیکش و همچنین
سربازان ساده مقایسه کنید) . معنی تصویر قسمت وسط تخته سنگ هم هنوز
روشن نشده .

گذشته از پرداخت مالیات، کشاورزان می‌بایست در جاهایی که فرعون دستور می‌داد و نیز هر قدر که او دستور می‌داد کار می‌کردند. بیشتر وقت‌ها، آنها به ساختن و یا تعمیر کانال‌ها و سدها گماشته می‌شدند. هر ساله، مأموران و نگهبانان، برای این کار، عده‌ی زیادی کشاورز و همچنین برده جمع می‌کردند.



۳- آنها را از خودت بترسان

برده‌داران برای این که بردگان و کشاورزان را به اطاعت وادارند کوشش می‌کردند که آنها را با قتل و کشتار بیرحمانه بترسانند، پندی که یکی از فرعون‌ها به پسرش می‌دهد هنوز به جای مانده. او باخشم می‌نویسد: «تحریرکننده را نابود کن، او را بکش، نزدیکانش را از بین ببر و خاطره‌اش را از میان بردار». آن فرعون گوشزد کرده که خطرناک‌ترین دشمنان همین تهیدستان هستند. فرعون‌ها به هر یک از مأموران و سرکرده‌های جنگی خود می‌گفتند: «آنها را از خودت بترسان»

رئیس‌های ایالت‌ها و سایر مأموران، کسانی را که برخلاف

→ تابلو. در این تابلو نشان داده شده، که دولت در مصر باستان دارای چه سازمان و تشکیلاتی بوده. فرمانروایی کل در دست فرعون بود. اداره‌ی کلیه‌ی کارها به سه رشته تقسیم می‌شد: جمع‌آوری مالیات، آبیاری زمین‌ها و کارهای جنگی. در رأس هر یک از این سه رشته، یک عالی‌جناب قرار داشت که از طرف فرعون تعیین می‌شد. دو نفر عالی‌جنابی که جمع‌آوری مالیات و آبیاری زمین‌ها را اداره می‌کردند، هزاران مأمور (منشی) در اختیار داشتند. مأموران نیز به نوبه‌ی خود، تعداد زیادی نگهبان، مراقب و زندانیان در اختیار داشتند. «اسلحه‌خانه» نیز سرکرده‌های جنگی و سربازان را در اختیار داشت.

۱- تحریرکننده در اینجا یعنی کسی که مردم را به مبارزه با پادشاه دعوت می‌کند.

تصویر ۲۸. دولت مصر باستان

شرح در صفحه مقابل ←

اراده‌ی فرعون رفتار می کردند محاکمه می نمودند. محکوم شده‌ها را با چماق کتک می زدند، به زندان می انداختند و گوش و بینی شان را می بریدند. یکی از مأموران باغرو را از بیرحمی خودش تعریف می کند: «من مردم را دچار وحشت کردم. من اسیری را وادار کردم که تعظیم کند. من يك نفر شورشی را مجبور کردم که اشتباههای خودش را بفهمد.» یعنی اینکه، او شورشی را با شکنجه به اعتراف واداشته.

۴- جنگ‌های پادشاهی مصر

فرعون‌ها قشون‌های خود را برای غارت و فتح کردن کشورهای همسایه می فرستادند. سربازان، کشورهای بیگانه را ویران می کردند و برده‌ها و سایر دارایی‌ها را به تصرف در می آوردند. سپاه‌های فرعون‌ها شبه جزیره‌ی سینا و نوبیای شمالی را که در سواحل نیل و در جنوب مصر قرار داشت به تصرف در آوردند.

۵- «عالی جناب‌های خودت را بالا ببر،

فرعون‌ها درحالی که کشاورزان و بردگان را بیرحمانه کشتار

می کردند، به سرکردگان جنگی و سایر یاران خود زمین، برده و دام می بخشیدند. یکی از فرعون‌ها به عنوان پند به پسرش می نویسد: «نزدیکان درگاه خود را بالا ببر و سربازانت را مقام بده، به آنها زمین ببخش و دام هدیه کن». یکی از سرکرده‌های جنگی حکایت می کند که او پس از هريك از لشگرکشی‌ها، از فرعون به عنوان هدیه، زمین، طلا و برده گرفته و در نتیجه، به برده دار ثروتمندی تبدیل شده.

دولت نیرومند مصر که تعداد زیادی مأمور، سرباز و نگهبان در اختیار داشت، فرمانروایی برده‌داران را بر بردگان و کشاورزان محکم و استوار می ساخت. در واقع، این دولت، دولت برده‌داران و یا به عبارت دیگر دولت برده داری بود.

داستان یکی از فرماندهان جنگی در باره‌ی لشگرکشی سپاه

مصر

(پرسش: با توجه به داستان زیر، در مورد هدف جنگ‌هایی که فرعون‌ها به راه می انداختند چه نظری دارید؟)
سپاه پیروزمندان بازگشت،
درحالی که.

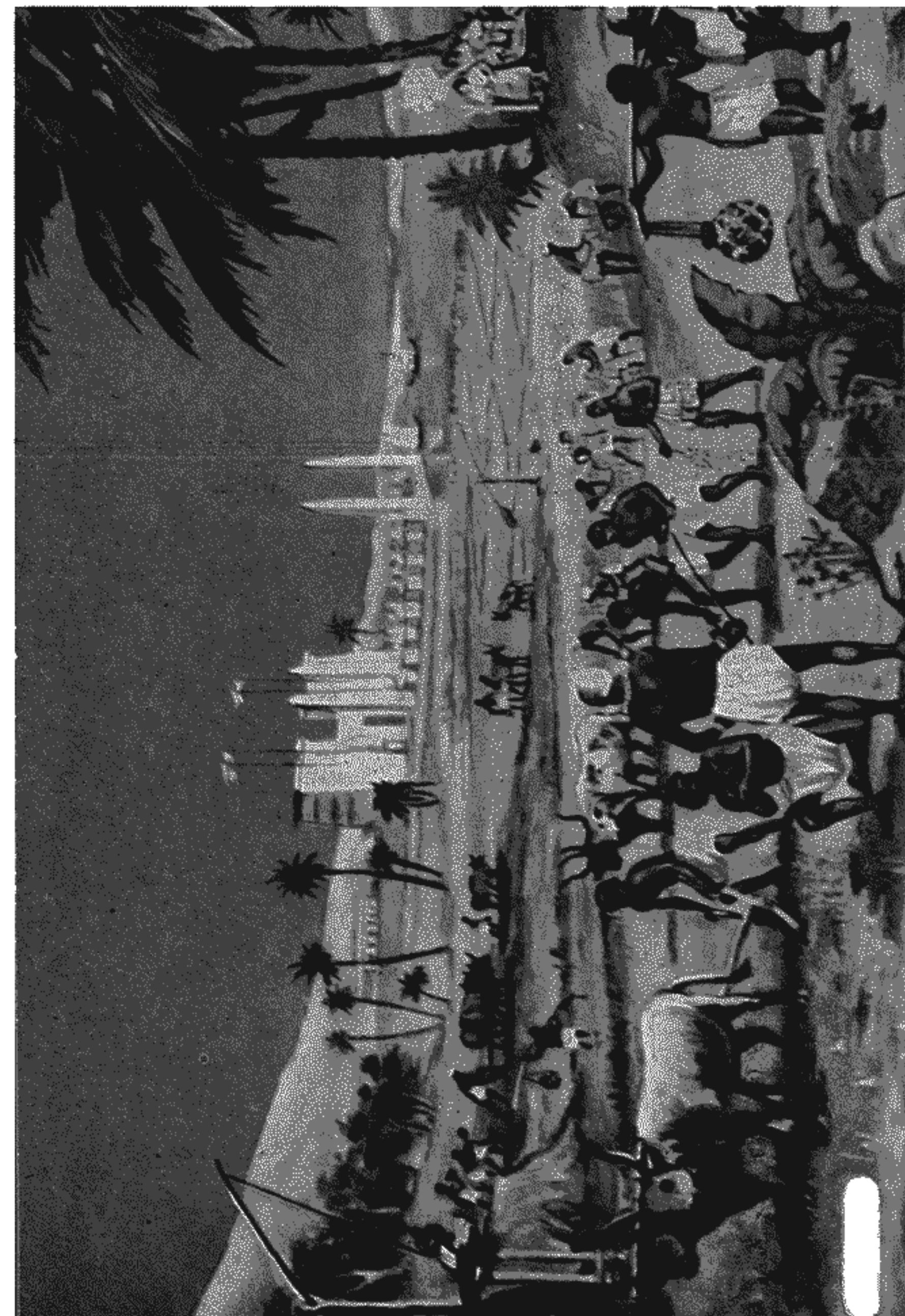
کشور همسایه را نابود کرده بود،
باغ‌ها و تاکستان‌ها را از بین برده بود،
در تمامی روستاهایش آتش افکنده بود،
ده‌ها هزار مردم آن کشور را کشتار کرده بود،
اسیران بسیاری از آن گرفته بود،

وپادشاه برای این کاری همتا
به من آفرین گفت.

پرسش و تمرین:

۱. با توجه به تصویر ۲۸، رشته‌های مهم اموراداری رادر دولت مصر نام ببرید.
۲. در مصر، دولت از منافع چه کسانی دفاع می‌کرد؟
۳. شما از بنده چه چیز تازه‌ی درباره وضع کشاورزان مصر باستان یاد گرفتید؟
۴. چرا فرعون‌ها به سپاه احتیاج داشتند؟
۵. تقریباً چند هزار سال پیش، در مصر، دولت یگانه تشکیل شد؟ این مدت چند قرن است؟ در صفحه‌ی ۵۵، در روی نمودار زمان، جای این وقایع را پیدا کنید.

www.adabestanekave.com



این تصویر دارای پرستشگاه (کاهن‌ها) را در مصر باستان نشان می‌دهد. در عکس، دره‌ی نیل در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد ترسیم شده. در قسمت عقب عکس، پرستشگاه با دو برج بزرگی و پرچم‌هایی که در بالای برج‌ها در حال تکان خوردند دیده می‌شود. این پرستشگاه به سوی رودخانه راهی وجود دارد که پر از ابول‌هول است کشتی‌ارهایی که در عکس ترسیم شده، به پرستشگاه تعلق دارد. در روی کشتی‌ار، برخی برده‌ها، درو می‌کنند و بقیه زمین را برای کشت چند پندشخم می‌زنند. در هر سال از زمین دو محصول برداشته می‌شود. از میان کشتی‌ار کانالی می‌گذرد. در طرف چپ، دستگاہی به نام دولاب دیده می‌شود که عبارت است از ستونی که پایه‌اش در زمین فرو رفته و بر روی آن تیری متحرک قرار شده. در یک طرف این تیر گلوله‌ای گلی قرار دارد و در طرف دیگر آن سطلی چرمی. به کمک این دستگاه کشتی‌ار را آبیاری می‌کنند. دولابی هم در طرف راست دیده می‌شود که برای بالا بردن آب از کانالی است که در سطح پائین تری قرار دارد. در وسط عکس یکی از مراقبان دارد برده‌ای را که در طرف راست کاهنی ایستاده و دارد بر برده‌ها نظارت می‌کند. او لباس‌های فشنگی و گی‌ان قیمتی به تن دارد.

بند ۱۰

عقاید مذهبی مصریان باستان

به یاد بیاورید که مذهب (بند ۴، ماده‌ی ۳) چیست و اعتقاد به «روح» (بند ۴ ماده‌ی ۲) چگونه به وجود آمده.

۱- پرستش حیوانات و خورشید

اوضاع طبیعی مصر و زندگانی مصریان در مذهب آنها منعکس شده بود، اما به صورتی تغییر یافته و زشت شده.

در آن زمانی که مصریان به شکار می‌پرداختند و به صورت نظام جماعتی نخستین زندگی می‌کردند، خدایان خود را هم به صورت جانوران و پرندگان می‌پنداشتند. آنها خدایان بدکار را به صورت درندگان خطرناک

انسان می ساختند، منتها، بیشتر باسرهای حیوانات و پرندگان.

با پیشرفت کشاورزی در بین مصریان، آنها به پرستش خورشید پرداختند، زیرا خورشید سرچشمه‌ی گرما بود و گرما برای رشد و نمورستنی ها لازم بود. خدای آفتاب، «را» (Ra) نامیده می شد. آنها چون نمی توانستند علت طلوع و غروب آفتاب را بفهمند، خیال می کردند که «را» هر روز با قایقی طلایی از آسمان می گذرد و شب ها نیز به بیابان می رود. پیدایش نابرابری در میان مصریان و به وجود آمدن دولت در مصر نیز در مذهب آنها منعکس گردید. مصریان «را» را خدای اصلی می دانستند و می پنداشتند همچنان که فرعون مصر را اداره می کند، او نیز خدایان دیگر را رهبری می نماید. آنها او را «پادشاه خدایان» به حساب می آوردند.



www.adabestanekave.com

تصویر ۲۹ - تصویرهایی که مصریان باستان از خدایان خود کشیده اند.

طغیان نیل نیز در مذهب مصریان منعکس شد. آنها از سرچشمه و قسمت بالای رودخانه خبر نداشتند و نمی دانستند که علت واقعی طغیان چیست. آنها خیال می کردند که خدای نیل در غاری نشسته و با کوزه آب می ریزد. زندگی آنها نیز به مقدار آبی بستگی دارد که او از کوزه می ریزد. اگر مقدار آب رودخانه کم شود، کشتزارها بدون آب می مانند و به بیابان تبدیل می گردند، در نتیجه، در مصر، گرسنگی آغاز می گردد. مصریان به نیل نیز کمتر از خورشید احترام نمی گذاشتند. آنها التماس می کردند که نیل به کشتزارشان بیاید؛ هنگامی که طغیان آغاز می شد مردم مصر جشن می گرفتند و نیل را سپاس می گفتند و ستایش می کردند زیرا که نیل به التماس آنها گوش کرده و زندگی شان را نجات داده بود. (ترانه ای که برای ستایش نیل گفته اند پیوست بند ۱۰ این کتاب است.)

۳- داستان هایی درباره ی خدای زنده شده.

از باختر به خاور دره ی نیل بیابان وسیعی گسترده شده بود. در

علاقه‌مند می‌شد. آنگاه آن شخص می‌توانست در پادشاهی آشور زندگی کند. در آنجا آب فراوان بود و گندم‌ها به بلندی قامت انسان بودند. آشور گناهکاران را به سختی مجازات می‌کرد: غول وحشتناکی گناهکاران را با ولع می‌خورد.



تصویر ۳۰. تصویری که مصریان باستان از دادگاه آشور کشیده‌اند.

آشور بر تخت پادشاهی نشسته است. او تاج فرعون را بر سر دارد و در دستانش، يك عصای پادشاهی و يك شلاق است که علامت قدرت پادشاهی است. خدایان دیگری که کله‌هایشان به شکل کله‌های پرندگان و حیوانات است، دارند قلب يك شخص مرده را با ترازو وزن می‌کنند. در نزد يك ترازو يك حیوان عجیب، یعنی شیری که کله‌ی نهنگ دارد، ایستاده است.

www.adabestanekave.com

تابستان‌ها، پیش از طغیان، پنجاه روز پی‌درپی، از بیابان باد گرم می‌وزید، بادی خشك و سوزان. این باد، شن سوزان و داغ شده به همراه می‌آورد. مردم و حیوانات از هوای خفه رنج می‌بردند و از گرد و خاک کور می‌شدند. رستنی‌ها پژمرده می‌گردیدند و از زور شن، سبزی به چشم نمی‌خورد. مثل این بود که طبیعت دارد می‌میرد. اما پس از آن، باد سوزان تمام می‌شد و نسیم تازه، از سوی دریا، شروع به وزیدن می‌کرد. تمام طبیعت دوباره زنده می‌شد، گویی که جان تازه می‌گرفت.

از اینجا، داستان مردن خدای طبیعت و دوباره زنده شدن او به وجود آمد: طبق این داستان، خدای بدکار باد سوزان که نام او «ست» (Set) بود با ۵۰ نفر نوکرانش از بیابان می‌آمد. او خدای «آشور» را که به رویدن کشتزارها کمک می‌کرد می‌کشت. با این وجود با جان‌گرفتن دوباره طبیعت، «آشور» نیز دوباره زنده می‌شد.

۴- داستانی درباره‌ی داورى خدای آشور.

بنابه اعتقادات مصریان، خدای زنده شده‌ی آشور پادشاه و داور دنیای مردگان می‌شد. او مردگان را محاکمه می‌نمود. اگر شخصی در زمان زنده بودنش برخلاف اراده‌ی خدایان رفتار نمی‌کرد، آشور به او

که در روی تخته کنده بود . معمولا به جای مومیایی کردن جسد، این تصویرها را در کنار آن می گذاشتند. از این گذشته، در کنار مرده، ظرفی پر از غذا نیز می گذاشتند .

بردگان حتی گور جداگانه هم نداشتند و معمولا جسد تعدادی از بردگان را در گودالی مشترك می ریختند.
گورهایی که به وسیله ی باستان شناسان کشف شده نشان می دهد که پس از برقرار شدن نظام برده داری در مصر، اختلاف وضع زندگی مردم با یکدیگر چقدر زیاد بوده.

*

مصریان باستان عقیده داشتند که اگر جسد مرده را نگهداری کنند روح مرده به آن جسد باز می گردد. بدین جهت برای اینکه از پاشیدگی جسد جلوگیری کنند، استادکاران ماهر مغز و اندرون مرده را بیرون می آوردند، سپس جسد خالی شده ی او را در محلول نمک می خیساندند و در پارچه های سفید مومیایی شده می پیچیدند. در آب و هوای گرم و خشک مصر چنین جسدی خشک می شد و پاشیده نمی گردید. این جسد های خشک شده ، مومیایی نامیده می شوند. مومیایی کردن جسد خیلی گران تمام می شد و بدین جهت، این کار فقط برای برده داران ثروتمند ممکن بود.

برای دفن برده داران، آرامگاههایی از سنگ می ساختند که گاهی چندین اتاق داشت. بر روی دیوارهای آرامگاهها ، تصویر کشتزارهایی را که گندم های بلند و انبوه داشت و کارگاههایی را که صنعتگران در آن مشغول کار بودند می کشیدند. در آرامگاهها مجسمه هایی چوبی و گلی نیز از، آشپز، آبخوساز ، باربر و مراقب می گذاشتند تا کارهای لازم را برای مرده انجام دهند. مصریان می پنداشتند که تصویرهای روی دیوار به کشتزارها و کارگاههای واقعی تبدیل می شود و مجسمه ها نیز همه زنده می گردند و مانند برده ها برای مرده کار می کنند. ثروتمندان می خواستند که پس از مرگ هم برده دار باقی بمانند.

در گور کشاورزان، همراه با جسد، تصویری از انسان می گذاشتند

از شادی هلهله خواهند کرد.
تو آورنده‌ی نان و غذاهای فراوان هستی،
تو آفریننده‌ی همه‌ی زیبایی‌هایی.
جوانان و کودکان تو،
برایت هلهله سر می‌دهند
و تو را مانند پادشاهان،
تعظیم می‌کنند.

پیوست بند ۱۰

پرسش و تمرین:

۱. اگر ما فقط اعتقادات مصریان باستان را بدانیم، خواهیم توانست چیزهای بسیاری درباره‌ی زندگی آنها بگوئیم. در اعتقادات مصریان، راجع به اوضاع طبیعی مصر، چه گفته شده؟ چگونه از مذهب مصریان می‌توان فهمید که پیشه‌ی اصلی آنها چه بوده؟ در مذهب مصریان باستان، چه چیزی هست که تبدیل نظام جماعتی نخستین را به نظام برده داری نشان بدهد؟
۲. چرا در مصر اعتقاد به خدای از نو زنده شده به وجود آمد؟
۳. چرا مصریان جسد‌ها را مومیایی می‌کردند؟

بخشی از ترانه‌ای که درستایش نیل سروده شده

(پرسش‌هایی در تجزیه و تحلیل ترانه: درباره‌ی اهمیت نیل برای مصریان، در ترانه‌ی زیر، چه گفته شده؟ از کجای ترانه می‌توان فهمید که مصریان نیل را موجودی زنده می‌پنداشتند؟)

ای نیل! درود بر تو،
که می‌آبی تا مصر را زنده کنی.
اگر دیربایی، زندگی پایان می‌یابد،
و اگر خشمگین شوی.

بر تمامی کشور
بلا نازل می‌گردد.

و تو انگرو ناتوان

فقیر می‌شوند.

اما اگر طغیان کنی،

زمین و تمامی جاندارانش

مذهب و هنر در خدمت برده داران

به یاد بیاورید که بت چیست و چرا مردم باستان در برابر خدایان قربانی می کردند (بند ۴، ماده ی ۴).

۱- کاهن ها، ثروتمندترین برده داران مصر

قبل از اینکه در مصر دولت به وجود بیاید، مصریان برای خدایان خیالی خود، خانه می ساختند. این خانه ها، ساختمان های کوچکی بودند که از گل و نی ساخته می شدند. بت ها را در این خانه ها می گذاشتند. این «خانه های خدایان»، پرستشگاه نامیده می شوند. پس از برقرار شدن نظام

برده داری در مصر، برده داران ساختمان پرستشگاهها را از سنک ساختند. در هر پرستشگاه چند نفر «خدمتکار خدایان» وجود داشت. این خدمتکاران را کاهن می گفتند. فقط کاهن ها حق داشتند و ارد جایگاه بت ها شوند. آنها «به خدایان غذای دادند»، یعنی خوردنی جلوت ها می گذاشتند و چراغ پرستشگاه را روشن می کردند. مصریان اعتقاد داشتند که کاهن ها با خدایان گفتگو می کنند و بدین جهت می توانند دستورات خدایان را به اطلاع مردم برسانند و همچنین تقاضای مردم را به آنها بگویند.

مصریان برای اینکه شایسته ی لطف، خدایان گردند، در برابر آنها قربانی می کردند. کشاورزان کیسه های غله و طاقه های کرباس به پرستشگاه می آوردند. برده داران دام قربانی می کردند و طلا و نقره به خدایان هدیه می دادند فرعون ها زمین، برده و بخشی از غنایم جنگی را به پرستشگاه می بخشیدند. همه ی این بخشوده ها و قربانی ها به دست کاهن ها می افتاد. در نتیجه، کاهن ها به برده داران بسیار ثروتمند تبدیل شدند. (دارایی های یکی از پرستشگاه های هزاره ی دوم قبل از میلاد در تصویر رنگی شماره ی ۵ نشان داده شده.)

۲- خدا کردن فرعون ها.

کاهن ها کوشش می کردند پایه های حکومت فرعون را که پشتیبان

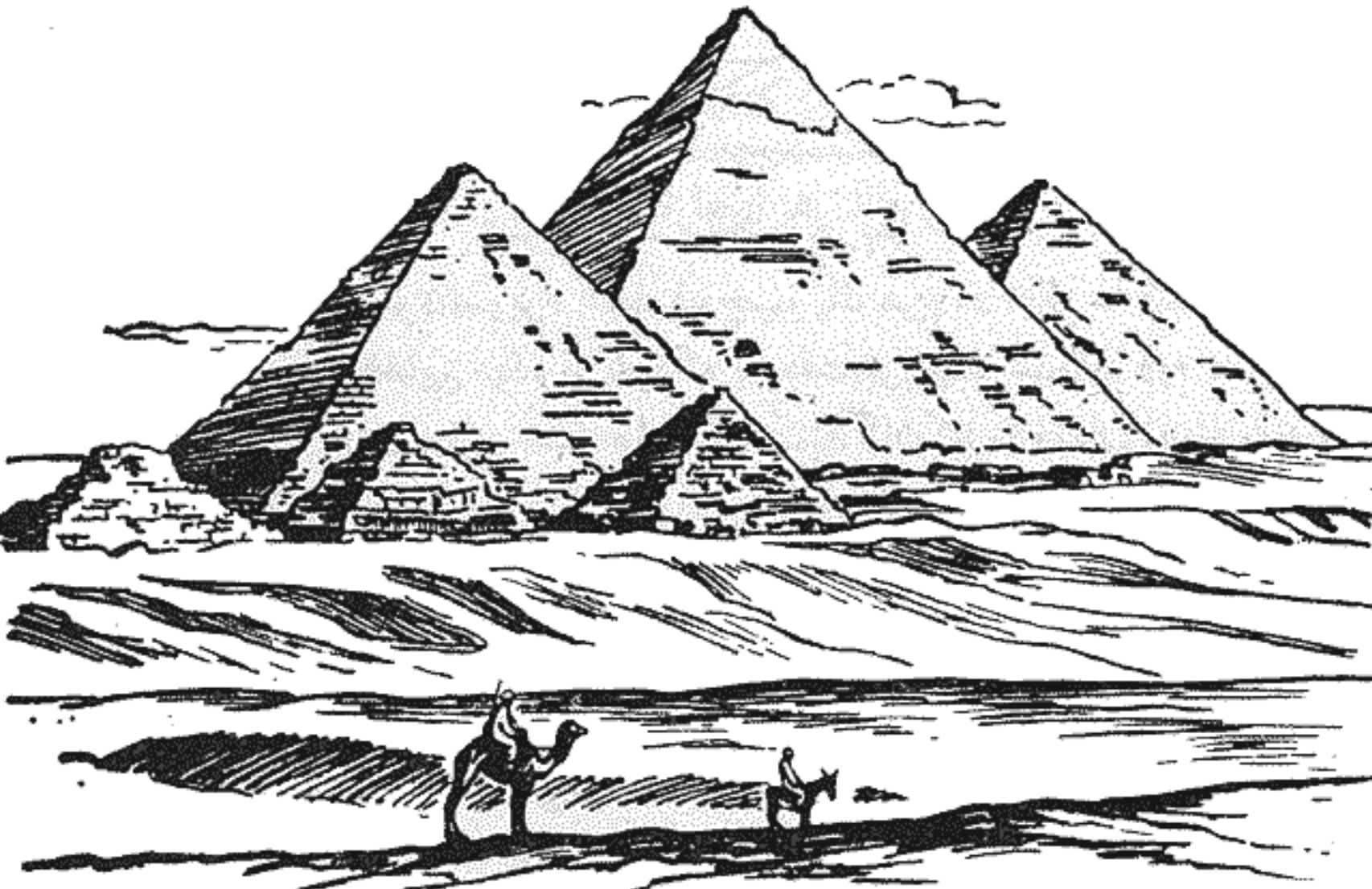
کسی اجازه می‌داد که صندلش (کفشش) را ببوسد، در واقع، آن شخص به افتخار بزرگی رسیده بود.

حتی آرامگاههای فرعون‌ها نیز به مصریان می‌قبولاند که در این آرامگاه‌ها مردمان ساده دفن نشده‌اند، بلکه خدایان دفن شده‌اند.

۳- هرم‌های مصر

در ساحل چپ رود نیل و در کرانه‌ی دشت، آرامگاههای فرعون‌ها (اهرام) مانند سه تپه‌ی عظیم سربه سوی آسمان کشیده‌اند.

اهرام از تخته سنگ‌های تراشیده، ساخته شده‌اند. در داخل هر یک از هرم‌ها اتاقی کوچک ساخته شده. درون هراتاق تابوت و جسد مومیایی شده‌ی فرعون را گذاشته بوده‌اند.



تصویر ۳۲- در کرانه‌ی بیابان، هرم‌ها مانند سه تپه‌ی سنگی عظیم سر بر-
افراشته‌اند. (منظره‌ی فعلی هرم‌ها).

اصلی برده‌داران مصر بود محکم و استوار سازند. آنها برای این کار از ترسی که مردم از خدا داشتند استفاده می‌کردند. کاهن‌ها می‌گفتند که فرعون «خدای مهربان» است و هر یک از دستورهای او باید بدون چون و چرا اجرا گردد و هر کس که این کار را انجام ندهد از خواست خدایان سرپیچی کرده. کاهن‌ها به مردم یاد می‌دادند که «خدایان اطاعت کنندگان را دوست دارند. و از نافرمانان بدشان می‌آید» و نافرمانان بیرحمانه مجازات خواهند شد. (به یاد بیاورید که بنا بر اعتقادات مصریان، آشور چگونه کسانی را که از خواست خدا سرپیچی کرده بودند مجازات می‌کرد.)

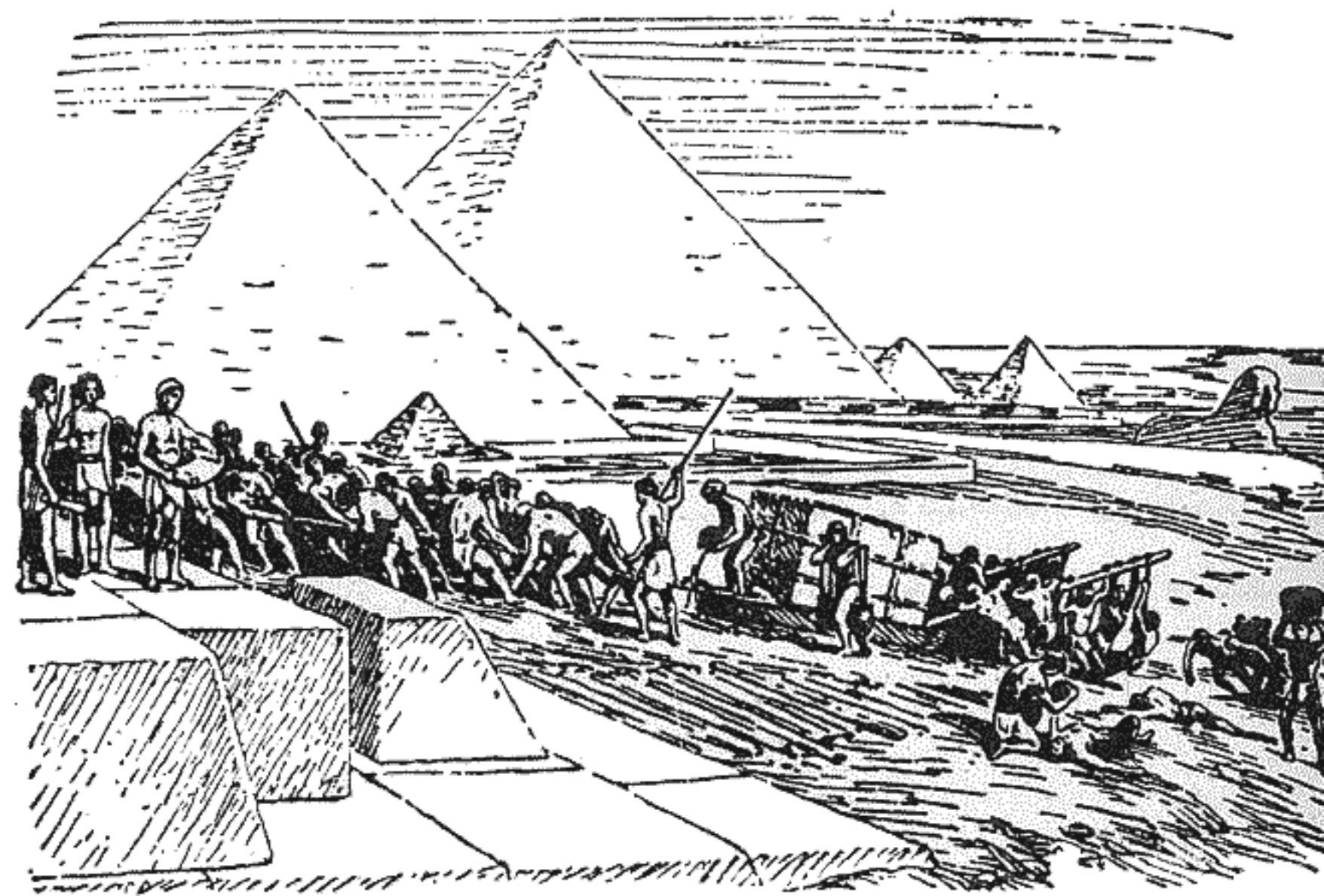


تصویر ۳۱- فرعون (این مجسمه،
کار خود مصریان باستان است).

نه تنها مصریان ساده، بلکه بزرگان و درباریان مصر نیز در برابر فرعون به خاک می‌افتادند و جای پای او را می‌بوسیدند. اگر فرعون به

بزرگترین هرم‌ها نزدیک ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد برای یکی از

فرعون‌ها به نام خثوپس ساخته شده. بلندی این هرم نزدیک ۱۵۰ متر است. (حساب کنید که این هرم به اندازه‌ی ساختمان‌های چند طبقه است.) برای دورزدن هرم باید نزدیک يك كيلومتر راه رفت.



تصویر ۳۳- ساختن هرم‌ها

در قسمت جلوی تصویر، در طرف چپ، يك هرم در حال ساختمان دیده می‌شود: قطعه سنگ‌هایی دیده می‌شود که به دقت تراشیده شده‌اند و به یکدیگر وصل شده‌اند. در روی این سنگ‌ها، اداره‌کنندگان کار ساختمان ایستاده‌اند و در دست‌های آن‌ها نقشه‌ی هرم قرار دارد. کشاورزان و بردگان قطعه سنگ‌ها را با کمک غلتک در روی فرش چوبین به طرف ساختمان می‌کشند. برای اینکه غلتک‌ها، در نتیجه‌ی مالش، آتش نگیرند، با کوزه‌های گلی، آب می‌آورند و در زیر آنها می‌ریزند. در عقب تصویر، هرم‌های پادشاهان دیگر قرار دارد که بزرگترین آن‌ها هرم خثوپس است در کنار آن‌ها، هرم‌های کوچک زنان پادشاهان و عالی جنابان قرار دارد. در عقب تصویر، طرف راست، ابوالهول (هراس‌انکیز) بزرگی قرار دارد. (شان بدهید، که برای ساختن هرم‌ها، چه کارهای دیگری نیز لازم بوده، که در تصویر بالا نشان داده نشده.)

هرودوت تاریخ‌نویس باستانی یونان چگونگی ساختمان این

هرم را شرح می‌دهد: همین که خثوپس شروع به پادشاهی کرد، دستور داد که برای او آرامگاهی به شکل هرم بسازند. مأموران و نگهبانان او، کشاورزان و بردگان را از سراسر مصر برای کار کردن در روی این بنا جمع می‌کردند. در حدود ۱۰۰ هزار نفر انسان به طور همزمان در این بنا کار کرده‌اند. برخی از آنها از کوههایی که در ساحل راست رودخانه‌ی نیل قرار داشت، تخته سنگ جدامی کردند. هريك از این تخته سنگ‌ها ۲/۵ تن وزن داشت. برخی دیگر تخته سنگ‌ها را با قایق از رودخانه می‌گذرانند و سپس با کمک غلتک در روی زمین می‌کشیدند. بقیه نیز تخته سنگ‌ها را می‌تراشیدند و کار می‌گذاشتند. مراقبان هم کارکنندگان را به ضرب شلاق و چماق به کار وامی‌داشتند.

ساختن راه از معدن سنگ تاهرم و همچنین ساختن خود هرم ۳۰ سال طول کشید. هر چند که کارکنندگان در روی این بنا هر سه ماه یکبار عوض می‌شدند، با این حال هزارها نفر در اثر کار توانفرسا و کتک مردند.

۴- چگونه برده‌داران از هنر استفاده می‌کردند.

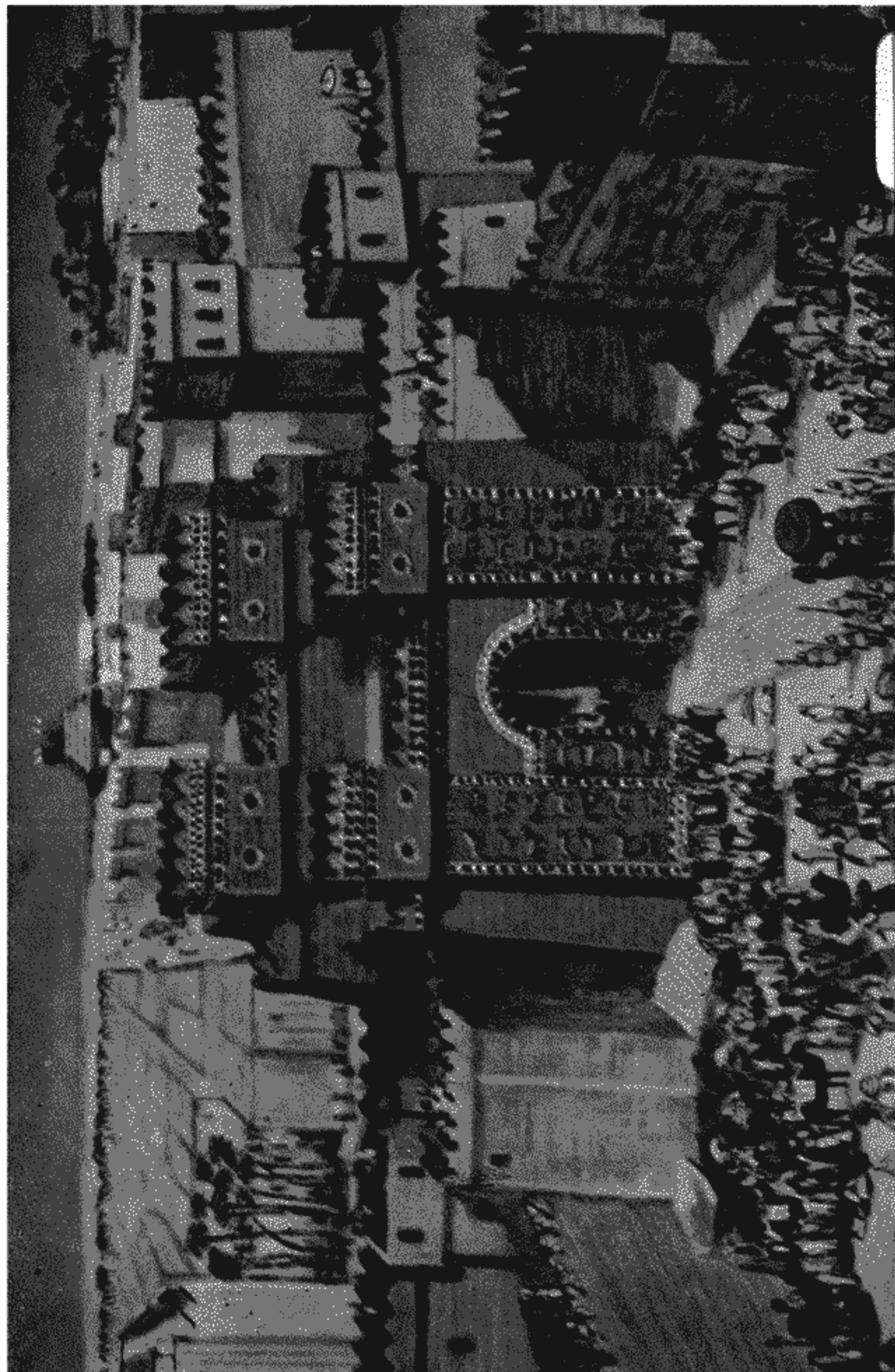
در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد ساختمان اهرام در مصر به پایان رسید.

برای دفن فرعون‌ها، در درون صخره‌ها، آرامگاهی کردند. از طرف دیگر، در همین موقع، دو پرستشگاه بسیار بزرگ که باشکوه بسیار آراسته شده بود ساخته شد.

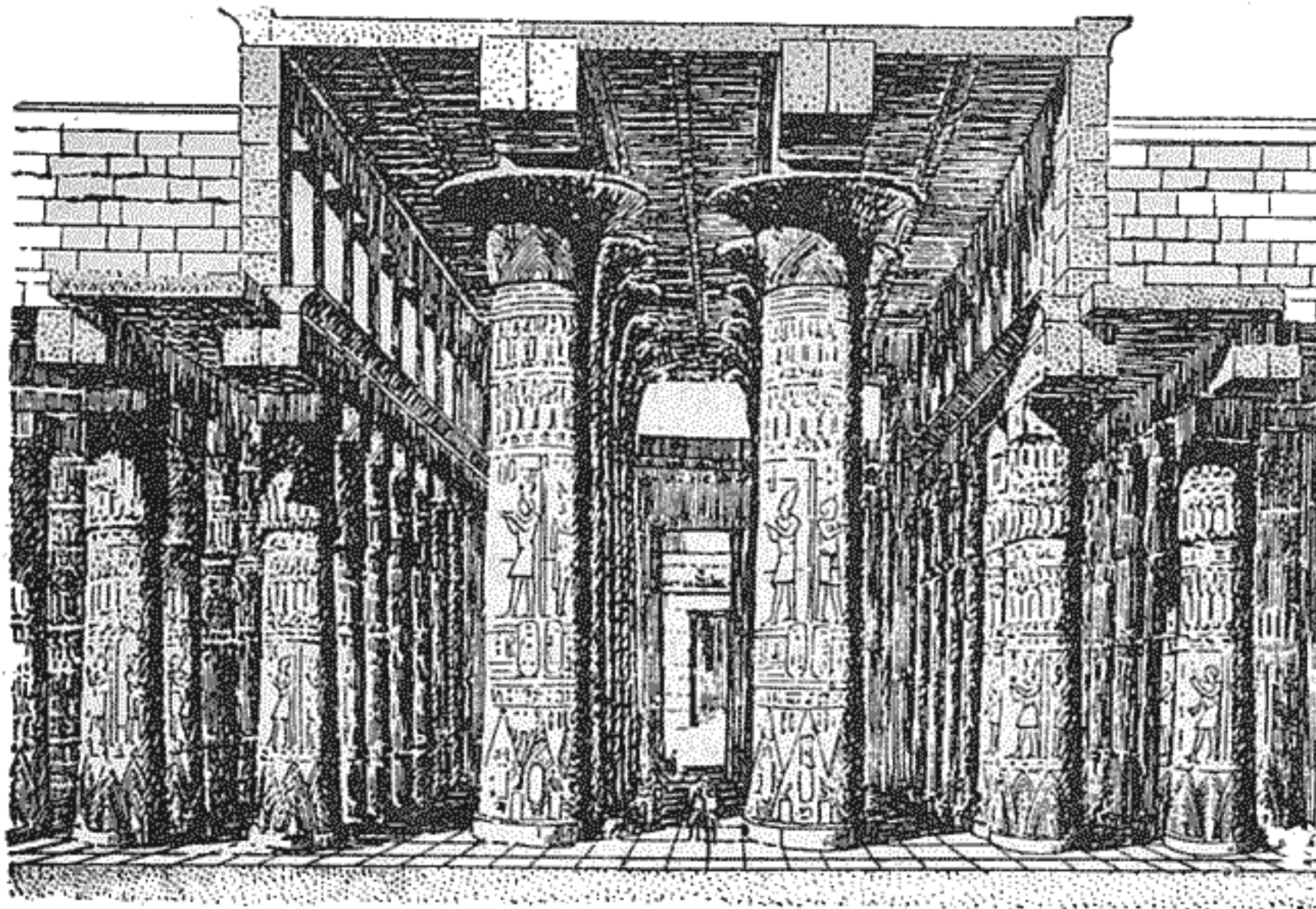
در جلو پرستشگاه دو برج بلند برافراشتند (به تصویر رنگی شماری نگاه کنید). در باریکی که بین این دو برج قرار داشت به حیاط پرستشگاه بازمی‌شد. در انتهای حیاط سالن بزرگی با ستون‌های بلند قرار داشت (تصویر ۳۴). برج‌ها، دیوارها و ستون‌های پرستشگاه از تصاویرهای خدایان و فرعون‌ها پوشیده شده بود. ضمناً، فرعون‌ها را خیلی درشت ترسیم کرده بودند، در صورتی که مردم ساده‌ای را که پیش فرعون‌ها ایستاده بودند به طور کلی کوچک کشیده بودند.

انسان در پیش تصاویرهای عظیم خدایان که سرشان مانند سر جانوران بود و همچنین در پیش تصاویرهای فرعون‌هایی که در حال شکست دادن دشمن بودند، خودش را کوچک و ناچیز حس می‌کرد. همه‌ی چیزهایی که در پرستشگاه بود، اعتقاد به خدایان و فرعون‌ها و نیز ترس از آنها را در انسان به وجود می‌آورد.

www.adabestanekave.com



شهر بابل در قرن چهارم قبل از میلاد . در وسط تصویر ، دروازه‌های بزرگ شهر قرار دارد، که از کاشی‌های آبی و نارنجی ساخته شده است. (کاشی صفحه‌ای سفالی است که روی آن برافراشته است) در طرف راست و طرف چپ و دروازه‌ها، دیوارهای قلعه قرار دارد . در جلو دروازه‌ها ، بازار است يك نفر عالی جناب دارد با کالسکه به شهر نزدیک می شود در داخل شهر ، در طرف راست دروازه‌ها ، «باغهای آوینان» معروف قرار دارد که به دستور پادشاه ساخته شده بودند . برای این باغها ، ساختمانهای بلکانوانی از آجر ساخته بودند . در روی بلدهای ساختمان ، خاک می پاشیده اند و در آن درخت و بوته می نشاندند . ساختمان شبیه تپه ای بود که از باغهای سبز پوشیده شده بود . برده ها ، از پایین ساختمان برای آب دادن باغها ، آب بالا میکشیدند . در عمق تصویر ، قسمت بالای يك برج هفت طبقه ، از دور نمایان است . از این برج ، کاهنان ، ستاره ها را نگاه می کردند ، در طرف چپ شهر ، خانه هایی قرار دارد که صنعتگران در آنها زندگی می کرده اند .



تصویر ۳۴- نمای داخلی پرستشگاه مصر (بازسازی شده)^۱

مجسمه سازها ، در کنار رود نیل و در روی صخره های شیب دار ساحلی مجسمه های عظیمی از فرعون نشسته تراشیدند. ارتفاع مجسمه ها ۲۰ متر است . تمام کسانی که از فاصله ی دو رد روی نیل حرکت می کنند می توانند این مجسمه ها را ببینند (به تصویری که در آغاز کتاب قرار دارد نگاه کنید. اندازه ی مجسمه را با قد آدم هایی که در کنار آنها ایستاده اند مقایسه کنید).

۱- بازسازی آثار باستانی یعنی اینکه، نمای خارجی ساختمان، مجسمه و سایر آثار باستانی را از روی بقایای آنها و همچنین از روی شرح و توصیف هایی که درباره شان هست تعمیر کنند .

ستون های سنگی نیرومندی سقف پرستشگاه را نگهداشته است . بلندی هر يك از ستون های مرکزی ۲۴ متر است و روی قسمت بالای هر کدام از آنها در حدود صد نفر آدم جامی گیرد. این پرستشگاه از طریق پنجره هایی که در زیر سقف است روشن می شود. روی ستون ها و دیوارها نیز تصویرهایی کنده شده.

گاهی اوقات، مجسمه سازان برای این که قدرت فرعون را نشان بدهند او را به صورت ابوالهول (هراس انگیز) یعنی شیرخوابیده‌ای که کله‌ی انسان داشت ترسیم می‌کردند. در کنار اهرام، ابوالهول بسیار بزرگی، با صورت فرعون، (تصویر ۳۳) از سنگی عظیم و یکپارچه تراشیده شده.

مذهب در مصر باستان فرمانروایی ستمگران را بر ستمکشان استوار می‌ساخت. ترس از خشم خدایانی که خود مردم آن‌ها را ساخته بودند از مبارزه‌ی تهیدستان و بردگان با برده داران جلومی‌گرفت.

پرسش و تمرین:

وضع زحمت‌کشان در مصر باستان و مبارزه‌ی آن‌ها با ستمگران

بیاد آورید که کشاورزان مصر چه دوظیفه‌هایی را انجام می‌دادند (بند ۹، ماده‌ی ۲) و صنعتگر به چه کسی می‌گفتند (بند ۷، ماده‌ی ۴).
با وجود کشتارهای بیرحمانه‌ای که فرعون‌ها از نافرمانان می‌کردند و با وجود وحشتی که مصریان از خشم خدایان داشتند، زحمتکشان مصر سرسختانه با ستمگران مبارزه می‌کردند. همواره شرایط سخت و توان فرسای زندگی، خشم آن‌ها را علیه برده داران برمی‌انگیخت.

۱- کشاورزان چگونه زندگی می‌کردند.

۱. از بند ۱۱ چه چیز تازه‌ای درباره‌ی برده داران یاد گرفتید؟
۲. در مصر باستان، اعتقاد به خدایان برای چه کسی فایده داشت؟ چرا؟
۳. برده داران چگونه از هنر به نفع خود استفاده می‌کردند؟
۴. در روی نموداری که پیوست بند ۱۴ این کتاب است جایی را که نشان دهنده‌ی تاریخ ساختمان هرم خئوپس است پیدا کنید. این هرم چند قرن پیش از میلاد ساخته شده؟ آن زمان چند قرن پیش بوده. تقریباً چند قرن از تشکیل دولت یگانه در مصر گذشته بود که هرم خئوپس ساخته شد؟

با خبر بوده‌اند، در آثار خود در این باره مطالبی نوشته‌اند:

کشاورز از صبح تا آخر شب کار می‌کرد. او سخت خسته می‌شد و همین که به خانه می‌رفت، هنوز کمی نیاز سوده بود، دوباره او را برای کار بیرون می‌کشیدند.

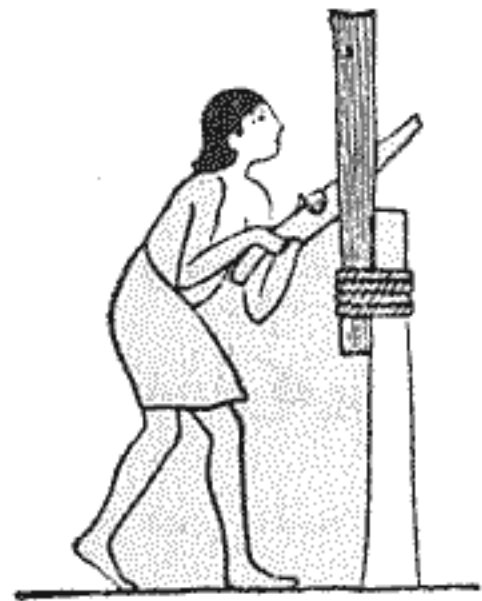
وحشتناک‌ترین زمان برای کشاورزان، پس از برداشت محصول بود، به ویژه اگر محصول بدمی شد و کشاورزان نمی‌توانستند مالیات تعیین شده را بپردازند. آنوقت «وای به حال کشاورزان! مأمور سر تکه زمین آنها می‌آمد، مقدار محصول را حساب می‌کند. چند نفر نگهبان نیز همراه او هستند. آنها نیزه و ترکه‌های خرما با خود دارند. می‌گویند: «غله بده». غله نیست و در نتیجه کشاورز کتک می‌خورد، بعد او وزن و بچه‌اش را طناب پیچ می‌کنند». «کشاورز می‌باید ساکت باشد، درست مانند کسی که در زیر چنگال شیر است».

۲- صنعتگران چگونه زندگی می‌کردند.

زندگی صنعتگران مصر باستان نیز بهتر از زندگی کشاورزان آن نبود. در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، در مصر، صنعتگران زیادی وجود داشت.

در شهرهای مصر، محله‌های کاملی برای کلبه‌های مسگران، کوزه‌

گران، بافندگان و سایر صنعتگران ساخته بودند. آنها، در کلبه‌های خود، هم کار می‌کردند و هم دست آورده‌های خود را می‌فروختند. سایر صنعتگران در کارگاه‌هایی کار می‌کردند که به فرعون، کاهن و درباریان تعلق داشت. آنها در زیر نظارت مراقبان، برای برده‌داران، از سنک‌های زیبا ظرف و از چوب سیاه و دندان فیل اسباب خانه درست می‌کردند. آنها همچنین برای اربابان خود زینت آلات طلا و سایر چیزهای زیبا و گران قیمت می‌ساختند.



تصویر ۳۵- صنعتگران (این تصویرها، کار خود مصریان باستان است).

برخی از مصریان آن زمان، وضع زندگی صنعتگران را نیز شرح داده‌اند:

«نجم‌ار بیشتر از کشاورزان خسته می‌شود، او بیشتر از آنچه که

دست‌هایش می‌توانند انجام بدهند کار می‌کند. او حتی شب‌ها در زیر نور چراغ هم کار می‌کند.

بافنده يك روز تمام در کنار دستگاه می‌نشیند، به خود می‌پیچد و گرد و غبار کتان را به درون سینه فرو می‌کشد. او مجبور می‌شود نان خود را به مراقب بدهد تا بلکه بتواند بیرون بیاید و در هوای آزاد کمی نفس بکشد. بنایانی که روی ساختمان‌های هرما و کاخ‌های باشکوه کار می‌کنند، حتی نان هم گیرشان نمی‌آید و لباسشان نیز به شکل رقت‌آوری کهنه و پاره‌پاره است.

وضع کفش دوز که به طور کلی بد است. او همیشه فقیر است، چیزی ندارد که بخورد و از گرسنگی چرم می‌جود.»

۳- بردگی به جای قرض

زندگی کشاورزان و صنعتگران بی‌اندازه سخت بود، با وجود این تیره‌روزی سخت‌تری نیز آنها را تهدید می‌کرد - برده شدن. در ابتدا، فقط کسانی برده بودند که در جنگ اسیر می‌شدند. اما سپس تهی‌دستان مصر هم کم‌کم به برده تبدیل شدند.

احتیاج تهی‌دستان را مجبور می‌کرد که از ثروتمندان غله قرض کنند: اغلب برای خانواده‌های کشاورزان و صنعتگران پیش می‌آمد که

چیزی برای خوردن نداشتند. حتی گاهی هم اتفاق می‌افتاد که کشاورزان بذری برایشان نمی‌ماند که بکارند. اگر تهی‌دستان قرض را به موقع پس نمی‌دادند، ثروتمندان به کمک مأموران دولت آنها را به بردگی می‌گرفتند.

۴- قیام تهی‌دستان و بردگان.

در مصر، بارها آتش قیام ستم‌کشان شعله‌ور شد. در باره‌ی قیام بزرگی که در سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد رخ داد نوشته‌هایی باستانی به جای مانده. (بخشی از این نوشته‌ها به صورت پیوست به بند ۱۲ افزوده شده. آن را با دقت بخوانید و به سئوالات مربوط به آن جواب بدهید.)

در روستاها کشاورزان قیام کردند و در شهرها صنعتگران. بردگان نیز به آنها پیوستند. قیام‌کنندگان پایتخت را بدست آوردند، مأموران برده‌داران را سرکوب کردند و ثروتشان را صاحب شدند.

اما قیام‌کنندگان نتوانستند نظام برده‌داری را از بین ببرند، زیرا آنها هیچ نظام دیگر را نمی‌شناختند که جانشین آن کنند. در نتیجه، برده‌داران نیروهای خود را جمع کردند و حکومت فرعون‌ها را دوباره در مصر برپا ساختند.

*

این واقعه مرا افسرده کرده. آه، این بلایی که رخ داده چقدر برای من اندوهناک است .

پیوست

از «شرح بلاهای کشور»

(پرسش‌های مربوط به این متن: چه کسی در مصر قیام کرد؟ علیه کی؟ جواب‌های این پرسش‌ها را از همین متن پیدا کنید. قیام کنندگان چه پیروزی‌هایی به دست آوردند؟ از کجا می‌توان فهمید که قیام نتوانسته نظام برده‌داری را از بین ببرد؟ نویسنده‌ی این متن دلش به حال چه کسی سوخته؟ از روی متن دلیل بیاورید.)

پرسش و تمرین:

۱. شما در باره‌ی زندگی کشاورزان و صنعتگران چه چیز تازه‌ای یاد گرفتید؟
۲. درباره‌ی زندگی بردگان در مصر، چه چیز تازه‌ای یاد گرفتید؟
۳. قیام مصر را شرح بدهید .
۴. چرا این قیام نظام برده داری را از بین نبرد؟
۵. تقریباً چند قرن پیش در مصر قیام شد؟ تقریباً چند قرن از تشکیل دولت یگانه‌ی مصر گذشته بود که قیام در گرفت؟

مردم علیه حکومت پادشاه که خدای «را» آن را برقرار کرده شورش کرده‌اند.

پایتخت در عرض يك ساعت ویران شده پادشاه به وسیله‌ی تھی‌دستان اسیر گردیده.

رؤسای کشور با فرار جان خود را نجات می‌دهند. مأموران کشته شده‌اند. صورت‌های مالیاتی از بین رفته.

تهیدستان وارد کاخ‌های عظیم می‌شوند.

کسانی را که پارچه‌های کتان ظریف به تن دارند، با چوب کتک می‌زنند، صاحبان لباس‌های فاخر ژنده پوش شده‌اند و تهیدستان صاحب ثروت گردیده‌اند.

آنکس که حتی يك جفت گاو هم نداشت صاحب گله شده و آنکس که غله جمع می‌کرد، اکنون خودش غله می‌دهد. بردگان صاحب برده شده‌اند.

www.adabestanekave.com

بند ۱۳

پیدایش علم و خط در مصر باستان

بیاد بیاورید که دره‌ی نیل چگونه بود و مردم چه زمانی ساکن آن شدند
(بند ۶، ماده‌ی ۳-۱).

۱- چگونه کارانسان ساحل نیل را دگرگون کرد.

کارهزارساله‌ی کشاورزان و بردگان کرانه‌ی نیل را دگرگون ساخت.

در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، در دره‌ی نیل بجزیرك مرداب که سرچشمه‌ی بیماری بود و يك بوته‌زار که پناهگاه درندگان بود، چیز دیگری وجود نداشت. اما بعدها، به جای این مرداب و بوته‌زار،

کشتزارهای وسیعی به وجود آمد که نهرهای آب از میان آن می‌گذشت، جالیزهای سبزی‌کاری درست شد و باغها و مویستانها پدید آمدند.

در جنوب غربی ممفیس، دشت باتلاقی وسیعی، قرار دارد، هنگام طغیان نیل، این دشت غرق در آب می‌شود. مصریان دور این دشت را دیواری به طول ۳۰ کیلومتر کشیدند. هنگامی که طغیان نیل دشت را پر می‌کرد، دروازه‌های سد را می‌بستند. بدین ترتیب دریاچه‌ای مصنوعی درست می‌شد. این دریاچه را «دریاچه‌ی موئریس» می‌گفتند. این دریاچه چنان بزرگ بود که از هر ساحل آن، ساحل مقابل دیده نمی‌شد. آب دریاچه به مصرف آبیاری کشتزارها می‌رسید و این موضوع سبب می‌شد که سالیانه از آن کشتزارها دو محصول برداشته شود.

مصر پر جمعیت بود. سرتاسر سال قایق‌ها و زورق‌های پراز غله، چوب و سایر کالاها، در مسیر رود نیل، از پائین به بالا و از بالا به پایین در رفت و آمد بودند. مصریان کانالی کردند که نیل را به دریای سرخ متصل می‌کرد.

۲- پیشرفت‌هایی در صنعت.

مصریان، در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، در صنعت نیز موفقیت‌هایی به دست آوردند.

صنعتگران به مس، قلع افزودند و آلیاژی به دست آوردند که برنز نامیده می‌شود. آنها از برنز ابزار کار و جنگ افزارهایی می‌ساختند که محکمتر و بادوام تر از ابزارهای مسی بود. با این وجود، اشیای برنزی بسیار گران بود و بیچارگان تقریباً توانایی به دست آوردن آنها را نداشتند.

تولید شیشه در مصر رواج بسیار زیادی پیدا کرد. فرآورده‌های شیشه‌ی رنگی مصر، به کشورهای همسایه، صادر می‌گردید.

۳- پیدایش ریاضیات

توسعه‌ی کشاورزی، صنعت و کارهای ساختمانی سبب پیدایش علوم شد.

کشاورزان هنگام برداشت محصول حساب می‌کردند که چقدر از محصول به دست آمده را باید برای بذر نگهدارند و چقدر از آن‌را می‌توانند تا هنگام برداشت محصول بعدی مصرف کنند. صنعتگران نیز می‌بایست به‌طور بسیار دقیقی حساب می‌کردند که مس و قلع باید به چه نسبتی مخلوط شود تا برنز محکمی به دست آید. هنگام ساختن سد و ساختمان نیز می‌بایست حساب می‌کردند که برای انجام کار، چقدر زمان، مصالح و نیروی کار مورد نیاز است. بدین ترتیب در مصر باستان، در ضمن کار،

«علم حساب» به وجود آمد. مصریان کسرو چهار عمل اصلی حساب را بلد بوده‌اند.

برای کندن کانال، کشت زمین‌ها و ساختن بناها به اندازه گرفتن مساحتها و زاویه‌ها نیاز بود. بدین ترتیب علمی به وجود آمد که ما آنرا «هندسه» (ژئومتر یا) می‌نامیم. ژئومتر یا یعنی «اندازه‌گیری زمین»^۱.

۴- پیدایش علم ستاره‌شناسی

کشاورزان مصر باستان نیاز داشتند بدانند، که چه موقع رودخانه طغیان می‌کند، تا به موقع خود را در مقابل آن آماده کنند.

کشاورزان در نتیجه‌ی دیدن طغیان نیل، در عرض سالهای بسیار، متوجه شدند که همه ساله، قبل از طغیان، ستاره‌های آسمان دارای وضع مشخصی هستند. مصریان با دقت به حرکت ستارگان و سیارگان آسمان توجه می‌کردند و حتی نقشه‌ی آسمان پرستاره را هم می‌کشیدند. بدین ترتیب، در نتیجه‌ی دقت و توجه کشاورزان به ستارگان آسمان، ستاره‌شناسی (آستر و نومی) یعنی علمی که ستارگان و سیاره‌های آسمان را مطالعه می‌کند به وجود آمد.

مصریان باستان تقویم را درست کردند. آنها گفتند که سال ۳۶۵

۱- هندسه نیز در زبان پهلوی، یعنی زبان فارسی پیش از اسلام، «هنده چک» بوده که به معنی اندازه است. بعداً عربها این کلمه را «هندسه» کرده‌اند. مترجم.

۵- خط مصریان

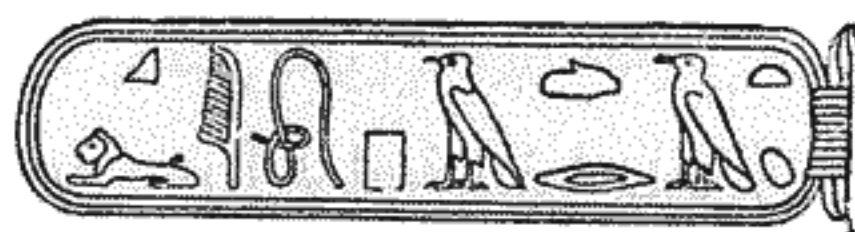
در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، دانش مصریان بدان حد رسیده بود که دیگر یک نفر نمی‌توانست آنرا در حافظه‌ی خود نگه‌دارد و به‌طور شفاهی برای دیگری بگوید. بدین جهت مصریان، نوشتن آغاز کردند. در مصر باستان برای نوشتن، از تصویر استفاده می‌کردند. (به یاد بیاورید که چگونه به وسیله‌ی تصویرها وقایع مهمی را که در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد در مصر اتفاق افتاده شرح داده‌اند. تصویر ۰۲۵) در ابتدا هر علامت يك کلمه را نشان می‌داد. برای نوشتن «آب»، تصویر موج را می‌کشیدند، برای نوشتن «میلیون»، شکل آدمی را می‌کشیدند که دست‌هایش را در اثر تعجب در مقابل چنین عدد بزرگی، بلند کرده بود. اما پس از این، دیگر علامتها فقط نشان دهنده‌ی کلمات کامل نبودند، بلکه بخشهای کلمه و صداها را هم نشان می‌دادند. علامت های تصویری، «هیرو گلیف» نامیده می‌شوند. در خط مصر باستان چندین هزار هیرو گلیف وجود داشت که فقط ۷۵۰ تای آن مصرف می‌شد.

برای نوشتن، معمولا، از پاپیروس استفاده می‌کردند. ابتدا ساقه‌های پاپیروس را می‌بریدند و آنرا به ورقه‌های نازکی در می‌آوردند، سپس این ورقه‌ها را که به کاغذ شبیه بود به یکدیگر می‌پیوستند. هر ورقه را به ورقه‌ی دیگر می‌پیوستند و بدین ترتیب نواری از پاپیروس به دست می‌آوردند که گاهی طولش به ده‌ها متر می‌رسید.



تصویر ۳۶- هیرو گلیف‌های مصر باستان

ترانه‌ها، داستانها، آثار علمی و سالنامه‌های باستان در روی پاپیروس نوشته شده. حتی نوشته‌هایی از دانش آموزان آن زمان پیدا شده، که دارای غلط است و غلط‌های آن به وسیله‌ی معلم تصحیح شده. با این وجود، غالباً دانش آموزان روی سفالهای ظروف شکسته‌ی گلی می‌نوشتند، زیرا پاپیروس گران بود.



تصویر ۳۷. نوشته‌هایی که به خط هیرو گلیف در روی سنگ کنده شده.

خط و علم در اثر کار و زحمت انسان به وجود آمد و تأثیر عظیمی در زندگی مردم باستان داشت. علم سبب توسعه و تکامل کشاورزی و صنعت شد. خط به حفظ و نگهداری دانش بشری و انتقال آن از پیران به جوانان و از ملت‌هایی به ملت‌های دیگر کمک کرد.

*

داستانی درباره‌ی «سینوهه»

از مصر باستان

(پرسش‌هایی در مورد این داستان: در داستان زیر، چه چیزی وجود دارد که از حکومت نامحدود فرعون بر مصر حکایت می‌کند؟ با توجه به این داستان، درباره‌ی جنگ‌های باستانی چه چیزهایی می‌توان گفت؟ به یاد بیاورید که چرا مصریان به نگهداری جسد مرده اینقدر اهمیت می‌دادند.)

«سینوهه» یکی از عالی‌جنابان مصر بود. پس از مرگ فرعون، او که از بی نظمی در پایتخت و خشم فرعون جدید می‌ترسید به آسیا گریخت. در بیابان، کم مانده بود که سینوهه از تشنگی بمیرد. او حکایت می‌کند: «... داشتم خفه می‌شدم، گلویم می‌سوخت، با خودم گفتم: این دیگر طعم مرگ است». او فقط در اثر برخورد اتفاقی با چوپانی که گله‌ی خودش را از بیابان می‌گذرانید، نجات پیدا کرد.

در آسیا سینوهه به خدمت يك شاهزاده درآمد. او مقدار زیادی زمین، از شاهزاده دریافت کرد و رئیس سپاه او شد. سینوهه، درباره‌ی لشکر-

کشی‌های خودش حکایت می‌کند: «من به هر کشوری که هجوم می‌بردم، آن کشور را از چراگاه‌ها و چاه‌های آب محروم می‌کردم، گله‌های حیوانات را می‌زدیدم و ساکنان آنجا را با خود می‌بردم، غذاهای آنها را می‌گرفتم و مردم را می‌کشتم» سینوهه، هم ثروت داشت و هم مورد احترام بود، اما از این می‌ترسید که اگر بمیرد، در آسیا کسی جسد او را مومیایی نخواهد کرد.

سینوهه پس از اجازه گرفتن از فرعون، به مصر بازگشت. وقتی بدر بار فرعون رسید، در پیش پای او دراز کشید و صورتش را بر زمین نهاد و آنقدر به همان حالت باقی ماند تا اینکه او را به دستور فرعون از زمین بلند کردند. فرعون فرمان داد که برای سینوهه، خانه بسازند و نیز برای او آرامگاهی بنا کنند، تا اینکه بعد از مرگش در آنجا به خاک سپرده شود.

ترانه‌ی باربران غله

(این ترانه درباره زندگی در مصر باستان چه می‌گوید؟)

ما باید سرتاسر روز را

گندم سفید بردوش کشیم

مگر نه اینکه، انبارها دیگر پر شده،

و انبوه غله، از دیوار انبارها هم بالاتر رفته.

اکنون دیگر کشتی‌ها پر شده

و غله دارد سرریز می‌کند،

با این همه، ما مجبوریم باز هم غله بردوش کشیم.

به راستی که ما قلبی مسین داریم.

۱. مقایسه کنید که دره‌ی نیل در هنگام پیدایش انسان در آن، چگونه بود و در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد به چه صورت درآمد. چرا این تغییرات در آن به وجود آمد؟

۲. چگونه دانش علمی در مصر به وجود آمد؟ فکر کنید ببینید که توسعه‌ی کدامیک از علوم سبب ساختن مومیایی شد.

۳. با مثال زدن نشان بدهید که ریاضیات و ستاره‌شناسی چه اهمیتی برای کشاورزی و صنعت دستی مصر داشته.

۴. چرا خط در مصر به وجود آمد. خطه‌ی مصریان باستان با خط‌های امروزی ما چه تفاوتی داشت.

بند ۱۴

قدرت دولت مصر باستان در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد

وسقوط آن

(به نقشه چند صفتی بعد نگاه کنید)

۱- ارتش مصر در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد

رشد جمعیت و توسعه‌ی صنعت دستی، در مصر، در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد فرعون را بر آن داشت که ارتش مصر را توسعه دهد و همچنین آنرا خوب مسلح کند.

نیروی اساسی ارتش، پیاده نظام بود. پیاده نظام، از کشاورزانی تشکیل می‌شد که با زور مجبور به انجام خدمت سربازی شده بودند. در ارتش،

www.adabestanekave.com

عرب‌ها، جنگی نیز وجود داشت. این عرب‌ها، گاری دو چرخه بود که به اسب بسته می‌شد. بر روی هر عرب‌های، يك تسا دو نفر سرباز با کمان می‌ایستادند.

فرعون از میان ملت‌های دیگر نیز، سرباز مزدور می‌گرفت. سربازان مزدور، در خود مصر، کشاورزان و بردگان را، بیرحمانه سرکوب می‌کردند، اما برای جنگ با دولتهای دیگر، این سربازان مزدور، قابل اطمینان نبودند، زیرا ممکن بود در هنگام جنگ، جانب کسی را بگیرند که به آنها وعده‌ی پول بیشتری را می‌داد.



تصویر ۳۸. تیراندازان با کمان
(این تصویر، کار خود مصریان است.)

۲- کشور گشایی فرعون

شرقی دریای مدیترانه (دریای وسط زمین) قرار داشتند، یعنی فلسطین و سوریه، لشکر کشید. لشکر فرعون را «توتموس ۳» که پهلوانی نیرومند و سرکرده‌ای شجاع بود فرماندهی می‌کرد. او معمولاً، در حالی که به طلا آراسته بود، با عرب‌ها بیرون می‌آمد.

مردم فلسطین و سوریه سرسختانه در مقابل اشغالگران از خود دفاع کردند. توتموس ۳، بیرحمانه عمل می‌کرد: به دستور او، مصریان، شهرها و روستاها را آتش می‌زدند، درختان باغها را می‌بریدند، کشتزارها را لگدمال می‌کردند و مردم را به بردگی می‌بردند. پس از جنگ‌های طولانی، توتموس ۳، تمام ساحل شرقی دریای مدیترانه (دریای وسط زمین) را اشغال کرد. دنباله‌ی سرزمین مصر، به رودخانه‌ی فرات رسید.

فرعون موفق شد که تمام نو بیابان و نیز سرزمین قبایل ساکن غرب نیل را تسخیر کند.

نزدیک ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد، دولت مصر بیشترین قدرت را به دست آورد. (در روی نقشه‌ی زیر، دولت مصر را در چنین دوره‌ای نشان دهید).

www.adabestanekave.com

نزدیک ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد، ارتش مصر، به کشورهایی که در ساحل

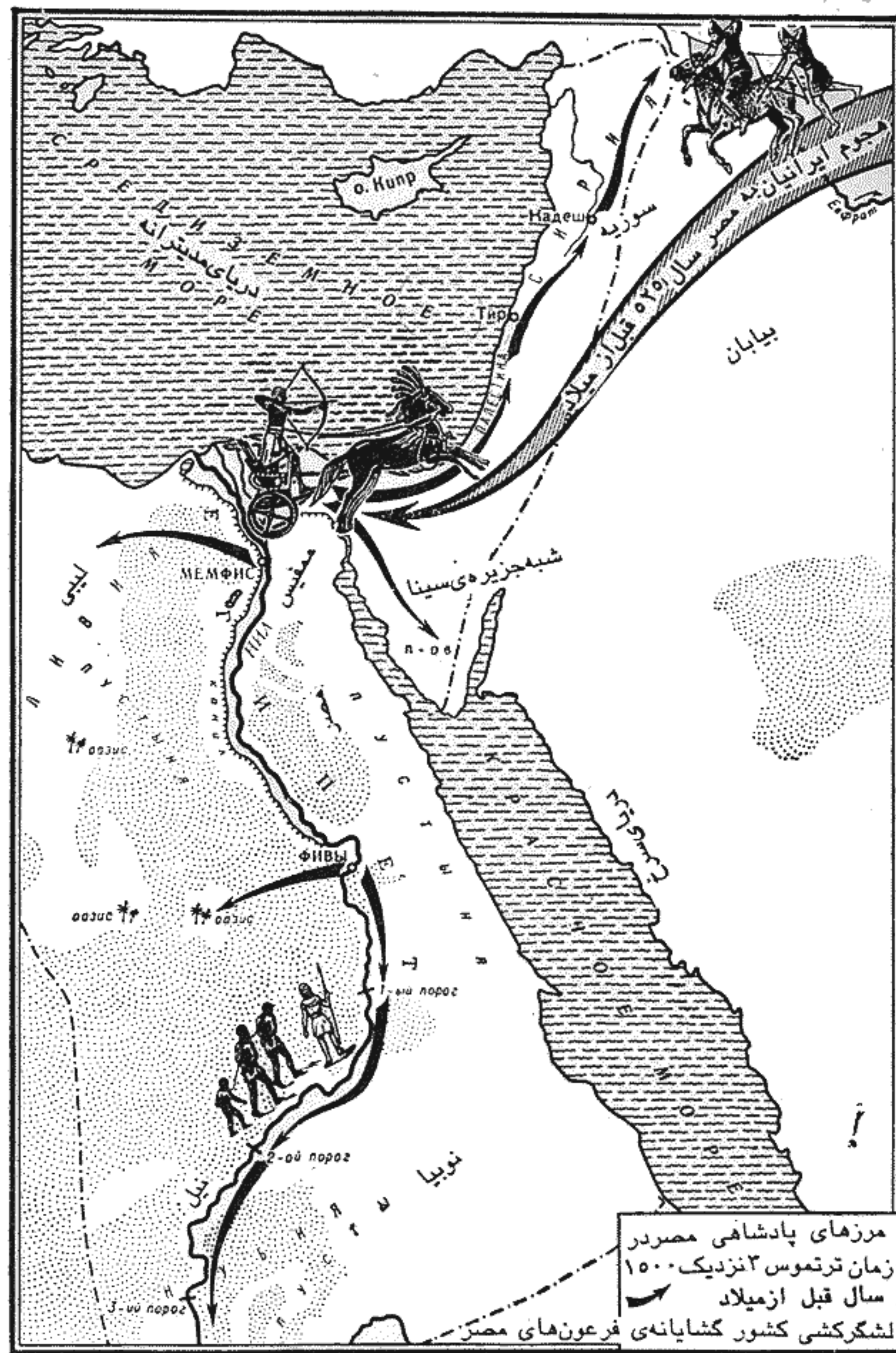
۳- افزایش ثروت برده داران مصر

فرعون‌ها، کشورهای تسخیر شده را غارت می کردند و مردمی را که زنده می ماندند مجبور به دادن باج و خراج می کردند. کاروان‌های الاغ‌های سنگین بار، و همچنین کشتی‌ها به مصر، طلا، برنز، عاج (دندان فیل) و چوب سیاه (آبنوس) حمل می کردند؛ سربازان نیز هزاران اسیر، گله‌های دام و رمله‌های اسب با خود می آوردند. در کشورهای همسایه می گفتند که فرعون به اندازه‌ی شن‌های سرزمین مصر طلا دارد.



تصویر ۴۰. محاصره‌ی قلعه به وسیله‌ی مصریان (این تصویر در درون پرستشگاه باستانی مصر است).

فرعون سوار بر کالسکه است. در طرف راست قلعه‌ای است که به وسیله‌ی مصریان محاصره شده. مدافعان قلعه که تیر خورده‌اند، دارند از دیوار فرو می افتند. در پایین تصویر، سربازان دارند اسیرانی را که در میان آن‌ها زن و کودک هم وجود دارد، دستگیر می کنند. در بالای تصویر، نوشته‌هایی به خط هیروگلیف وجود دارد.



تصویر ۳۹. جنگ‌های دولت مصر باستان (جهت لشکر کشی‌های کشور گشایانه‌ی ارتش مصر را نشان بدهید).

برده‌داران مصر، ثروت‌های غارت‌شده را صاحب می‌شدند در مصر، تعداد برده‌ها از آنچه که قبلاً بود، خیلی بیشتر شد. در این میان، کاهن‌ها خیلی ثروتمند شدند. فقط یکی از پرستشگاه‌های مهم، در حدود ۸۰ هزار برده داشت.

۴- خانه خرابی کشاورزان

قدرتی که دولت مصر در میانه‌ی هزاره‌ی دوم قبل از میلاد به دست آورد ناپایدار بود.

خلق‌های اسیر، مبارزه با اشغالگران را ادامه دادند. سپاه مصر، به سختی می‌توانست از کشورهایی که مردم آن قیام می‌کردند، و جنگ دوباره آغاز می‌شد، خود را بیرون بکشد.

جنگ‌هایی که پی در پی در می‌گرفت، برای کشاورزان مصری نیز مشقت بار بود. کشاورزانی که به سپاه آورده شده بودند، یا در جنگ کشته می‌شدند و یا از تب و لرزهای باتلاقی «نوبیا» و همچنین از گرمای بیابانها می‌مردند. قطعه زمین‌های کشاورزانی که به جنگ آمده بودند، رها شده بود و کسی نبود که آنها را بکار دهد. وضع واحدهای اقتصادی^۱ کشاورزان، روبه خرابی می‌رفت و حتی برخی از آنها کاملاً ورشکسته می‌شدند، اگر هم سرباز زخمی و مریضی به روستای محل زندگیش برمی‌گشت، می‌دید که دارایی او را غارت کرده‌اند و زن و کودکانش را به بردگی برده‌اند.

۱. واحد اقتصادی کشاورزان را در زیر نویس «مفحه‌ی ۷۰» تعریف کرده‌ایم. مترجم.

کینه‌ی کشاورزان، صنعتگران و برده‌ها، نسبت به فرعون و برده‌داران افزایش یافت. در جاهای مختلف مصر، فقیران و برده‌ها قیام کردند.

۵- اشغال مصر به وسیله‌ی ایرانیان

خانه خرابی کشاورزان، قیام‌های پی در پی برده‌ها، فقیران و خلق‌های اسیر کشورهای تسخیر شده، دولت مصر را ضعیف کرد. در آغاز هزاره‌ی اول قبل از میلاد، این دولت، نه فقط تمام کشورهای را که در آسیا و نوبیا تسخیر کرده بود، از دست داد، بلکه برای دفاع از خود، در مقابل هجوم دولت همسایه سخت به زحمت افتاد.

در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، سپاه نیرومند ایران، از آسیا به مصر هجوم آورد. بسیاری از مزدوران فرعون به او خیانت کردند. سپاه مصر، از هم متلاشی شد. عالی‌جناب‌ها و کاهن‌ها به طرفداری از دولتی که پیروز شده بود، پرداختند. ایرانیان تمام مصر را اشغال کردند.

پرسش و تمرین:

۱. در بند ۱۴، شما کدام يك از «وظایف»^۱ کشاورزان مصر باستان را شناختید.

۲. چرا تسخیر کردن کشورهای همسایه، دولت مصر را ضعیف کرد؟
۳. در نمودار «اتفاقات مهم تاریخ مصر باستان»، زمانی را که ایرانیان مصر را تسخیر کردند، نشان دهید. حساب کنید که چند سال پیش این اتفاق افتاده. در چه قرن‌ی این اتفاق افتاده؟ در نیمه‌ی اول قرن یا در نیمه‌ی دوم قرن؟ از لشکرکشی توتموس سوم تا اشغال مصر به وسیله‌ی ایرانیان، تقریباً چند سال طول کشید.

۱. منظور از «وظایف»، کارهایی است که کشاورزان مجبور بودند برای دولت و یا برای ارباب انجام دهند. مترجم.

پرسش‌ها و تمرین‌هایی برای دوره کردن فصل دوم:

۱. از روی نمودار پیشین، نشان بدهید که مصر باستان در چه زمانی وجود داشته.
۲. تقریباً در چه زمانی دولت یگانه‌ی مصر به وجود آمد؟ از روی نمودار، توسعه‌ی سرزمین دولت مصر را نشان بدهید.
۳. در چه زمانی مصر استقلال خود را از دست داد؟ دولت مصر باستان تقریباً چندصد سال عمر کرد؟
۴. چرا و چگونه دره و دلتای رود نیل، در دوران باستان دگرگون شد؟ این دگرگونی در کدامیک از تصویرهای رنگی کتاب، کامل‌تر نشان داده شده.
۵. چرا در مصر طبقه‌های برده و برده دار تشکیل شد؟ در مصر، مردم چگونه برده می‌شدند؟
۶. برده داران مصر، چگونه حکومت خود را بر برده‌ها و بیچارگان عملی می‌کردند؟ در چه زمانی، کشاورزان و برده‌ها تلاش شجاعانه‌ی خود را برای رهایی از ظلم و ستم آغاز کردند؟ چگونه این تلاش به پایان رسید؟
۷. مصریان چه پیشرفتهایی در علم و هنر به دست آوردند؟
۸. از یادگارهای نوشته‌ای مصر باستان چند نمونه نام ببرید. چند نمونه از یادگارهای مادی مصر باستان را نام ببرید.

www.adabestanekave.com

وقایع مهم تاریخ مصر باستان

هزاره	قرن	
I	I	
	II	
	III	
	IV	
	V	
	VI	تصرف مصر بوسیله‌ی ایرانیان ، ۵۲۵ سال قبل از میلاد
	VII	
	VIII	
	IX	
	X	
II	XI	
	XII	
	XIII	
	XIV	
	XV	کشورگشایی‌های توت‌موس ۳ در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد
	XVI	
	XVII	
	XVIII	
	XIX	قیام بی‌چیزان و بردگان ، در ۱۷۵۰ سال قبل از میلاد
	XX	
III	XXI	
	XXII	
	XXIII	
	XXIV	
	XXV	
	XXVI	
	XXVII	ساختن هرم خنوپس در ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد
	XXVIII	
	XXIX	
	XXX	
IV	XXXI	تشکیل دولت یگانه در مصر ، نزدیک ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد
	XXXII	
	XXXIII	تشکیل دولت‌ها در مصر ، در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد

فصل سوم

«میان‌دورود» (بین‌النهرین) در زمان باستان

بند ۱۵

تشکیل اولین دولت در میان‌دورود

(در دوی نقشه‌ی همراه کتاب، کشوری را که دولت در آن، هم‌زمان با دولت مصر تشکیل شده نشان دهید)

۱. طبیعت میان‌دورود جنوبی

در شمال شرقی مصر و در قاره‌ی آسیا، دو رود بزرگ به نامهای

دجله و فرات جریان دارد که هر دوی آنها از رشته کوه‌های جنوب قفقاز سرچشمه می‌گیرند و به خلیج فارس می‌ریزند.

سرزمینی که بین دجله و فرات و در نواحی وسط و پایین آنها قرار دارد، میان‌دورود (بین‌النهرین) نامیده می‌شود. قسمت شمالی میان‌دورود کوهستانی و قسمت جنوبی آن پست و جلگه‌ای است.

در میان‌دورود جنوبی، زمین‌ها دارای خاک رس است. زمستانها، در آنجا بارانهای شدیدی می‌بارد و زمین از لایه‌ی کلفت گل پوشیده می‌شود. در فصل بهار، در کوههایی که سرچشمه‌ی دجله و فرات است، برف‌ها آب می‌شوند. رودها از ساحل‌های خود در می‌گذرند و شدیداً طغیان می‌کنند. به ویژه، رود دجله، به شدت طغیان می‌کند؛ این رود به سیلاب سرکشی تبدیل می‌شود که پهنای آن به ده‌ها کیلومتر می‌رسد. این سیلاب، ساحل‌ها را می‌شوید، خانه‌ها را خراب می‌کند و مردم و چهارپایان را با خود می‌برد.

اما در عوض، گل و لای رودخانه، هنگام طغیان، زمین‌ها را کود می‌دهد و در نتیجه، زمین‌های میان‌دورود بی اندازه حاصلخیز است. وقتی که طغیان رود فرو می‌نشیند، گرمای هوا، در سایه، به ۵۰ درجه‌ی سانتیگراد می‌رسد، قسمتهای بلندتر زمین، از لایه‌ی محکمی پوشیده می‌شود، ولی در قسمتهای پست آن، آب همچنان باقی می‌ماند، شروع به گندیدن می‌کند و تشکیل مرداب می‌دهد.

۲. اولین ساکنان میان‌دورود جنوبی

سرانجام، زمین‌های حاصلخیز میان‌دورود جنوبی کشاورزان را

به طرف خود جلب کرد. در چندین هزار سال قبل از میلاد بود که مردم در میاندورود جنوبی ساکن شدند. در میان مردابها و دریاچه هایی که از نی پوشیده شده بود، تعداد کمی سکونتگاه خانوادگی^۱ به وجود آمد. این سکونتگاههای خانوادگی از چند کلبه که از گل و نی درست شده بود، تشکیل می شد. ساکنان این سکونتگاهها به کشاورزی کلنگی، دامداری و شکار می پرداختند.

کشاورزان برای آبیاری کشتزارها و خشک کردن مردابها، کانال می کردند. آنها در اطراف سدها آبادی می ساختند و درخت می نشاندند تا آنها را از گزند طغیان محفوظ نگهدارند. تپه های بزرگی نیز از خاک و گل درست می کردند، تا در هنگام طغیان مردم و دامها روی آنها بروند و جان خود را نجات دهند.

ساکنان میاندو رود جنوبی ابتدا ساختن ابزار مسی و سپس ابزار برنزی را یاد گرفتند. آنها برای شخم زدن زمین های سخت گلی، خیش را اختراع کردند (تصویر ۴۱).

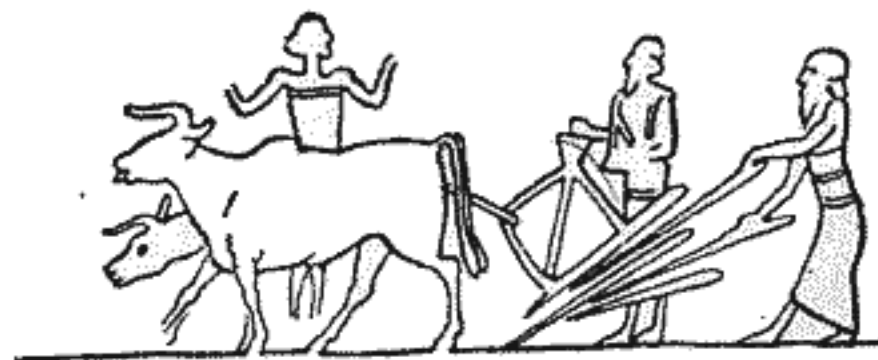
۳. میاندورود جنوبی در هزاره های ۲-۳ قبل از میلاد به چه صورتی درآمد.

کار سخت و پرمشقت انسان، میاندو رود جنوبی را به کشور سبز و خرمی تبدیل کرد.

در هزاره های ۲-۳ قبل از میلاد، در کشتزارهایی که به وسیله ی

۱- توجه داشته باشید که شکل خانواده های ابتدایی با خانواده های امروزی کاملاً فرق دارد. اگر شکل خانواده های ابتدایی را فراموش کرده اید، فصل اول کتاب را دوباره بخوانید - مترجم.

کشاورزان شخم زده می شد و به وسیله ی کانال آبیاری می گردید، محصول فراوانی از گندم و جو به دست می آمد: هردانه ی بذر، تا صد دانه محصول می داد. در اطراف روستاها، درخت خرما می روید، از خرما، آرد، عسل، شراب و از رشته های پوست درخت خرما، ریسمان و سبد می بافتند. درخت خرما برای ساکنان میاندو رود آنقدر اهمیت داشت که آنها «درخت زندگی» می نامیدند.



تصویر ۴۱. خیش در میاندورود جنوبی (تصویری باستانی). در روی خیش لوله ای نصب کرده اند که در بالای آن قیفی قرار دارد. هنگام شخم در قیف، بذر می ریزند. در نتیجه، کاشتن با شخم زدن به طور همزمان انجام می گیرد. در روی تپه ها، شهرها قرار داشتند. در داخل این شهرها، بافندگان، آهنگران، چرمسازان، کوزه گران و سایر صنعتگران زندگی و کار می کردند. پارچه های پشمی ای که در میاندو رود تهیه می شد شهرت زیادی داشت.

در میاندو رود جنوبی، معادن مس، طلا و نقره وجود نداشت. در آنجا، چوب نیز خیلی کم بود. مردم، تمام این چیزها را از مردم سرزمین های دیگر می گرفتند و به جای آن، غله، خرما، دام و پارچه می دادند. در میاندو رود به جای پول، از شمش نقره استفاده می شد.

۴. چگونه، در میاندو رود، طبقه های برده و برده دار به وجود آمد.

در میان دو رود جنوبی هم مانند مصر، تکامل کشاورزی و دامداری سبب تشکیل طبقات گردید:^۱

تکامل کشاورزی و دامداری سبب شد که داشتن برده، برای مالکان زمین، کم کم سودمند شود. اکنون دیگر، با مجبور کردن برده‌ها به کار، بیشتر از آنچه که برای مصرف خود برده‌ها لازم بود، غله به دست می‌آمد. در نتیجه، مقداری از غله و دامهای باقیمانده را با طلا، برنز، پارچه‌های نازک و زینت‌آلات مبادله می‌کردند.



تصویر ۴۲. منظره‌ای از میان دو رود جنوبی،

دره‌ی فرات و دجله، خیلی وسیع بود. در درون دره، کاناالی کنده شده بود که در کناره‌های آن، باغ‌هایی از درخت خرما وجود داشت. کلبه‌ها و دیوارهایی نیز از گل، در آنجا، ساخته بود.

۱. به بندهای ۸ و ۷ نگاه کنید - مترجم.

کسانی که در جنگ اسیر می‌شدند، به برده تبدیل شدند. ریش سفیدان و سران قبیله هم، طبقه‌ی برده دار را تشکیل دادند.

۵. چگونگی برده داران، بی‌چیزان را مجبور کردند که برای ایشان کار کنند.

بیشتر مردم میان دو رود جنوبی را کشاورزان و صنعتگران تشکیل می‌دادند.

بیشتر وقتها، بی‌چیزان نه چیزی برای خوردن داشتند و نه می‌توانستند، ابزار کار لازم را برای کار خود بخرند. در چنین مواقعی، آنها مجبور می‌شدند که غله و نیز نقره، قرض بگیرند. قرض کننده، پس از مدت معین، گذشته از اصل مبلغی که قرض کرده بود، بهره‌ی سنگینی نیز می‌بایست بپردازد. اگر شخص بی‌چیزی فقط می‌توانست بهره‌ی قرض خود را بپردازد، خود قرض همچنان باقی می‌ماند. کشاورزان و صنعتگران زیادی که سرتاسر عمر خود را کار می‌کردند و حتی سرشان از روی کار بلند نمی‌شد، فقط می‌توانستند بهره‌های تازه و تازه تر قرض قدیمی‌شان را بپردازند. بی‌چیزان بی‌زمین، از ثروتمندان تقاضا می‌کردند که برای استفاده‌ی موقت، به آنها قطعه‌ای زمین یا باغ بدهند. در مقابل، آنها نیمی از محصولی را که از کشتزار به دست می‌آمد و $\frac{2}{3}$ محصولی را که از باغ به دست می‌آمد به مالکان می‌دادند.

در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، در میان دو رود جنوبی، نظام جماعتی نخستین، دیگر به نظام برده داری تبدیل شده بود. با برقراری نظام برده داری دولت نیز به وجود آمد. بدون وجود دولت (حکومت شاه، ارتش، مأموران و زندان‌ها) برده داران نمی‌توانستند برده‌ها و بی‌چیزان را مجبور به فرمانبرداری کنند.

بند ۱۶

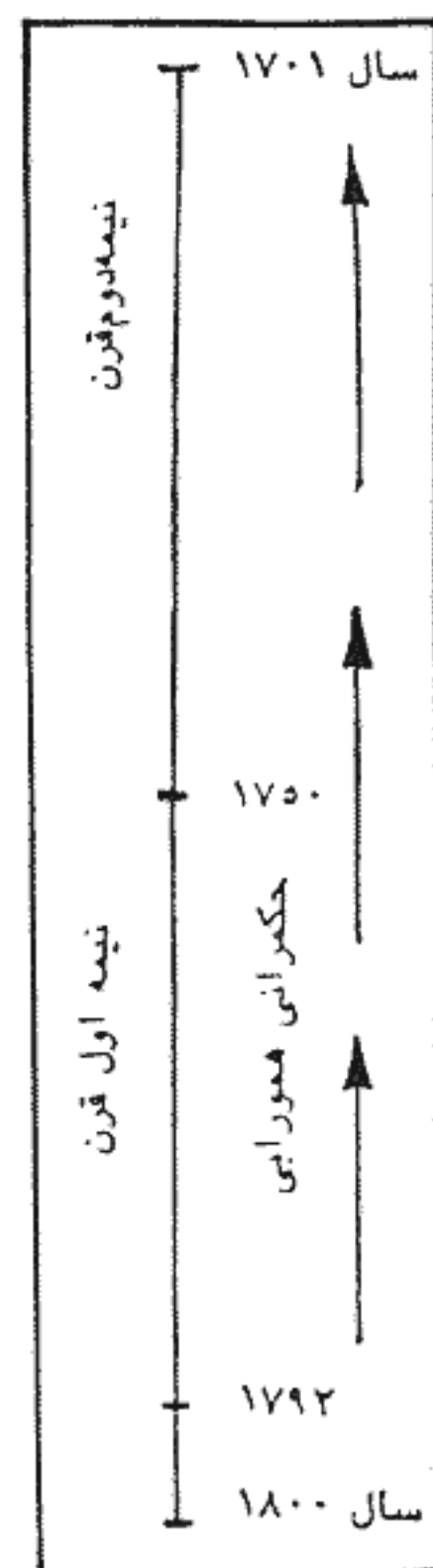
پادشاهی بابل

۱. ترقی بابل

در میان رود جنوبی، در ساحل رود فرات، شهر بابل به وجود آمد. در آغاز، بابل، سکونتگاه کوچکی بود که از چند کلبه‌ی گاه‌گلی^۱ تشکیل می‌شد.

موقعیت محلی بابل بسیار خوب بود. اطراف آن را زمین‌های حاصلخیز فرا گرفته بود. بابل در محلی قرار داشت که دجله به فرات، خیلی نزدیک می‌شد. بازرگانان از قسمت بالای رودخانه‌های فرات و دجله، با قایق‌های بزرگ، کالاهایی را که مورد احتیاج میان رود جنوبی

۱- معمولا به گل، خرده کاه و یا سنگهای ریز اضافه می‌کردند.



قرن ۱۸ قبل از میلاد

پرسش و تمرین :

۱. شرایط طبیعی میان رود جنوبی و مصر را با هم مقایسه کنید. چه چیزهایی در آنها همانند است؟ از چه نظر با یکدیگر فرق دارند؟
۲. چه همانندی‌هایی بین کار و پیشه‌ی مردم مصر و مردم میان رود جنوبی در دوران باستان، وجود داشت؟
۳. چرا در میان رود باستان، طبقه‌های برده و برده دار تشکیل شد؟ چرا در آنجا دولت به وجود آمد؟ اگر برایتان مشکل است که به این سؤال جواب بدهید، ابتدا به یاد بیاورید که در مصر باستان، طبقه‌های برده و برده دار و همچنین دولت، چرا تشکیل شد (بند ۸).
۴. چه چیزی بی چیزان آزاد (غیر برده) را مجبور کرد که برای برده داران ثروتمند کار کنند؟

بود به آنجا می آوردند. کالاهایی را نیز که در میان دورود جنوبی تولید می شد، از همین محل صادر می کردند. (به یاد بیاورید که این کالاها، چه چیزهایی بودند.) دوجاده‌ی مهم میان دورود نیز، از بابل می گذشت. در این جاده‌ها، کاروان‌های شترها و الاغ‌های سنگین بار در رفت و آمد بودند. بابل، به خاطر موقعیت محلی بسیار خوبی که داشت، به بزرگترین و ثروتمندترین شهر تجارتی میان دورود تبدیل شد.

در آغاز هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، پادشاهی نیرومند بابل تشکیل شد. پایتخت این پادشاهی، شهر بابل بود. در نیمه‌ی اول قرن هیزدهم پیش از میلاد، در زمان پادشاهی همورابی، پادشاهی بابل بیشترین قدرت خود را به دست آورد.

همورابی در سالهای ۱۷۵۰-۱۷۹۲ قبل از میلاد، پادشاه بابل بود. ثروت بابل به پادشاه اجازه می داد که ارتشی بزرگ، که خوب هم مسلح شده باشد، برای خود درست کند. همورابی، تقریباً، پی در پی جنگ به راه می انداخت و هر بار ایالت جدیدی را تسخیر می کرد. در پایان دوران پادشاهی او، گذشته از سراسر میان دورود، ایالات همسایه‌ی آن هم به زیر فرمانروایی همورابی درآمدند.



تصویر ۴۳. شتر بارکش (تصویری باستانی)

نزدیک به شصت سال پیش، باستان‌شناسان در نزدیکی میان دورود به زمین کنی و کاوش پرداختند. آنها تخته سنگی پیدا کردند که جنس آن از سنگ سیاه بود. بلندی این تخته سنگ از قامت انسان بیشتر بود. در هر دو طرف تخته سنگ، نوشته‌هایی کنده (حک) شده بود. در یک طرف آن، در قسمت بالا، تصویر پادشاه کنده شده بود. (تصویر ۴۴). دانشمندان، نوشته‌های یاد شده را خواندند. این نوشته‌ها قانون‌هایی بود که همورابی پادشاه برقرار کرده بود. مردم پادشاهی بابل، طبق این قانون‌ها محاکمه می شدند (برخی از این قانون‌ها را در پیوست بند ۱۶ گنجانده‌ایم. این قانون‌ها را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن، پاسخ بدهید).



تصویر ۴۴. قسمت بالای تخته سنگی، که بر روی آن متن قانون «همورابی» را کنده‌اند. خدای آفتاب و عدالت دارد نشان حکومت را (عصا) به همورابی می دهد. این تصویر می خواهد مردم را متقاعد کند که قانون به وسیله‌ی خدا برقرار شده (پیدا کنید که خود همورابی در بساره‌ی پیدایش قانون چه می گوید).

۱- قانون، قواعدی است که دولت برقرار می کند.

قانون‌های همورابی پادشاه، زندگی و دارایی برده داران را حفظ و نگهداری می‌کردند و فرمانروایی آنان را بر بردگان و بی‌چیزان محکم و استوار می‌نمود. پادشاهی بابل نیز مانند پادشاهی مصر، دولتی برده‌دار بود.

۳. سقوط بابل و ترقی دوباره‌ی آن

قدرت پادشاهی بابل دوام‌پیدانکرد. جنگ‌های پی‌درپی همورابی پادشاه و جانشینان او، نیروی کشور را ناتوان ساخت. قبایل کوه‌نشین به میاندورود هجوم آوردند و بابل را تسخیر کردند.

در پایان قرن هفتم پیش از میلاد، بابل دوباره به پایتخت دولت بزرگ برده‌دار تبدیل شد. برده‌داران با استفاده از کار و زحمت تعداد بسیار زیادی برده، شهر را آراستند، ساختمان‌های باشکوه ساختند و بر دور شهر دیوار غیرقابل عبوری بنا کردند.

با این حال، جاده‌های بازرگانی میاندورود، دیگر تغییر یافته بودند و اکنون فقط از نزدیکی بابل می‌گذشتند. شهر اهمیت قبلی خود را از دست داد و از جمعیت خالی شد. ساختمان‌هایی که از آجر ساخته شده بود، خراب شد و به جای شهر تپه‌ی بزرگی از خاک به وجود آمد.

در آغاز قرن بیستم (قرن حاضر)، باستان‌شناسان به زمین‌کنی و کاوش در این تپه پرداختند و توانستند بفهمند که بابل در قرن ششم

پیش از میلاد چگونه بوده است.

بخشی از مجموعه‌ی قوانین همورابی پادشاه

نشان بدهید که کدامیک از قانون‌هایی که در زیر آورده شده، دارایی برده داران را حفظ و نگهداری می‌کرد. ثابت کنید که طبق این قانون‌ها، تفاوتی بین برده و سایر دارائی‌ها وجود نداشته. قانون‌های همورابی چگونه باعث برگشت قرض می‌شد؟ برای کسانی که به‌فرار برده‌ها کمک می‌کردند، چه مجازات‌هایی در نظر گرفته شده بود؟

قانون‌هایی که در پادشاهی بابل برقرار شده بود، به نفع چه کسانی بود؟ آیا شما هم قانون‌های همورابی، پادشاه را «عادلانه» و «خوب» می‌دانید؟ چرا؟ بر اساس قوانینی که روی تخته سنگ نوشته شده و نیز تصویری که در بالای آن هست، درباره‌ی نقش مذهب در پادشاهی بابل چه چیزهایی می‌توان گفت؟ من همورابی، پیشوایی که از جانب خدا تعیین شده، اولین پادشاهی که آبادی‌های فرات را تسخیر کرد. من حق و عدالت را بر لبان کشور جاری ساختم و به مردم خیر و برکت دادم. از این به بعد:

اگر کسی اموال پرستشگاه و یا پادشاه را بدزدد، او را باید کشت. کسی را هم که اشیای دزدی شده را مورد استفاده قرار دهد، باید کشت.

اگر کسی برده‌ای (غلام یا کنیزی) را بدزدد، او را باید کشت.

اگر کسی به برده‌ای فراری پناه بدهد، او را باید کشت.

اگر کسی داغ^۱ برده‌ای را پاک کند، انگشتانش را باید برید.

اگر کسی باعث مرگ برده‌ی کسی دیگر شود، باید به جای هر

برده، يك برده به او بدهد.

۱- داغ علامتی بود که روی بدن برده می‌گذاشتند و این علامت نشان می‌داد که برده مال کیست.

اگر کسی باعث مرگ گاو کسی دیگر شود، باید به جای هر گاو، يك گاو به او بدهد.

اگر کسی قرض خود را نداده باشد، زن، پسر و دختر او باید سه سال بردگی کنند.

اگر کسی به يك شخص عادی سیلی بزند، باید جریمه پردازد.

اگر کسی به يك مقام عالی (مانند عالی جناب‌ها، کاهن‌ها و غیره)

سیلی بزند باید با شلاق از پوست گاو، ۶ ضربه به او زده شود.

در پایان گفته شده: «من همورابی، پادشاه عادل هستم که خدای

آفتاب این قانون‌ها را به او بخشیده است. سخنان من عالی و اعمال من بی همتا است ...»

پرسش و تمرین

۱. کداميك از شرایط جغرافیایی بابل سبب ترقی آن شد؟

۲. چرا و برای چه، در امپراطوری بابل قانون بوجود آمد؟

۳. با استفاده از تصویر رنگی شماره ۶، که بابل را نشان می‌دهد، و

با استفاده از شرح مربوط به این تصویر، داستانی درباره‌ی بابل قرن ششم قبل از میلاد بنویسید و شرح دهید که در بابل، ساختمانها و خیابانها به چه صورت بوده، دیوارهای قلعه‌هایش چگونه بوده و خلاصه درباره‌ی مردم آن چه چیزهایی می‌توان گفت.

۴. حساب کنید که همورابی چندسال پادشاهی کرد. چندسال قبل از این،

پادشاهی او شروع شد؟ چندسال قبل از این، پادشاهی او به پایان رسید؟ تقریباً در آن سالهایی که همورابی در بابل پادشاهی می‌کرد، چه اتفاق‌هایی در مصر افتاد؟

www.adabestanekave.com

بند ۱۲

دانش علمی و هنر در میان دورود باستان

به یاد بیاورید که شما درباره‌ی کدام يك از علوم مصر باستان چیزهایی می‌دانید.

چگونه و چرا این علوم به وجود آمدند (بند ۱۳، ماده ۳ و ۴).

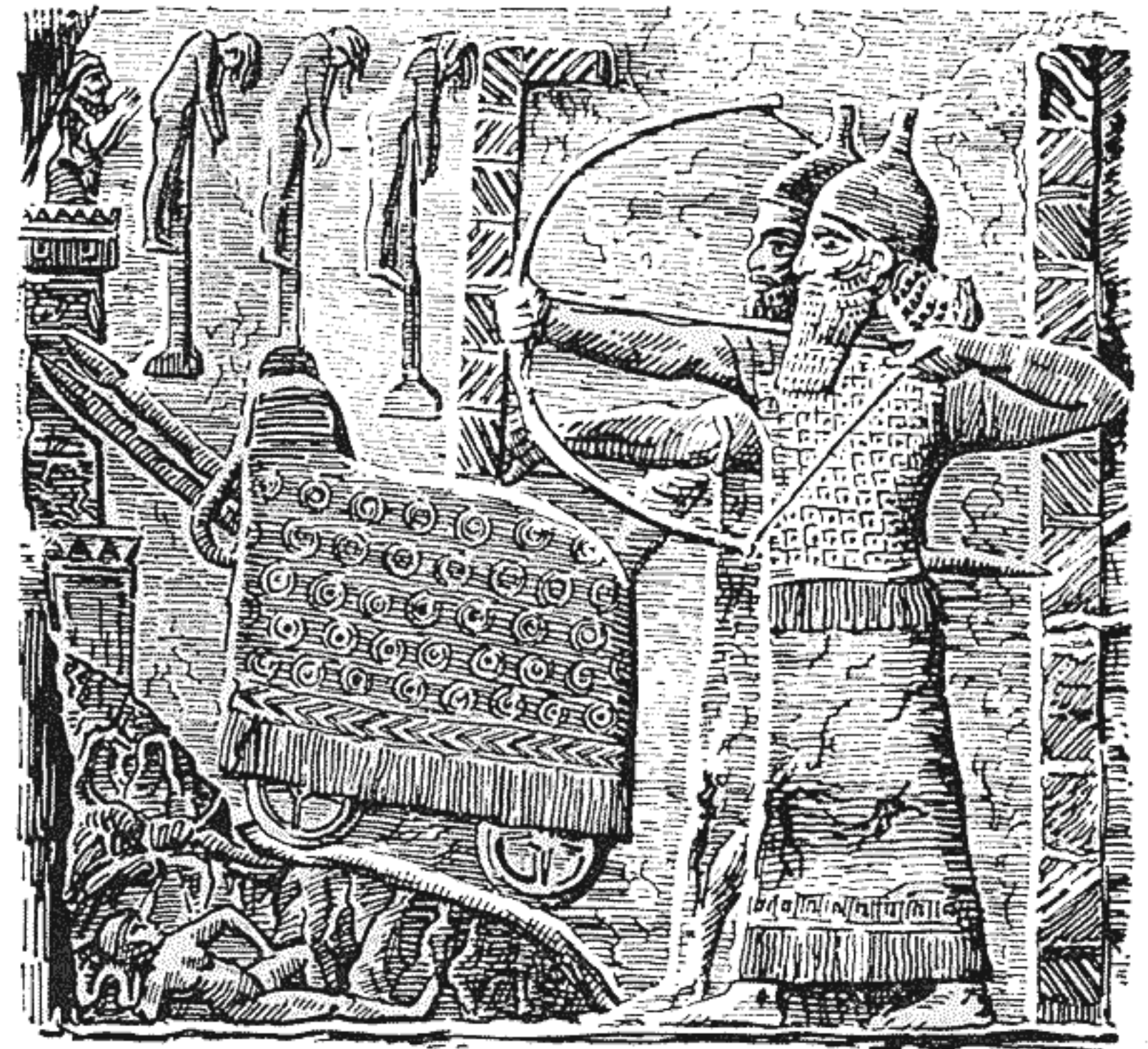
۱- زمین‌کنی و کاوش در نینوا

تا صدسال پیش، دانشمندان درباره‌ی تاریخ میان‌دورود در دوران باستان چیزهای خیلی کمی می‌دانستند. اما، از میانه‌ی قرن نوزدهم به بعد، زمین‌کنی‌های باستان‌شناسی بزرگی در میان‌دورود انجام گرفت. به ویژه اینکه در نتیجه‌ی این زمین‌کنی‌ها، شهر نینوا در میان‌دورود شمالی پیدا شد که برای علم اهمیت بسیار زیادی داشت.

نینوا پایتخت دولت نیرومند بوده. پادشاهان آشور با ارتش پر عده و خوب مسلح شده‌ای که در اختیار داشتند، بابل، سوریه و فلسطین را تسخیر

کردند و حتی مصر را نیز برای مدتی کوتاه به تصرف خود درآوردند آشوریان، کشورهای تسخیر شده را بیرحمانه ویران کردند و دشمنان شکست خورده‌ی خود را به صورتهای وحشتناکی اعدام کردند. در پایان قرن هفتم قبل از میلاد، دشمنان آشور، نیروهای خود را متحد کردند و به نینوا هجوم بردند و آنرا ویران کردند.

زمین‌کنی‌های باستان‌شناسان در نینوا، داستان‌های نویسندگان باستانی را درباره‌ی ویران کردن آن تایید کرد: در ویرانه‌های نینوا، همه جا آثار آتش سوزی دیده می‌شد. باستان‌شناسان، در میان ویرانه‌های کاخ بزرگ پادشاهی، نقش‌هایی^۱ پیدا کردند، که در روی سنگ نرم کنده شده بود. در روی زمین نیز، ده‌ها هزار صفحه‌ی سفالی، قرار داشت.



تصویر ۴۵. این نقش برجسته، شهری را که به وسیله‌ی آشوریان محاصره

۱. نقش یعنی تصویری برجسته در روی يك سطح هموار. بقیه در پائین صفحه بد

۴- هنر در آشور

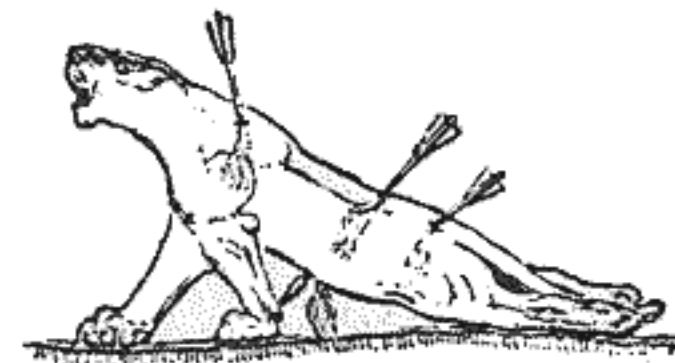
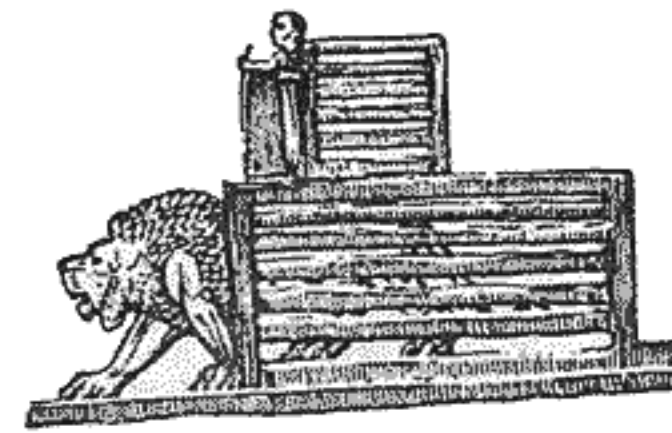
نقش‌های که در نینوا و سایر شهرهای آشور پیدا شد، بیش از هر چیز، جنگ، زد و خورد، به دست آوردن غنیمت‌ها، ویران کردن شهرها، اعدام‌ها و به بردگی بردن اسیران را نشان می‌داد (تصویر ۴۵). بسیاری از نقش‌ها، شکار شیرهایی را به وسیله‌ی پادشاه نشان می‌داد که با قفس برای سرگرمی

شده نشان می‌دهد.

→ بر بالای دیوار شهر محاصره شده، مردی دارد تقاضای بخشش می‌کند (امان می‌خواهد). در کنار دیوار، منجنیق چرخ‌داری دیده می‌شود. (منجنیق، چوب محکمی است که در يك طرف آن فلز کوبیده‌اند. منجنیق را به يك پایه آویزان می‌کنند، بعد پایه را به طرف دیوار می‌برند. سربازان، منجنیق را تکان می‌دهند و آن را به دیوار می‌کوبند تا بدین وسیله، دیوار را خراب کنند. در قسمت جلو پایه، جایگاهی قرار دارد که برای فرمانده است. آشوری‌ها، اغلب، این پایه را باروکشی از پوست که دکمه‌های مسی داشت، می‌پوشاندند.) در طرف راست تصویر، سربازان آشوری دیده می‌شوند که بر تن یکی از آن‌ها زرهی از ورقه‌های فلزی دیده می‌شود. سرباز دیگر، سپری به بزرگی يك انسان در دست دارد که از میله‌های بهم بافته، درست شده. بر روی دارها اسیران شکنجه شده قرار دارند. در پایین تصویر، انسان کشته شده و غارت شده‌ای دیده می‌شود. تصویرهای روی این نقش، دارای اندازه‌های مختلفی است: سربازان آشوری خیلی بزرگ هستند، منجنیق خیلی کوچک است، سربازان دشمن و دیوارهای قلعه دشمن هم رویهم رفته کوچک هستند.

او آورده بودند.

هنرپیکر تراشی، به
درجه‌ای از مهارت
رسیده بود که می‌توانست
حالت حیواناتی را که
تیر بدن آنها را سوراخ
کرده بود و از شدت
زخم داشتند می‌مردند و
با خشم شدید به
شکارچی حمله
می‌کردند، نشان بدهد.
نقش‌ها می‌بایست
چنان باشند که پادشاه
هان آشورا خوب
جلوه دهند، نیروی
ارتش را نشان بدهند
و دشمنان را دچار
وحشت سازند.



تصویر ۴۶ و ۴۷. پادشاه آشور در شیرهایی را که با قفس برای سرگرمی‌های
شاهانه آورده شده‌اند، شکار می‌کند (نقش برجسته‌ی باستانی).

۳- خط میخی، دکتاخانه‌ی کتابهای سفالی،

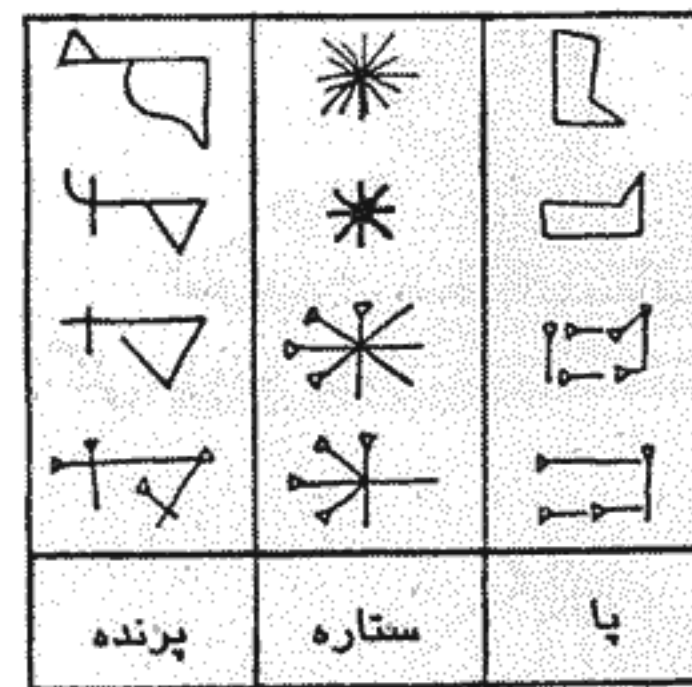
صفحه‌های سفالی‌یی که در جریان زمین‌کنی‌ها باستان‌شناسان پیدا
شده ابتدا زیاد مورد توجه قرار نگرفت، در صورتیکه این صفحه‌ها برای
علم تاریخ، اهمیت زیادی‌تری از نقش‌ها داشت. این صفحه‌ها، یادگارهایی
نوشته‌ای از تاریخ میاندورود و کشورهای همسایه‌ی آن بود.



تصویر ۴۸. صفحه‌ای سفالی
(گلی) با خط میخی.

در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد بود که در میاندورود نوشتن اختراع
شد. در ابتدا، در اینجا هم مانند مصر، به وسیله‌ی تصویر می‌نوشتند. در میاندو-
رود پاپیروس وجود نداشت و نوشتن در روی صفحه‌هایی از گل نرم انجام
می‌گرفت. در کنار کسی که می‌خواست بنویسد، مقداری گل قرار داشت که
او به اصطلاح «کاغذ» مورد نیاز خودش را از آن درست می‌کرد. وقتی
که صفحه‌ی گلی نوشته می‌شد، برای اینکه، آن صفحه، سفت و محکم
شود، آنرا یا در آفتاب خشک می‌کردند و یا در آتش می‌پختند.

تصویر کشیدن در روی گل، سخت بود. برای این کار، چوب کوچک نوک تیزی را روی صفحه‌ی گلی با فشار می کشیدند و تصویرهایی از چند شکل کوچک شبیه به میخ به وجود می آوردند. کم کم این تصویرها به علامت‌هایی تبدیل شد که دیگر تصویرهای نخستین را به زحمت، به یاد می آورد (تصویر ۴۹). در علامتی یا نشان دهنده‌ی يك کلمه‌ی کامل بود، یا نشان دهنده‌ی يك هجا از يك کلمه. تعداد این علامت‌ها بر روی هم، در حدود هزار تا بود. این گونه نوشته را خط میخی می گویند.



تصویر ۴۹- تبدیل خط تصویری به خط میخی.

در اعماق دوران باستان، بابلیان حرکات ستارگان آسمان را زیر نظر می گرفتند. آنها می توانستند، گرفتن خورشید و گرفتن ماه را پیشگویی کنند. آنها، سال را به ماهها و هفته‌ها و شبانه روز را به ساعت‌ها و دقیقه‌ها تقسیم کرده بودند. (علمی که حرکت ستارگان آسمان را بررسی می کند، چه نامیده می شود؟).

در «کتابخانه»ی نینوا، آثاری درباره‌ی علم پزشکی وجود داشت که راه معالجه‌ی مرض را شرح می داد.

اما باید به یاد داشت که دانش مردم باستان، از علم امروزی خیلی به دور بود. بابلیان خیال می کردند که آسمان سرپوش بزرگی است که در آن پنجره‌هایی وجود دارد، وقتی این پنجره‌ها باز می شود، باران بر روی زمین می ریزد. آنها خورشید، ماه و پنج سیاره را بخدا می دانستند. به نظر آنها، هر يك از این خداها مخصوص يك روز از هفته بود. در آثار پزشکی، گذشته از اندرزهای مفیدی که داده شده بود، «داروهای» نیز مانند زبان موش، موی سگ، گوش گاو نر زرد رنگ معرفی شده بود.

خط میخی در میان دورود جنوبی به وجود آمد و سپس در کشورهای همسایه‌ی آن رواج پیدا کرد.

در میان ویسرانه‌های نینوا، يك «کتابخانه»ی کامل از «کتابهای سفالی» پیدا شد. در روی صفحه‌های گلی، وقایع سال، فرمان‌های پادشاه، آثار علمی، قانون‌ها، حکایت‌ها و بسیاری چیزهای دیگر نوشته شده بود. دانشمندان، خط‌های میخی را خوانده اند و اطلاعات زیادی درباره‌ی تاریخ میان دورود باستان و از جمله در باره‌ی دانش‌های علمی بابلیان و آشوریان به دست آورده اند.

۱. زمین‌کنی‌های باستان‌شناسان را در میان‌دورود شرح بدهید.
۲. شما از فصل سوم چه چیز تازه‌ای درباره‌ی دولتهای برده دار یاد گرفتید؟
۳. ثابت کنید که برده داران بابل و آشور از مذهب و هنر برای محکم کردن پایه‌های حکومت خود استفاده می‌کرده‌اند.
۴. چرا افسانه‌ی «طوفان جهانی» در میان‌دورود به وجود آمد و نمی‌توانست در مصر به وجود آید.

در روی صفحه‌های سفالینی که در نینوا پیدا شده، داستانی درباره‌ی طوفانی جهانی نوشته شده. در این داستان، شرح داده شده که گویا خدایان يك وقتى تصمیم گرفتند که مردم را نابود کنند. چند روزی پی‌درپی باران بارید، سرتاسر زمین غرق در آب شد، مردم نابود شدند، اما یکی از مردم را خدا (یکی از خدایان)، به خاطر اینکه فرمانبردار بود و قربانی‌های فراوان می‌کرد، دوست می‌داشت. خدای یاد شده، این شخص را قبلاً از آمدن طوفان با خبر کرد. این شخص هم رفت و يك کشتی برای خود ساخت. او تمام افراد خانواده‌ی خود و نیز حیوانات و پرندگان را به درون کشتی برد: تمام آنها از طوفان نجات پیدا کردند.

این داستان به خاطر طغیان ویران‌کننده‌ای که در میان‌دورود جنوبی رخ داد ساخته شده: دجله و فرات در اثر این طغیان یکی شدند و سیل عظیمی به وجود آوردند، مردم آنجا هم خیال کردند که آب تمام دنیا را غرق کرده است. این داستان از میان‌دورود به کشورهای دیگر رفت و پراکنده شد.

ترس و وحشت در مقابل نیروهای طبیعت، اعتقاد به خدایان را در مردم محکم‌تر کرد. کاهنان از این موضوع استفاده کردند و مردم را تهدید کردند که اگر در مقابل خدایان سرکشی کنند، آنها هم طوفان جدید و بلاهای دیگری به زمین خواهند فرستاد.

www.adabestanekave.com

فصل چهارم

هند باستان

بند ۱۸

تشکیل طبقه‌ها و دولت در هند

(به نقشه‌ی همراه کتاب نگاه کنید)

۱ - طبیعت و موقعیت هند

در جنوب شرقی میان‌دورود، سرزمین هند قرار دارد. سرزمین هند شامل شبه جزیره هندوستان و قسمتی از قاره‌ی آسیا است که به آن چسبیده است

در شمال هند، کوه‌های هیمالیا که بلندترین کوه‌های جهان است،

قرار دارد. این کوه‌ها، همیشه پوشیده از برف است. در دوران باستان، کوه‌ها، راه هند را بسته بودند. فقط در شمال غربی هند، راه‌های مناسبی وجود داشت که به کشورهای دیگر می‌رفتند.

تقریباً، تمامی شبه جزیره‌ی هندوستان را فلات (بلندی هموار) تشکیل می‌دهد. بین فلات و کوه‌های هیمالیا، جلگه‌های پست قرار دارد.

در قسمت غربی این جلگه، رود هند جریان دارد، که نام هندوستان نیز از آن گرفته شده. در شرق (خاور) جلگه، رود گنگ (Gang) جریان دارد. هر دوی این رودها از کوه‌های هیمالیا سرچشمه می‌گیرند و هنگامی که برف‌های این کوه‌ها آب می‌شوند، آن‌ها به شدت طغیان می‌کنند.

در سرزمین هند، که کوه‌های هیمالیا آن‌را از گزند بادهای سرد شمالی حفظ کرده، حتی در زمستان‌ها نیز هوا گرم است. در جاهایی که آب وجود دارد، درختان و بوته‌ها، انبوه و ارمی رویند. با این حال، در سرزمین هند باران به صورت ناهماهنگی می‌بارد.

در دره‌ی هند، باران خیلی کم می‌بارد. در این دره، دشت‌هایی قرار دارند. اما در دره‌ی گنگ، تابستان‌ها، باران‌های شدیدی می‌بارد. در دوران باستان، این دره پوشیده از مرداب و جنگل‌های غیر قابل عبور درختان و گیاهان گرمسیری بود. در این جنگل‌های انبوه، پلنگ، ببر، فیل و گاومیش زندگی می‌کردند. به ویژه مارهای زهرداری که بیشتر اوقات در این جنگل‌های انبوه و مرداب‌ها پیدا می‌شد، برای انسان،

۳- مردم هند باستان

در هزاره‌های ۲-۳ قبل از میلاد. در ساحل‌های رود هند، شهرهای بزرگی وجود داشت (تصویر ۵۰). مردم این شهرها به کارهای کشاورزی، دامداری و برنزکاری می‌پرداختند.

تصویر ۵۰

خیابان یکی از شهرهای باستانی هند که از زیر خاک بیرون آمده، در این شهر، خانه‌های دو و سه طبقه وجود داشته.



در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، قبایل پر عده‌ی کوچ نشینان^۱ از جانب

۱. کوچ نشین‌ها، گروهی از مردم هستند که با تمام مال و دارایی خود، همیشه از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر کوچ می‌کنند. معمولاً کوچ نشینان دامدار هستند. هنگامی که دام‌های آن‌ها علف‌های يك نقطه را خورند و از بین بردند، کوچ نشینان آن‌ها را به نقطه‌ی دیگری می‌برند.

شمال غربی، به سوی هند حرکت کردند. آن‌ها خود را آریایی می‌نامیدند. این قبایل را سران انتخابی آن‌ها که راجه نامیده می‌شدند، رهبری می‌کردند. قبایل آریایی، در دشت‌های بی‌انتهای گله‌های دام و رومهای اسب خود را پیش می‌رانند. آن‌ها، درحالی که به طرف شرق و جنوب پیشروی می‌کردند، به تدریج در سرزمین هند ساکن می‌شدند و با مردم سابق آنجا می‌آمیختند. آریایی‌ها، از وقتی که شروع به کار کشاورزی کردند، به شکل زندگی «بوم نشینی»^۱ روی آوردند.

۳- آغاز کار در روی آهن (آهن‌گری).

تقریباً در هزار سال قبل از میلاد، هندیان نیز مانند بسیاری از مردم کشورهای دیگر، آهن را کشف کردند و کار کردن در روی آن را یاد گرفتند؛ ابتدا، از سنگ و گل، کوره‌ای درست می‌کردند، بعد این کوره را از ذغال چوب و سنگ آهن پر می‌کردند. پس از سوختن ذغال‌ها، در درون کوره، قطعه‌ی کلوخه مانندی از آهن درست می‌شد. آهن‌گران، این تکه آهن را می‌کوبیدند و از آن ابزار کار و اسلحه (جنگ

۱. بوم نشین‌ها، گروهی از مردم هستند که برعکس کوچ نشین‌ها، همیشه در یکجا زندگی می‌کنند. (اهالی شهر و اهالی روستا را بوم نشین می‌گویند - مترجم.)

افزار می ساختند. کار در روی آهن، تأثیر زیادی در تکامل کشاورزی، صنعت و دریا نوردی داشت. آهن بیشتر از مس، در طبیعت یافت می شد. بدینجهت، خیلی ارزان تر از مس بود. هم کشاورزان و هم صنعتگران می توانستند ابزار کار آهنی داشته باشند. گذشته از این، آهن محکم تر از برنز بود. خیش هایی که تیغی آهنی داشت، گذشته از زمین های نرم دره های رودخانه، زمین های سخت دشت را هم می توانست شخم بزند. بیل های آهنی، تندتر از قبل، زمین را می کند، باتبر، اسکنه و سایر ابزار کار آهنی، آسان تر می شد، کلبه، کشتی و گاری ساخت.

۴- آباد کردن دره ی گنگ



تصویر ۵۱. يك كانال باستانی در هند که تا زمان ما باقیمانده . در ساحل های این کانال دستنی های گوناگون هند دیده می شود.

هندیان، گذشته از غله، نیشکر و پنبه نیز پرورش می دادند. آن ها از پنبه پارچه هایی می بافتند که هم محکم بود و هم آنقدر نازک بود که يك پیرهن آن را می شد از سوراخ حلقه ی يك انگشتر رد کرد. کاشتن و پرورش پنبه، از هند به کشور های دیگر هم رفت و رواج پیدا کرد.

هندیان گذشته از گاو میش، فیل را نیز اهلی کردند. در واقع، آن ها حیوانات خیلی بزرگ (عظیم الجثه) را مجبور کردند که از انسان اطاعت کند

در برابر مردمی که تبر و بیل آهنی داشتند، دیگر جنگلی در دره ی گنگ باقی نماند، آن ها هرچه بیشتر، زمین ها را برای کشتزار آماده می کردند، گیاه ها را می بریدند، درختان را از ریشه در می آوردند و در روی زمین، کانال می کردند. زمین های حاصلخیز دره ی گنگ، در اثر زیادی رطوبت، محصول های گوناگونی می داد.

www.adabestanekave.com

و کارهای سنگین را برای او انجام دهد، درخت‌ها را از جا بکند و نیز آدم‌وبار حمل کند. فیل‌ها در جنگ نیز شرکت می‌کردند. آن‌ها یاد گرفته بودند که چگونه سربازان دشمن را با خرطوم بگیرند، با دندان خود به او ضربه بزنند و زیر لگد او را له کنند.

کم‌کم، هندیان، با کار پی‌گیر خود، طبیعت ثروتمند سرزمین خود را که خطرات زیادی نیز برای آن‌ها در برداشت، رام کردند.

۵- چگونه دولت در هند تشکیل شد

سرانجام، نتایج اصلی کار مردم هند به چنگ «راج‌ها» و ریش سفیدان افتاد. آن‌ها از کشاورزان می‌خواستند که قسمتی از محصول و همچنین بچه‌های دام‌ها را به آنها بدهند. راج‌ها و ریش سفیدان، اسیران را به برده تبدیل کردند، یعنی آن‌ها را مجبور می‌کردند که زمین را از بوته‌ها پاک کنند و آن را شخم بزنند. راج‌ها و ریش سفیدان به برده‌دار تبدیل شدند. آن‌ها برای اینکه بتوانند برده‌ها و کشاورزان را مجبور به اطاعت کنند، برای خود، گروه سربازان مسلح جمع می‌کردند.

گروه سربازان مسلح، کم‌کم به ارتش دایمی تبدیل شد.

آن دسته از نوکران راج‌ها که مواظب برده‌ها بودند، به نگهبان

یا مراقب تبدیل شدند.

نوکرانی که از کشاورزان غله و دام برای راج‌ها می‌گرفتند، به مأمور یا مالیات بگیر تبدیل شدند.

خود راج‌ها هم پادشاه شدند.

بدین ترتیب در هر هزاره‌ی اول قبل از میلاد، در هند دولتی تشکیل شد که دارای پادشاهان، ارتش، مأموران و نگهبانان بود.

برده‌داران به خوبی می‌فهمیدند که وجود دولت برای حفظ ثروت و زندگی آن‌ها لازم است. آن‌ها می‌گفتند: «اگر پشتیبانی پادشاه نباشد، ثروتمندان دچار مرگ و تعقیب خواهند شد».

پرسش و تمرین :

۱. کدامیک از شرایط طبیعی هند سبب توسعه‌ی اقتصاد آن کشور، در دوران باستان گردید؟ سختی زندگی در هند باستان در چه چیزی بود؟
۲. کدام دسته از مردم را کوچ نشین و کدام دسته از آن‌ها را بومی نشین می‌گویند؟

۳. کار در روی آهن (ساخته و پرداخته کردن آن) چه تأثیری در زندگی مردم داشت؟

۴. هندیان باستان، چه پیشرفت‌هایی در اقتصاد به دست آوردند؟

۵. چرا در هند، دولت تشکیل شد؟ چه کسانی علاقمند به تشکیل دولت بودند؟

۱. توسعه‌ی اقتصادی، به طور کلی یعنی بالا رفتن سطح تولید جامعه.

مترجم.

هندیان باستان، خدای رعد و برق، خدای خورشید و بسیاری خدایان دیگر را می‌پرستیدند. آنان خدای برهما را سازنده‌ی جهان و انسان می‌دانستند. کاهنان هند، برهمن نامیده می‌شدند.

برهمن‌ها به مردم تعلیم می‌دادند که خدا انسان را از قسمت‌های مختلف بدن خود خلق کرده. او از لبان خودش، برهمن‌ها را خلق کرده، بدینجهت آن‌ها می‌توانند دربارهی نام‌های خدایان حرف بزنند. برهما، از دست‌های خودش سربازان و ازاران‌های خودش کشاورزان و صنعتگران و از پاهای خودش که گل آن را چرك و کثیف کرده بود، «شودرا» ها یا نوکرها را خلق کرده. بدین ترتیب برهمن‌ها به مردم می‌آموختند که خدا خودش مردم را به چهار کاست (گروه) تقسیم کرده و این چهار کاست از نظر کار و وظیفه‌ای که باید انجام دهند، با یکدیگر تفاوت دارند.

هر کس باید در تمام زندگیش در همان کاستی باقی بماند که خدای برهما برایش تعیین کرده. بچه‌های او نیز باید در همان کاست باقی بمانند: پسر برهمن، برهمن به دنیا می‌آید و پسر شودرا، شودرا به دنیا می‌آید.

بند ۱۹

اعتقادات مذهبی و فرهنگ^۱ هندیان باستان

به یاد بیاورید که نقش مذهب در مصر باستان (بند ۱۱) و بابل (تصویر ۴۴ و بند ۱۷، ماده‌ی ۵) چه بود.

۱. داستانی درباره‌ی آفرینش انسان

طبیعت هند و پیدایش نا برابری در میان هندیان، در مذهب آنان نیز منعکس شده.

www.adabestanekave.com

۱. فرهنگ هر جامعه عبارت است از مجموع تمام ساخته‌های مادی و معنوی آن جامعه. فرهنگ به دو بخش تقسیم می‌شود: فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی. فرهنگ مادی عبارت است از وسایل تولید به اضافه‌ی تمام اشیایی که جامعه می‌سازد. فرهنگ معنوی عبارت است از علم، هنر، مذهب، سنت و سازمان‌های اجتماعی. در اینجا بیشتر منظور فرهنگ معنوی است. مترجم.

برهمن‌ها می‌گفتند که خدا برای مردم قانونی گذاشته (وضع کرده) که افراد هر کاست باید به کار خود بپردازند و چنانکه باید رفتار کنند. (قانون‌هایی را که پیوست بند ۱۹ است بخوانید و به پرسش‌ها جواب بدهید.) زندگی‌اشود راها خیلی سخت بود، با این حال، وضع «غیرقابل لمس‌ها» که جزو هیچیک از کاست‌های اصلی نبودند، از آن‌ها هم سخت‌تر و تحقیرآمیزتر بود. تصور می‌شد که حتی اگر کسی به آن‌ها دست بزند، خودش هم نجس می‌شود. بچه‌های اشخاص غیرقابل لمس هم از روز تولد نجس و نا پاک بودند. غیرقابل لمس‌ها می‌بایست بدترین کارها را، مانند جمع کردن کثافت و کندن پوست از لاشه‌ی حیوانات، انجام بدهند.

در همان دوران باستان هم، در هند، بودند کسانی که می‌فهمیدند، تقسیم مردم به کاست‌ها چقدر غیر عادلانه است. آن‌ها همچنین می‌دیدند که مذهب با تأیید کردن این بی‌عدالتی، چه صدمه‌های بزرگی به مردم هند می‌زند. این اشخاص با شجاعت می‌گفتند: «خدا وجود ندارد و تمام کسانی که درباره‌ی او حرف می‌زنند، دروغگو هستند». با این حال، در دوران باستان، بیشتر مردم به خدایان اعتقاد داشتند و جرأت نمی‌کردند که با بی‌عدالتی، که به وسیله‌ی خود خدایان برقرار شده بود، مبارزه کنند.

تحصیل کردن برای شودراها و غیرقابل لمس‌ها بسیار سخت بود. با وجود این، در هند باستان، آدم‌های با سواد کم نبودند. هندیان خطی اختراع کردند که فقط در حدود ۵۰ علامت (حرف) داشت. هر علامتی، يك صدای جداگانه را معین می‌کرد. بدینجهت یاد گرفتن سواد در هند، بی‌اندازه آسان تر از مصر و بابل بود.

هندیان باستان با كمك ده رقم (۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹)، چنان حساب آسان و بسیار مناسبی اختراع کردند که هم اکنون هم، تقریباً در تمام دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما این رقم‌ها را، ارقام عربی می‌نامیم، چون اروپاییان آن را از عرب‌ها یاد گرفته‌اند. اما خود عرب‌ها این رقم‌ها را هندی می‌نامند.

۴. ادبیات هند باستان

در هند باستان، ادبیات پر باری از ترانه، داستان و افسانه وجود داشت. در آغاز هزاره اول قبل از میلاد، مردم هند، ترانه‌های زیادی در

۱. منظور رقم‌های 0، 1، 2، 3، 4، 5، 6، 7، 8، 9 است. مترجم.

بارهی دلاوری پهلوانان ساختند. درمیانه‌ی هزارهی اول قبل از میلاد،
از این ترانه‌ها، منظومه^۱ بزرگی به وجود آمد. (چکیده‌ی مطالب این منظومه
در پیوست بند ۱۹ شرح داده شده.)

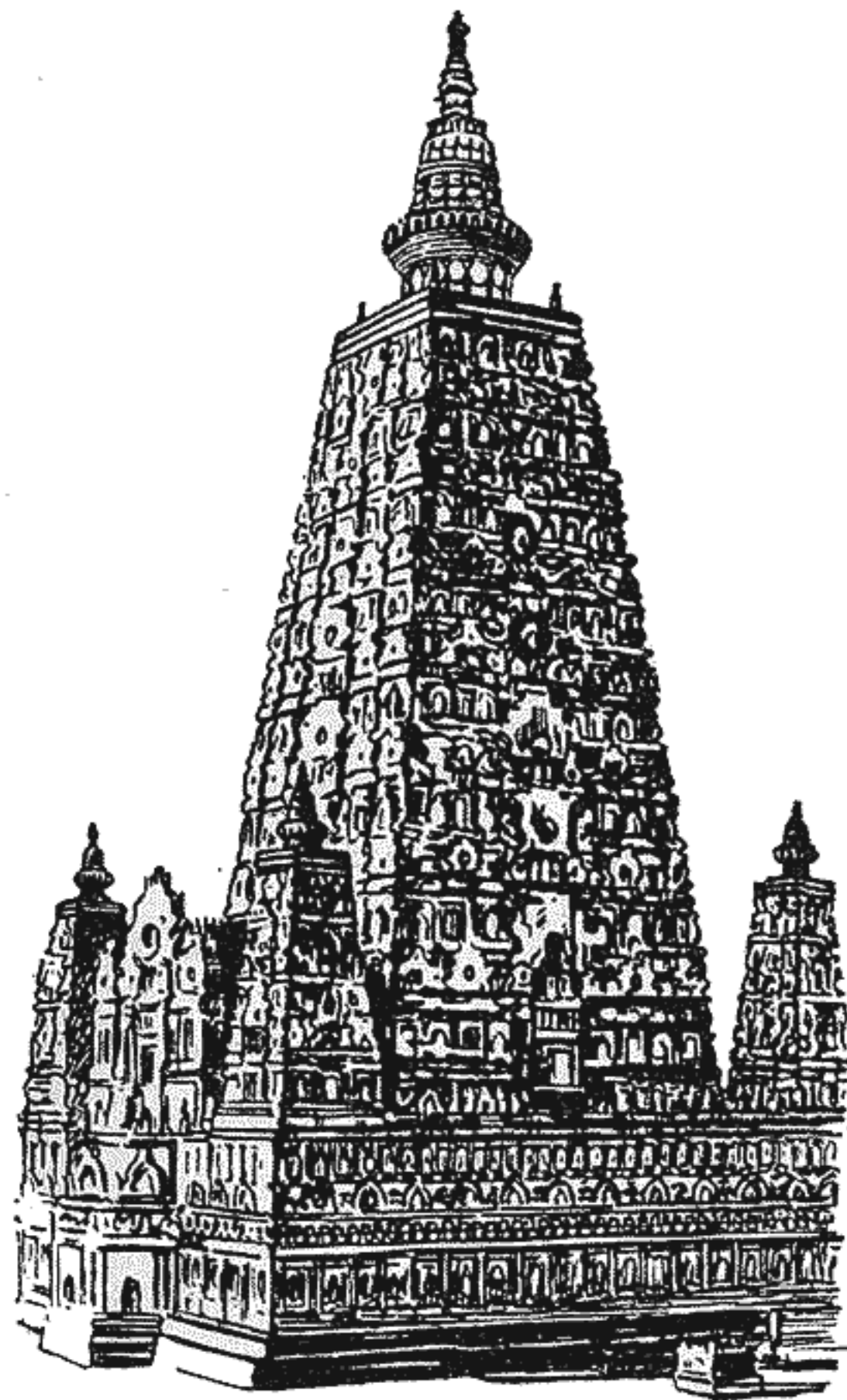
در افسانه‌های هندباستان، حرص و ولع، حماقت و چاپلوسی
مسخره شده. در یکی از این افسانه‌ها، حکایت شده که کلاغی روی شاخه‌ی
درختی نشسته بود و غذایی در نوک داشت. شغال حيله گرشروع کرد به
تعریف کردن از صدای کلاغ کلاغ احمق، قارقار کرد و غذا از نوکش افتاد.

۵. معماری و مجسمه سازی در هندباستان

پرستشگاههایی که از هندباستان به جای مانده، نشان می‌دهد،
که هندیان در آن زمان مهارت زیادی در معماری^۲ به دست آورده بوده‌اند.
برخی از این پرستشگاهها در داخل صخره (خرسنگ) ساخته
شده. هندیان برای ساختن پرستشگاهها، غارهای بزرگی در درون سنگ
کنده‌اند. آنها دیوارهای غارها را چنان صیقل داده‌اند، که سنگ مانند
آینه می‌درخشد. سایر پرستشگاههای باستانی به صورت برج‌های بلند
است (تصویر ۵۲).

۱. منظومه، یعنی داستانی که به شعر باشد - مترجم.

۲. معماری، یعنی هنر ساختن و آراستن ساختمان.



تصویر ۵۲
پرستشگاه هندی در قرن
پنجم پیش از میلاد. (ببینید،
در کجای متن کتاب در
بارهی چنین پرستشگاهها-
یی صحبت شده.)

هندیان باستان، پرستشگاهها، کاخ‌ها و میدان‌های شهرها را با
مجسمه‌های خدایان، آدم‌ها و حیوانات می‌آراستند. دروازه‌ی پرستشگاه
(تصویر ۵۳)، نمونه‌ی برجسته‌ای از هنر مجسمه سازی است. این
مجسمه‌ها، نمودار کاملی از طبیعت رنگ به رنگ و ثروت مند هند است:
هم گیاهان و نباتات آن و هم حیواناتش.



تصویر ۵۴ - قسمت بالای يك ستون سنگی که مربوط به قرن سوم قبل از میلاد است. بلندی این ستون به پنجاه متر می‌رسد. در بالای آن، مجسمه‌ی چهار شیر قرار دارد. در حال حاضر، تصویر این مجسمه، نشان رسمی جمهوری هند است.

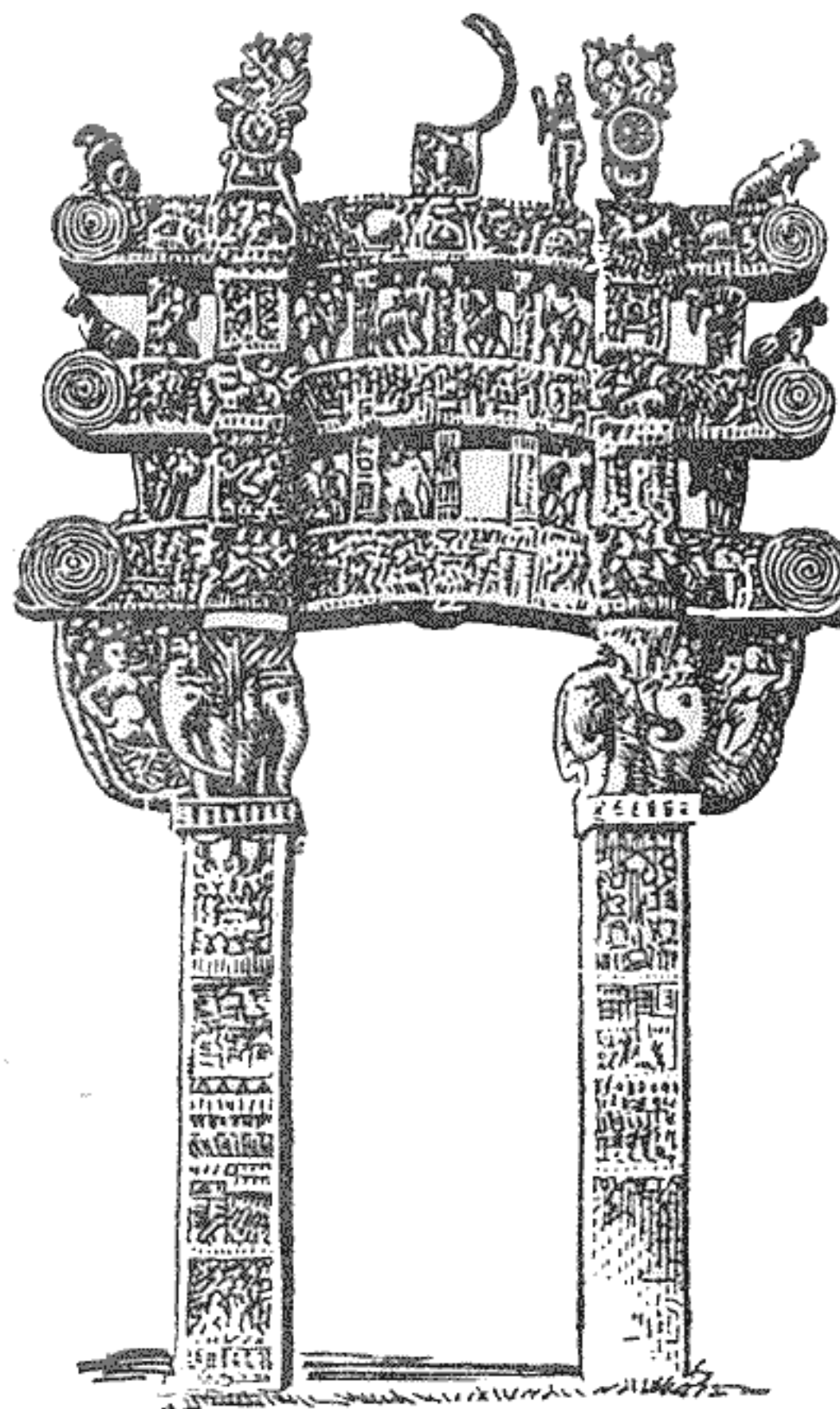
هند، زادگاه بازی شطرنج است. مهره‌های شطرنج، ارتش هندوستان را نشان می‌دهند. در پیشاپیش سپاه، پیاده نظام (سرباز پیاده) ایستاده است. در مرکز سپاه، شاه و سرکرده‌های جنگی عمده قرار دارند. در کنار آنها، فیل‌ها و پشت سر آنها سواره نظام است.

خلق هند، در دوران باستان، فرهنگ عظیمی (خط، علم و هنر) به وجود آورد. بسیاری از آنچه را که هندیان به وجود آورده بودند، مورد استفاده‌ی خلق‌های دیگر جهان نیز قرار گرفت.

* * *

بخشی از قوانین برهمن‌ها

(بر اساس متن قانون‌ها، ثابت کنید که در هند باستان، مذهب، نابرابری بین مردم را محکم و استوار می‌کرده. برهمن‌ها، به جز مذهب، از چه وسایل



تصویر ۵۳ - دروازه‌ی پرستشگاه، مربوط به قرن اول پیش از میلاد. دروازه‌ای است که از سنگ تراشیده شده و توری شکل (مشبك) به نظر می‌رسد. این دروازه با پیکره‌های (مجسمه‌های) زیادی از انسان، حیوان و رستنی‌ها آراسته شده.

مجسمه‌ی چهارشیری (تصویر ۵۴) که بر روی ستون بلندی که با دقت صیقل شده، قرار دارد، بسیار استادانه ساخته شده.

www.adabestanekave.com

دیگری برای محکم و استوار کردن فرمانروایی خود، استفاده می کردند ؟
وضع زنان، طبق قانون برهمن ها چگونه بود ؟

برهمن چون از بهترین قسمت بدن خدا درست شده، بنابراین آقای تمام جهان است. برهمنان هر چیزی را که بخواهند، باید بدون ذره ای دریغ به آنها داد.

تنها شغلی که خدا برای شود را تعیین کرده، این است که تاهنگام مرگ به کاست های بالا خدمت کنند.

خدا، پادشاه و سربازان را برای حفظ کردن تمام جهان درست کرد. در دهان شود رایی که با لحن توهین آمیزی بزرگان را صدا کند، باید میله ای داغ آهنی فرو کرد. در دهان و گوش شود رایی که با برهمن درشتی کند، بنا به دستور پادشاه، باید روغن داغ در حال جوش ریخت.

شود رایی که بخواهد با دست و پا با چوب به برهمن بزند، باید دستش را برید و اگر بخواهد با خشم لگد بزند، باید پایش را برید. برهمن را به جای اعدام کردن، فقط باید سرش را تراشید. سه کس مالک چیزی به حساب نمی آید: زن، پسر و برده. این اشخاص خود به هر کس متعلق باشند، دارائیشان هم مال او است.

* * *

منظومه ی هند باستانی «ماه باب ها راتا»

(شرح مختصر)

در منظومه، از مبارزه ی بین دو خانواده ی راجه ی خویشاوند،

برای به دست آوردن حکومت، حکایت شده. پنج برادر خانواده ی «پانداو»، از مدت ها پیش، پدرشان را از دست داده بودند. عمو (دایی) و پسر عموها (پسر دایی ها) ایشان آنها را از زادگاهشان بیرون کردند. پانداوها، وقتی که بزرگ شدند، به پهلوانان نیرومندی تبدیل شدند. پادشاه کشور همسایه اعلام کرد که دخترش را به کسی شوهر خواهد داد که تیر به چشم ماهی کوچک طلایی بی بزند که از درخت آویزان است. در جلو ماهی کوچک هم، چرخ پره داری در حال چرخیدن بود. از سراسر هند، جوانان را برای مسابقه گرد آوردند. یکی از برادران پانداو، توانست تیر را به چشم ماهی کوچک بزند و در نتیجه او با شاهدخت عروسی کرد.

پانداوها دارایی خود را به دست آوردند، اما برادر بزرگ آنها، در قمار با طاس، بازنده شد و نه تنها تمام دارایی خود را، بلکه خودش، برادرانش و شاهدخت را نیز باخت. تمام آنها به برده تبدیل شدند. شاهدخت را به دستور صاحب جدیدش، تا کاخ، با موی سر، بر زمین کشیدند.

بعداً، برادرها آزاد شدند، اما نتوانستند راه امنی برای بازگشت به سر زمین خودشان پیدا کنند.

بین پانداوها و پسر عموهای (پسر دایی های) آنها، جنگ مرگ و زندگی آغاز شد. دشمن اصلی پانداوها گفت: یا «من آنها را شکست می دهم و بر دنیا حکومت خواهم کرد، یا آنها پس از مرگ من، بر

۱. چگونه در هند دولت‌ها تشکیل شدند؟ برهمن‌ها درباره‌ی تشکیل دولت چه می‌گفتند؟
۲. داستانی درباره‌ی کاست‌ها بنویسید. چرا در نظام جماعتی نخستین، کاست‌ها نمی‌توانستند به وجود بیایند؟
۳. چرا در هند، برای مبارزه با ستم، می‌بایست با مذهب مبارزه کرد؟
۴. کدامیک از ساخته‌های مردم هند باستان را ما هم اکنون مورد استفاده قرار می‌دهیم؟

دنيا حکومت خواهند کرد». يك طرف جنگ را قبایلی تشکیل می‌دادند، که طرفدار پانداوها بودند و طرف دیگر طرفدار دشمنان پانداوها بودند. جنگ بین آنها ۱۸ روز طول کشید .

در این منظومه، بسا بیان بی اندازه رسایی جریان جنگ شرح داده شده: توده‌های بزرگ مردم سخت نبرد می‌کردند، در حالی که هر دو طرف همه چیز را به جز آرزوی کشتن دشمن، از یاد برده بودند. تیرها در هوا با تیرهای دشمن برخورد می‌کرد. کالسکه‌ها با هم تصادف می‌کردند. فیل‌ها، ضربه می‌خوردند. مانند ابرسیاه، سرنگون می‌شدند و دیوانه وار دندان به هم می‌ساییدند. به نظر می‌رسید که پرندگان، در زمین، سواره‌ها را حمل می‌کنند و مارها در هوا تیرها را می‌برند. آنگاه زمین از جسد‌های کشته شدگان و لاشه‌های زخمی‌هایی که به وجود آورندگان این نبرد وحشتناک را لعنت می‌کردند، پوشیده شد.

برتری در نبردگاهی نصیب این طرف می‌شد، گاهی نصیب طرف دیگر. تا اینکه، سر انجام پانداوها پیروز شدند. آن‌ها پادشاه شدند و زمین‌ها را تا کنار خود دریا تصرف کردند.

منظومه‌ها، افسانه‌ها و داستان‌های هندیان باستان در تمام جهان مشهور است. داستان «نال و دامایانتي» را که در «ماهابها راتا» آمده است، و.آ. ژوکوفسکی شاعر به روسی ترجمه کرده.

سرچشمه می گیرند .

رود «هو آن هه» ، هنگام خشکسالی کم آب می شود ، ولی پس از باریدن باران طغیان می کند و دهها و حتی صدها کیلومتر از دشت های اطراف را غرق در آب می نماید .

ساحل های رود هو آن هه از خاک زردی تشکیل شده ، که چیزی شبیه شن سبک و فشرده زرد رنگ است . آب به آسانی خاک زرد را می شوید و با خود می برد . بدینجهت ، در هنگام طغیان ، ساحل ها خراب می شوند . این زود بارها و بارها بستر خود را عوض کرده : یعنی پس از طغیان ، رود در بستر جدیدی جاری شده که گاهی از محل سابق آن ، فاصله ی زیادی داشته .

معمولا اگر مقدار رطوبت کافی باشد ، خاک زرد ، خیلی حاصلخیز است .

در چین ، در ساحل های اقیانوس ، باران قابل توجهی می بارد . هرچه از دریا دورتر شویم و به طرف غرب برویم ، مقدار باران کمتر می گردد . در قسمت غرب چین . بیشتر ، خشکسالی های سخت روی می دهد .

در دوران باستان ، ساحل های رود هو آن هه ، پر از دشت و جنگل بود و در قسمت پایین رودخانه نیز مرداب های زیادی قرار داشت . در ساحل های رود «یانت سزی» هم ، زمین حاصلخیز بود . در دوران باستان ، ساحل های یانت سزی پوشیده از جنگل های انبوه بود . در غرب چین ، فلات های بلندی قرار دارد . این فلات ها را ، سلسله

www.adabestanekave.com

فصل پنجم

چین باستان

بند ۲۰

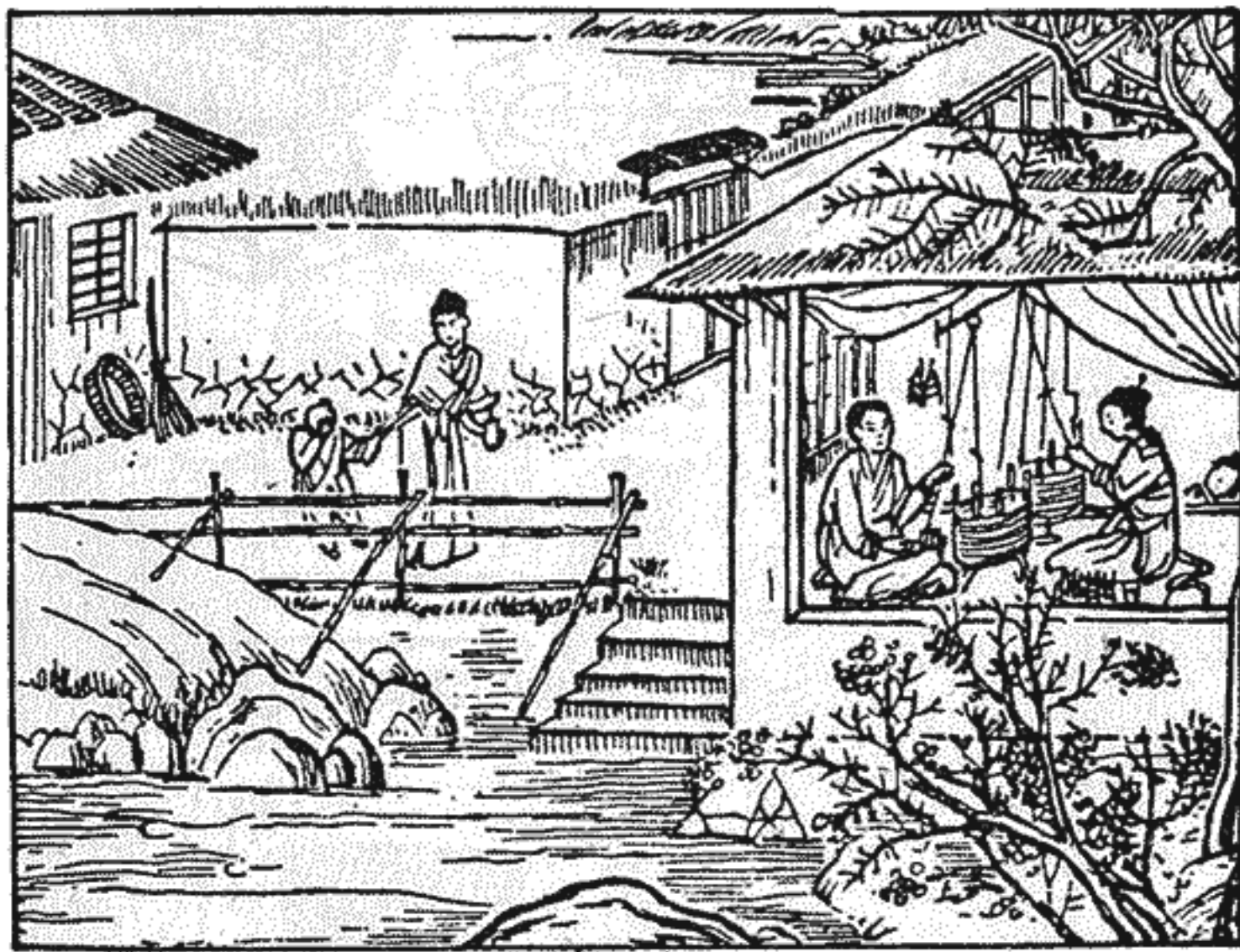
بر قرار شدن برده داری در چین باستان

(به نقشه ی همراه کتاب نگاه کنید)

۱- طبیعت چین در دوران باستان

در جنوب شرقی آسیا ، یکی از بزرگترین کشورهای جهان ، به نام چین قرار دارد . طبیعت چین بسیار رنگارنگ است . در چین شرقی (خاوری) ، در سواحل اقیانوس ، دشت وسیع چین قرار دارد . در این دشت رودهای «هو آن هه» و «یانت سزی» جریان دارد . هر دو این رودها از کوههای دور دستی که در غرب قرار دارند ،

خود، سد می ساختند و کانال می کردند. آنها، بیشتر با ابزار سنگی و استخوانی کار می کردند.



تصویر ۵۵ تولید ابریشم در چین. (این تصویر کار خود چینیان باستان است.) زن‌ها دارند رشته‌های نازک نخ ابریشم را می‌ریسند.
در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، چینیان به کاشتن گندم، ارزن، برنج، تره بار و به پرورش دام پرداختند. آنها کرم ابریشم نیز پرورش می‌دادند و از رشته‌های نازک ابریشم، پارچه‌های محکم و زیبایی بافتند. صنعتگران، مس‌کاری و برنزکاری می‌کردند و ظرف‌های سنگی می‌ساختند. مهارت زیاد صنعتگران چین، از روی چیزهایی که ساخته‌اند معلوم می‌شود.

کوه‌های پراز سنگ و صخره (خرسنگ) و پرتگاه‌های عمیقی از یکدیگر جدا می‌کند. در دوران باستان، در این فلات‌ها، بیابان‌ها و دشت‌های خشک و بی‌آبی قرار داشت که به درد کشاورزی نمی‌خورد. راه‌هایی هم که از کوه‌ها و بیابان‌ها می‌گذشت، بسیار سخت و خطرناک بود.

۲- کار و پیشه‌ی چینیان در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد

کشاورزان باستان، در زمین‌هایی که در قسمت وسط و پایین رودخانه‌ی هو آن‌ها قرار داشت و بدون جنگل بود ساکن شدند. با وجود حاصلخیزی خاک، زندگی در دشت بزرگ چین بسیار سخت بود. در هنگام خشکسالی، تمام محصول از بین می‌رفت. تازه، بسیاری از بدبختی‌ها را طغیان رود هو آن‌ها به همراه می‌آورد. هنگام طغیان، برخی روستاها، به‌طور کامل ویران می‌شدند و آدم‌ها و دام‌ها در آب غرق می‌شدند. پس از طغیان، دشت به یک بیابان شبیه می‌شد. چینیان، هو آن‌ها را «رود سرگردان»، «مصیبت چین» و «رودخانه‌ی هزار بدبختی» می‌نامیدند.

کشاورزانی که از طغیان جان سالم به در می‌بردند، به جاهای ویران شده برمی‌گشتند و از سرما و بدی هوا، به گودال‌هایی پناه می‌بردند که روی آن‌ها با شاخه پوشانده بودند. آن‌ها با تلاش و پشتکار شدید

گاهی صدها نفر آدم را دفن کرده بودند، برای اینکه، به اصطلاح به روح مرده خدمت کنند و همچنین آن را محافظت نمایند. برخی از این آدم‌ها را قبل از دفن کردن سربریده بودند و برخی دیگر را همانطور زنده دفن کرده بودند. در گور، اسب‌های کشته شده‌ای نیز گذاشته بودند.



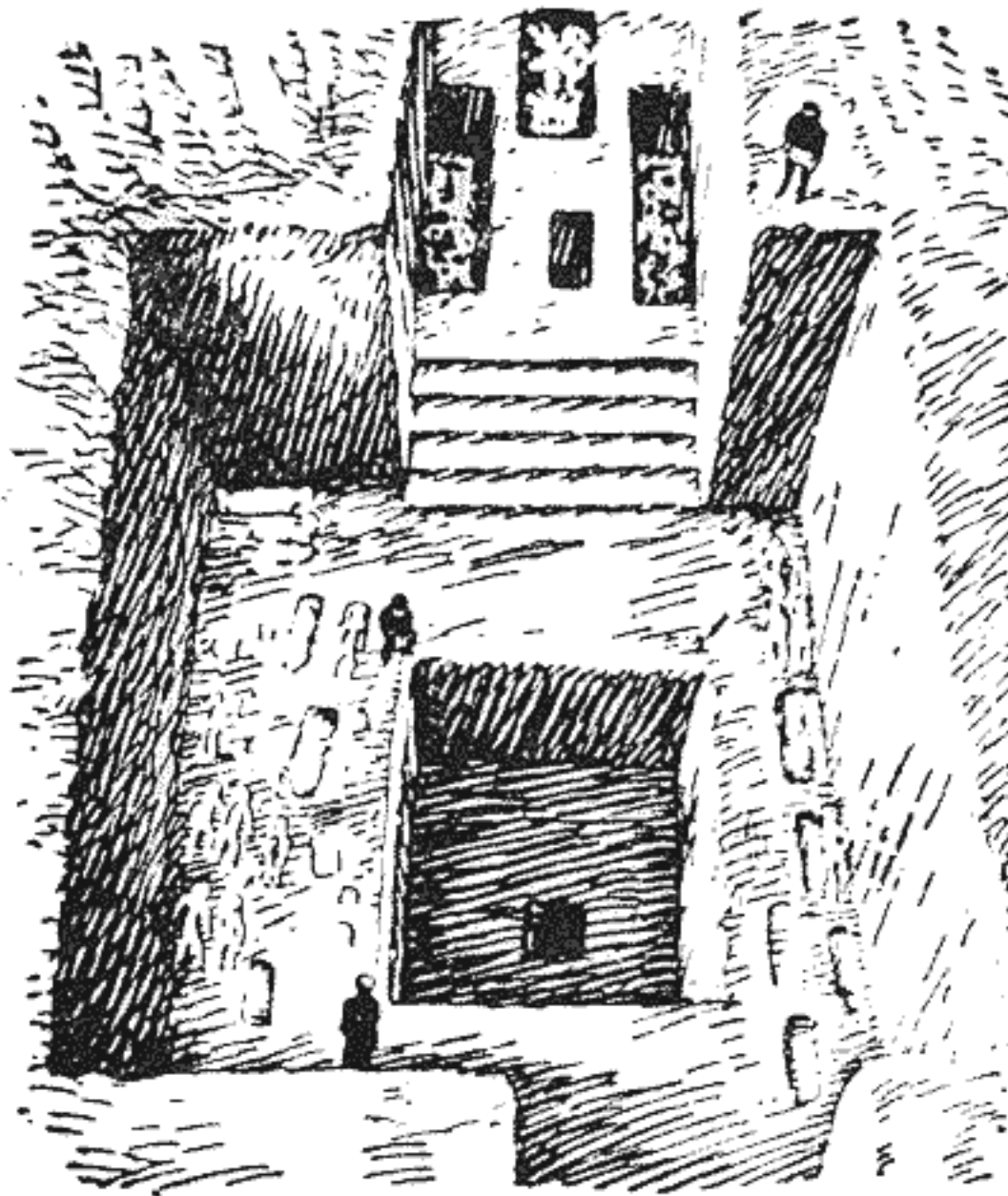
تصویر ۵۶ ظرف‌های برنزی و سنگی چین در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد.

۳. باستانی‌ترین دولت در چین

در ساحل‌های رود هو آن‌ها، باستان‌شناسان، گورها بی پیدا کرده‌اند که مربوط به هزاره‌ی دوم قبل از میلاد است.

در برخی از این گورها فقط يك جسد قرار داشت که در حصیر پیچیده شده بود و در کنار آن نیز ظرفی با غذا گذاشته بودند.

گورهای دیگری نیز بود که برای آن گودال‌های بزرگی کنده بودند. در این گودال‌ها، يك خانه‌ی کامل با سالی بزرگ ساخته بودند. در درون سالن، تابوتی گذاشته بودند که جسد مرده، در درون آن بود. در اطراف تابوت ابزارهای برنزی گران قیمت، اشیایی از طلا و ظرف‌هایی از سنگ و برنز کنده‌کاری شده قرار داشت. همراه مرده، دهها و



گور يك پادشاه چینی، مربوط به هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، که از زیر خاک پیدا شده.

در وسط گور، گودالی قرار دارد که تابوت پادشاه را درون آن گذاشته بودند، در اطراف گودال، اسکلت‌های کسانی دیده می‌شود که همراه پادشاه دفن شده‌اند. کمی دورتر از گودال اسکلت چند اسب دیده می‌شود.

در این گورها، پادشاهان دفن شده بودند (تصویر ۶۷).

یافته‌های باستان‌شناسان نشان می‌دهد که در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، در میان مردم دره‌ی هو آن‌ها، نظام برده‌داری تشکیل شده. پادگارهای نوشته‌ای نیز، تأیید می‌کند که در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، باستانی‌ترین دولت برده‌دار در چین، بوجود آمده.

در باستانی‌ترین دولت برده دار چین، رسم‌های بی‌رحمانه‌ای

وجود داشته . وحشت دایمی مردم از خشکسالی و طغیان رود، سبب شده بود که آن ها به خدایان بدکار باد و باران اعتقاد پیدا کنند . آنها برای خدایان ، برده ها را قربانی می کردند ، یعنی آنها را زنده می سوزاندند و یا به رودخانه می انداختند . نوشته هایی از آن زمان ها باقی مانده که در زمان خشکسالی نوشته شده : «برده ای را می سوزانیم تا بر زمین باران بیارد» .

بند ۲۱

متحد شدن چین در زیر فرمان يك دولت

در آن قسمت از چین که در آن ، زودتر از جاهای دیگر کشاورزی و دامداری توسعه و تکامل پیدا کرده ، دولت برده دار نیز زودتر به وجود آمده .

۱ . اقتصاد چین در هزاره ی اول قبل از میلاد

پرسش و تمرین :

کشاورزان چین باستان اگر چه برای کشتزارهایشان ، از خداتقاضای باران می کردند ، ولی باز بیشتر امیدشان به کار خودشان بود . (به «بخشی از ترانه ی کشاورزان چین» در چند صفحه بعد : نگاه کنید .)
در قرن ششم قبل از میلاد ، چینیان شروع به آهنکاری (ساختن و پرداختن آهن) کردند . با ابزار آهنی ، کارند ترا از ابزار سنگی و استخوانی انجام می گرفت

۱ - مردم چین باستان ، در مبارزه با طبیعت ، چه دشواری هایی را از میان برداشتند ؟ این دشواریها چگونه در مذهب چینیان باستان منعکس شده بود ؟
۲ - بین کار و پیشه ی چینیان باستان و کار و پیشه ی مصریان باستان چه همانندی هایی وجود داشت ؟ چه تفاوت هایی وجود داشت ؟
۳ - فکر کنید که چرا نظام برده داری در چین ، ابتدا در آن ایالت هایی برقرار شد که کشاورزی و دامداری زودتر تکامل پیدا کرده بود ؟
بر اساس یافته های باستانشناسان ، چگونه می توان درباره ی تشکیل نظام برده داری در چین قضاوت کرد ؟



تصویر ۵۸ . بیل های آهنی که به وسیله ی باستان شناسان ، در چین پیدا شده .

در آغاز عصر ما (در نخستین سالهای میلادی) ، چینیان در ساحل های رود هو آن هه و شاخه های آن سد هایی به طول صدها کیلومتر

ساختند^۱. آن ها شبکه‌ی بزرگی از کانال های آبیاری ، در دشت کردند. طول برخی از کانال ها بیش از ۱۰۰ کیلو متر بود . چینیان با کمک این کانال ها ، از کشتزارهایی که دور از رودخانه قرار داشت نیز محصول خوبی بر می داشتند.

در دشت بزرگ چین ، همه جا روستاهایی دیده می شد که کشتزار و باغ دور آن را گرفته بود. در چین، شهرهای بزرگی نیز به وجود آمد که دهها و حتی صدها هزار نفر جمعیت داشت . برای اولین بار در جهان، چینیان ذغال سنگ را کشف کردند و از آن در کوره برای سوخت استفاده کردند .

۲- تشکیل دولت یگانه ی چین در قرن سوم پیش از میلاد

با تکامل کشاورزی و صنعت در چین، در ایالت هایی که دور از رودخانه ی هوآن هه قرار داشتند، دولت تشکیل گردید .

در میانه ی هزاره ی اول قبل از میلاد، در چین سه پادشاهی بزرگ وجود داشت. در بین این پادشاهی ها، جنگ های طولانی و بیرحمانه ای

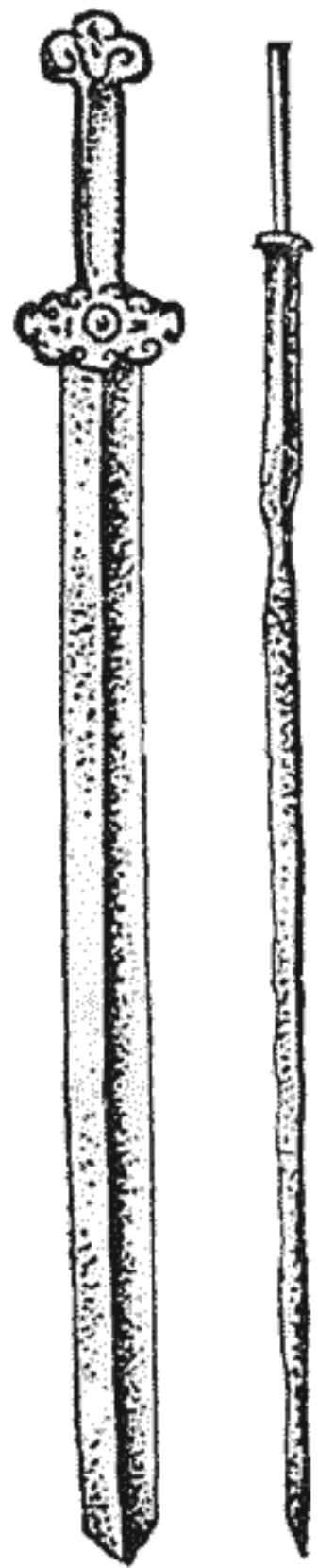
۱. تاهمین اواخر، رود هوآن هه، به ویژه هنگامی که آب آن زیاد بالا می آمد، سدهایی را که ساحل ها را محفوظ نگاه می داشت، خراب می کرد و آب آن ، دشت را فرا می گرفت. با برقراری حکومت جدید چین در سال ۱۹۴۹ ، کارهای بزرگی به وسیله ی دولت انجام گرفت ، که برای همیشه ، «رود هزار بدبختی» را آرام و مطیع ساخت .

برای دست اندازی بر تمام کشور، در گرفت.

پادشاهی سین (تسین) از دو پادشاهی دیگری که با هم دشمنی می کردند، برکنار بود، بدینجهت کمتر از جنگ ها صدمه دید و در قرن سوم قبل از میلاد به نیرومندترین و ثروتمندترین دولت در چین تبدیل شد. پادشاهی سین (تسین)، ارتش پر عده ای گرد آورد و آن را به شمشیرها و نیزه های آهنی مسلح کرد . با شمشیر آهنی ، در هنگام جنگ، می شد شمشیر برنزی را قطع کرد .

پادشاه سین که گاهی زور به کار می برد و گاهی هم حيله، یکی پس از دیگری ایالت ها را تصرف می کرد و به سرزمین خودش می پیوست. در سال ۲۲۱ قبل از میلاد او تقریباً تمامی سرزمین چین را تصرف کرده بود . دولت بزرگی در زیر فرمانروایی او تشکیل گردید . او خود را «سین شی هوآندی» یعنی «پادشاه سین» می نامید .

سین شی هوآندی تعداد زیادی مأمور برای اداره دولت خود، تعیین کرد. مأموران از میان کشاورزان مالیات جمع می کردند و نیز بردگان و کشاورزان را برای ساختن راهها، قلعه ها و کاخ های پادشاهی به زور گردآوری می کردند. فقط برای ساختن کاخ اصلی سین-شی هوآندی، ۷۰۰ هزار نفر کار کرده اند .

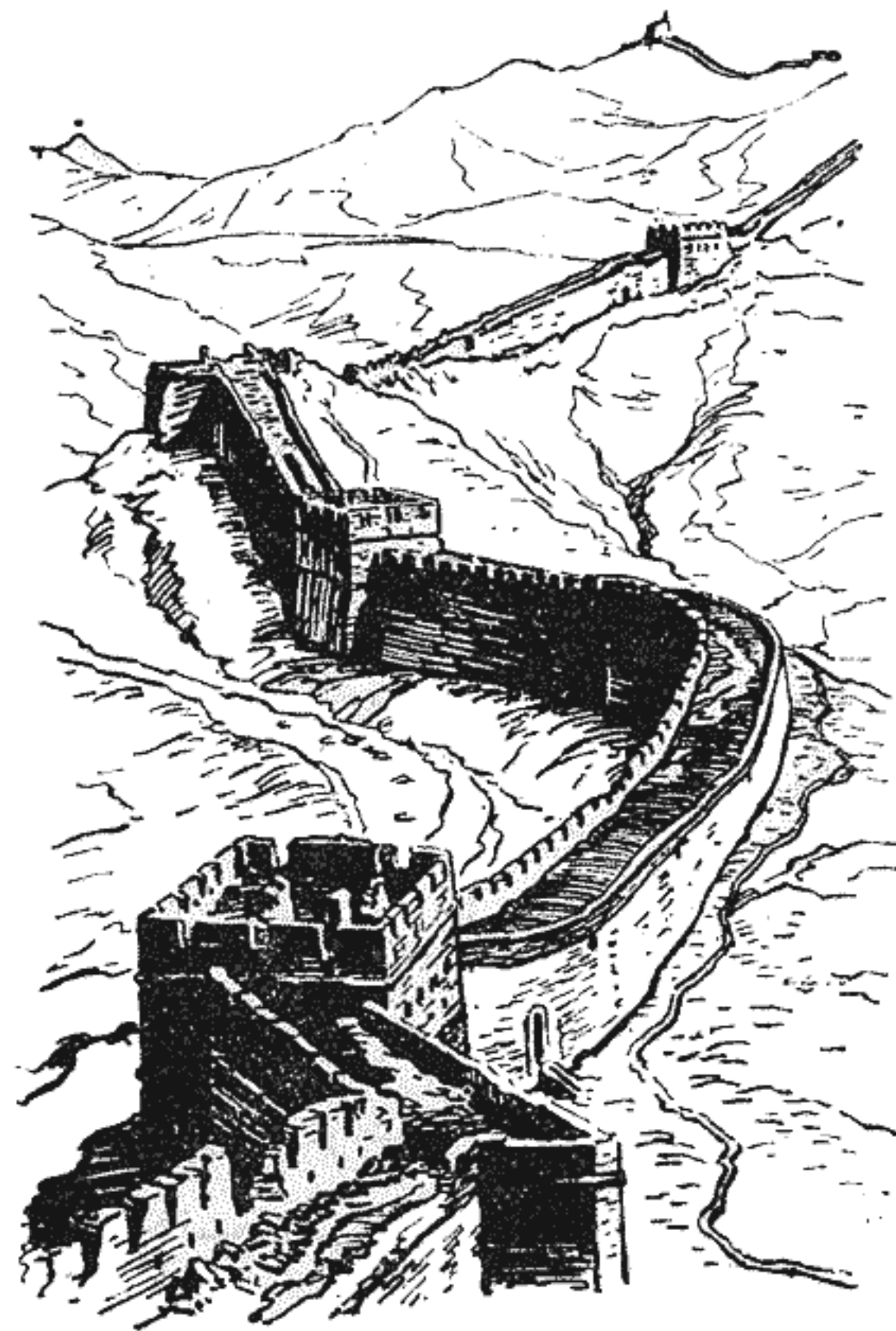


تصویر ۵۹. شمشیرهای برنزی و آهنی چینی .

کننده‌ای به شهرها و روستاهای چین می‌کردند .

مدت‌ها پیش از وحدت چین ، پادشاهی‌های جداگانه‌ای این سرزمین ، قلعه‌هایی برای دفاع از مرزهای خود در مقابل حمله‌های کوچ نشینان می‌ساختند . با تشکیل پادشاهی یگانه در چین ، کارهای بزرگی برای دفاع از چین ، در مقابل «هون‌های» کوچ نشین آغاز گردید . در حدود دو میلیون نفر در مرز کشور به زور گردآوری شدند . این عده شروع به ساختن آجر ، تراشیدن سنگ و ساختن دیوارهای قلعه و برج کردند . این کارها پس از پایان دوران حکومت سین شی هوآندی نیز ادامه پیدا کرد .

با کار و زحمت مردم چین ، دیوار قلعه گونه‌ای در امتداد سراسر مرزهای شمالی چین ساخته شد . طول این دیوار در حدود ۴۰۰۰ کیلومتر است . پهنای آن نیز به اندازه‌ای است که ۵ - ۶ نفر سوار می‌توانند در کنار هم از روی آن عبور کنند . این بنا ، دیوار بزرگ چین نامیده شده (تصویر ۶۰) .



تصویر ۶۰ دیوار بزرگ چین . (ببینید، در کجای کتاب در باره‌ی این دیوار و ساختمان آن صحبت شده .)

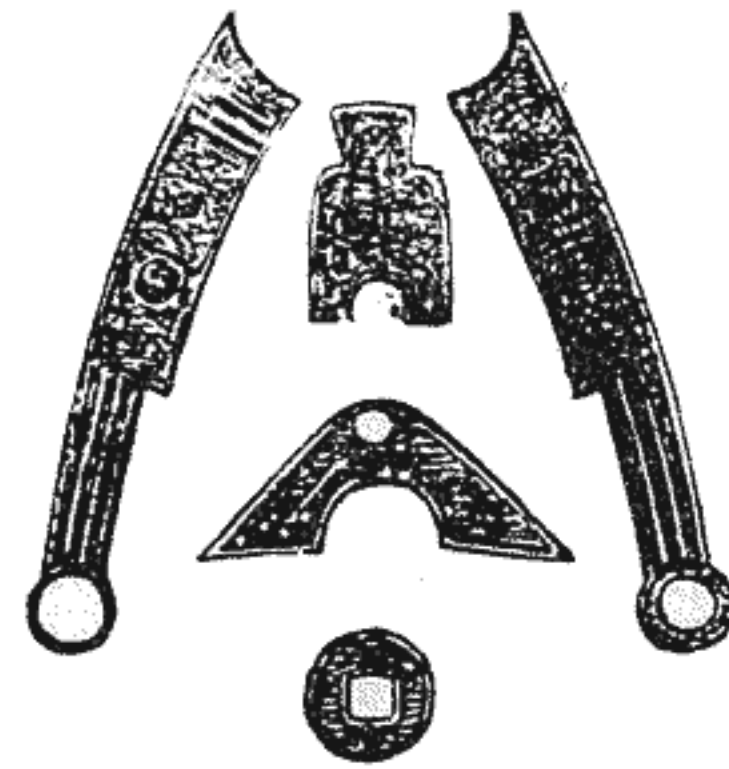
۴- راه بزرگ ابریشم

۳- دیوار بزرگ چین

ساختن دیوار بزرگ چین به ایجاد راه بزرگی از چین به سوی غرب کمک کرد . این راه از جنوب دیوار چین می‌گذشت و در نتیجه ، از حمله‌های کوچ نشینان در امان بود . ادامه‌ی این راه از سرزمین‌های

دردشت‌های شمال غربی چین ، قبایل جنگجوی کوچ نشینی زندگی می‌کردند که تعداد آن‌ها بسیار زیاد بود . این قبایل اغلب ، حمله‌های ویران

آسیای مرکزی (بیابان‌ها و فلات های سنگلاخ) می‌گذشت. به منظور تأمین آب برای کاروان‌ها، چاه‌های گودی در طول راه، در میان بیابان زده بودند. از قرن دوم پیش از میلاد، رفت و آمد کاروان‌های شتر و الاغ‌های سنگین بار از چین، از طریق این راه آغاز شد. این راه را، راه بزرگ ابریشم نامیدند، زیرا که از طریق آن، از چین ابریشم می‌بردند: ابریشم در تمام جهان، بسیار گران قیمت بود.



سکه‌های چینی مربوط به قرن های ۳ - ۵ قبل از میلاد.

کار خلق، «رود سرگردان» را رام ساخت، بیابان‌های بی حاصل را به کشتزارها و باغ‌های سبز و خرم تبدیل کرد و در میان کوه‌هایی که قبلاً غیر قابل عبور پنداشته می‌شد، راهی ایجاد نمود.

*

بخشی از ترانه‌ی کشاورزان چین

به جای ابر، بیل برمی‌دارم،
و به جای باران، کانالی می‌کنم.
در اینجا من، هم آب و هم کود خواهم داشت،
و گندم‌های من قد خواهد کشید.

پرسش و تمرین:

- ۱- مردم چین، چه موفقیت‌هایی در هزاره‌ی اول قبل از میلاد بدست آوردند؟
- ۲- در روی نقشه‌ی همراه کتاب، سرزمین دولت چین را در قرن دوم قبل از میلاد پیدا کنید؟
- ۳- با استفاده از متن، تصویرها و نقشه‌های این کتاب، دیوار بزرگ چین را تشریح کنید.
- ۴- چند سال قبل، دولت یگانه، در چین تشکیل شد؟
با توجه به اینکه سین شی هو آندی ۱۱ سال پادشاه دولت یگانه‌ی چین بوده، بگویید که او تا چه سالی حکومت کرده.

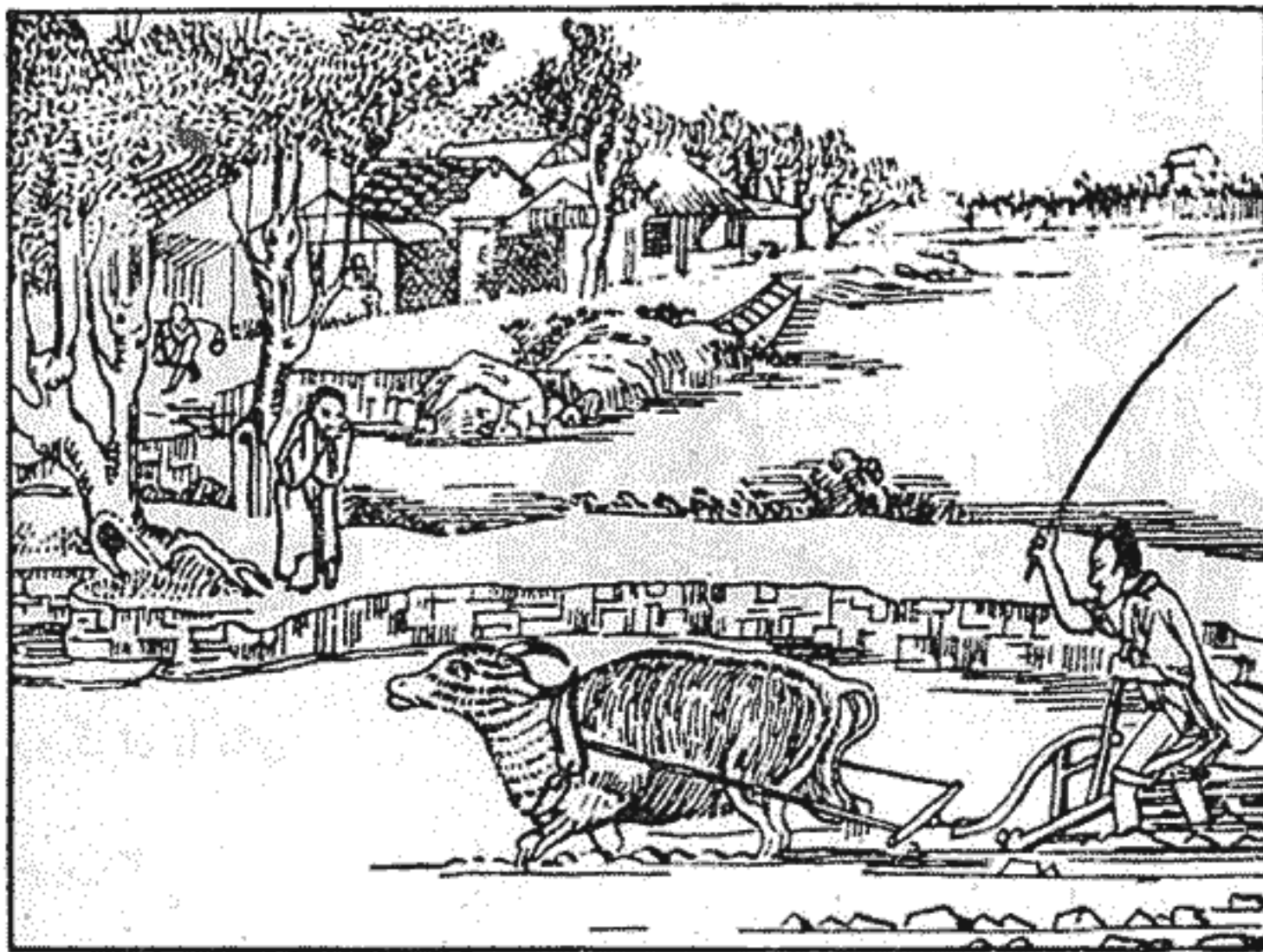
کم کم، بین چین با هند و میاندورود و از طریق میاندورود با کشورهایی که در ساحل‌های دریای مدیترانه (دریای وسط زمین) قرار داشتند، روابطی برقرار شد.
در آغاز عصر ما (در آغاز سال‌های میلادی)، خلق چین، پیروزی‌های بزرگی در مبارزه با طبیعت کشور خود و همچنین در توسعه‌ی اقتصاد کشور خود به بدست آورد.

۱- توسعه‌ی اقتصادی را قبلاً (درس ۱۵۷) تعریف کرده‌ایم

- مترجم.

است. بدنش را آب فرا می گیرد و پاهایش در گل است. گرمای سوزان موها و پوست بدنش را می سوزاند. بی نهایت به جسم او فشار وارد می شود» .

www.adabestanekave.com



تصویر ۶۲

شخم زدن کشتزار برنج در چین (این تصویر کار خود چینیان باستان است). کشتزار را پراز آب کرده اند، زیرا برنج برای روئیدن نیاز به آب فراوان دارد. (ببینید، در کجای کتاب درباره ی چنین کاری صحبت شده .) کشاورزان و صنعتگران را سرنوشت وحشتناکی تهدید می کرد، برده شدن . اگر آنها نمی توانستند مالیات ها را بپردازند ، یا سر موعد بدهی خود را بدهند، هم خودشان و هم خانواده شان به برده تبدیل می شدند . اغلب اتفاق می افتاد که کشاورزان و صنعتگران، برای اینکه از گرسنگی نمیرند ، بچه های خودشان را به عنوان برده می فروختند . کشاورزان و صنعتگران را حتی به خاطری اهمیت ترین جرم ها دستگیر

بند ۲۲

قیام های مردم در چین

۱. وضع کشاورزان و برده ها

مردم چین، در دوران باستان، با کار پر زحمت خود، ثروت های بزرگی به وجود آوردند. اما حکم فرمایی برده داران، که با تشکیل دولتی نیرومند، محکم و استوار شده بود، نمی گذاشت که مردم از حاصل کار خود استفاده کنند.

همزمان آن دوره حکایت می کنند که کشاورزان چین چگونه کار می کرده اند: « هنگامی که کشاورز دارد در رونی کشتزار کار می کند، بر سرش کلاهی است که از نی بافته شده و بر تنش نیز شل زمختی

۱. همزمانان یا معاصران ، یعنی کسانی که در زمان اتفاق افتادن وقایع نوشته شده، زندگی می کرده اند.

می کردند و به زندان می انداختند و بعداً نه تنها خود آنها بلکه خانواده-
شان را هم به عنوان برده می فروختند.

مجسمه های کوچکی از چین باستان



معدن کن



پشم تاب



دروگری با داس

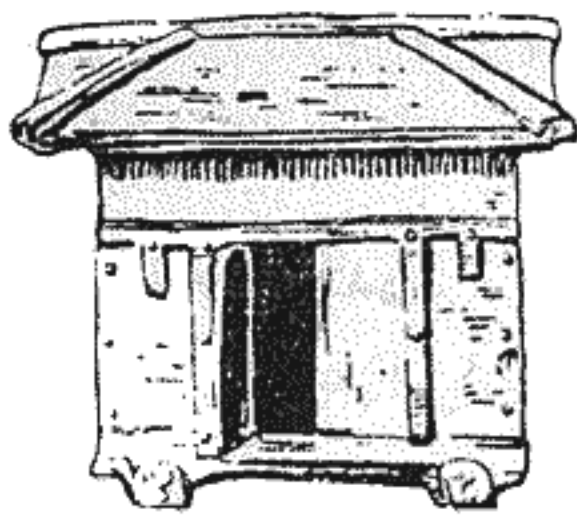
تصویر ۳

در آغاز عصر ما (سال های بعد از میلاد) تعداد برده ها در چین به مقدار قابل توجهی افزایش یافت . برده داران همانطور که از بازار دام می خریدند ، همانطور هم برده ها را از زندان خریداری می کردند . به هنگام لشگر کشی های پیروزمندان به کشورهای همسایه ، سربازان تعداد زیادی آدم را اسیر می کردند ، که این اسیران به برده تبدیل می شدند . فقط در یکی از لشگر کشی ها ، سربازان ۲۰۰ هزار اسیر با خود آوردند .

www.adabestanekave.com

تصویر ۶۵

کبده ی یکی از بی چیزان چین باستان .
(تصویری گلی که از زیر خاک پیدا شده .)



در تمام راه های چین ، برده هایی را می شد دید که با زنجیر بسته شده بودند و لباس های ژنده به تن داشتند ، و آنان را داشتند به پیش می راندند ، یا اینکه ، آنها را مانند جانوران ، با قفس حمل می کردند . سر برده ها را می تراشیدند و بر روی صورتشان داغ می گذاشتند .

۲. زندگی برده داران

ثروتی که با کار کشاورزان و برده ها به وجود می آمد ، به وسیله ی برده داران تصرف می شد . نویسندگان چین باستان درباره ی زندگی برده داران در قرن دوم قبل از میلاد نوشته اند که : « کشتزارهای پر حاصل آنها ، تمام زمین ها را فرا گرفته است ، غلام ها و کنیزهای آنها سر به هزارها می زنند . برده هایی که از میان محکوم شده ها به بردگی گرفته اند ، ده ها هزار نفرند . اشیای گرانبهای آنها ، در خانه های بزرگشان جای نمی گیرد . خلاصه ، گاوها ، گوسفندها و خوک های آنها در کوه و دره

نمی گنجد. آنها، خواننده ها و نوازندگان زیادی دارند. شراب های خود را نمی توانند بنوشند و خراب می شود. گوشت ها را نمی توانند بخورند و در نتیجه می گندد».



تصویر ۶۵
خانه ی یکی از ثروتمندان چین
باستان: (تصویری گلی که از زیر خاک
پیدا شده.)

می گریختند. آنها به صورت دسته های گرد می آمدند و به مأموران و برده داران حمله می کردند. با وجود اینکه، برده داران نا فرمانان را بیرحمانه سرکوب می کردند، کشاورزان و برده ها بارها قیام کردند.

یکی از قیام های بزرگ چین در قرن اول پیش از میلاد اتفاق افتاد. این قیام را، قیام «ابرو قرمزها» می نامند. (داستان این قیام را که از روی گفته های تاریخ نگاران چین باستان تهیه شده، پس از ماده ی ۵ همین بند خواهید خواند.) قیام بزرگ دیگر، در قرن دوم پیش از میلاد رخ داد.

۴. قیام «نوارهای زرد»

ثروتمندترین برده داران، خود پادشاه بود. فقط در معدن هایی که به او تعلق داشت، ۷۰ هزار برده کار می کرد.

۳. مبارزه ی کشاورزان و برده ها با ستمگران

کشاورزان و برده ها از ستمگران نفرت داشتند و به درستی آنها را «موش های صحرائی» می نامیدند، که «وجدان ندارند و غله ی دیگران را با حرص و ولع می خورند». برده ها و کشاورزان به جنگل ها و کوه ها

در پایان قرن دوم پیش از میلاد، در چین مخفیانه، قیامی در حال تدارك بسود. رهبران این قیام سه برادران چانگ بودند. آنها از مردم می خواستند که پادشاه را سرنگون کنند. برادران چانگ، طرفدارانی در معادن، کارگاه ها و روستاها داشتند. در همه جا، مخفیانه، دسته های تشکیل می شد که می بایست به طور همزمان، همه با هم شروع به قیام کنند. سال ۱۸۴ قبل از میلاد فرارسید. تدارك قیام داشت به پایان می رسید. در این موقع يك نفر خائن: نقشه ی آن را فاش کرد. در عرض يك هفته، بیش از هزار نفر از طرفداران برادران چانگ را گرفتند و اعدام

کردند. آنگاه برادر بزرگ (چانگ) دستور داد که به سرعت قیام شروع شود.

قیام، با سرعتی غیرعادی ایالت‌های مرکزی کشور را فراگرفت. صدها هزار کشاورز و برده به طور همزمان قیام کردند. آنها، ده‌ها دسته‌ی بزرگ تشکیل دادند. قیام‌کنندگان، شهرها را گرفتند، دارایی ثروتمندان را تصرف کردند، زندانیان را از زندان رها کردند و برده‌ها را آزاد ساختند. آنها به دور سر خود نوار زرد رنگی می‌بستند. از این رو قیام، به نام قیام «نوارهای زرد» نامیده شد.

برده‌داران نیز، نیروهای عظیمی گرد آوردند. آنها تمام پسران مأموران و سرکرده‌های جنگی و تمام نوکران و خدمتکارانی را که وفادارتر بودند، گرد آوردند. خود برده‌داران سردستگی دسته‌های تشکیل شده را به عهده گرفتند.

۵- شکست قیام، نوارهای زرد،

تقریباً در همه جای چین نبرد بی رحمانه آغاز گردید. حتی دشمنان قیام‌کنندگان نیز به مردانگی آنان اعتراف کرده‌اند. با این حال، قیام‌کنندگان نیروهای خود را متحد و یکپارچه نکردند و هر دسته‌ای خودش جداگانه عمل می‌کرد. گذشته از این، آنها، نه اسلحه‌هایی

به خوبی اسلحه‌های ارتش پادشاهی در اختیار داشتند و نه سرکرده‌هایی به کاردانی سرکرده‌های ارتش پادشاهی.

ارتش پادشاهی، به طور ناگهانی، به اردوی قیام‌کنندگان حمله کرد و آنها را به طرف مرداب‌ها و رودخانه عقب راند. در نتیجه ۵۰ هزار نفر غرق شدند. در نبرد دیگری ۱۰۰ هزار کشاورز و برده قتل عام شدند. سرکرده‌ی ارتش پادشاهی، دستور داد که سرهای آنها را ببرند و از کله‌های آنها برج بلندی بسازند. دسته‌های اصلی «نوارهای زرد» یکی بعد از دیگری شکست خوردند. برادران چانگ در مبارزه کشته شدند.

سرکوبی شکست خوردگان بسیار وحشتناک بود. پیروزشوندگان، همه‌ی کسانی را که گمان می‌کردند، نسبت به قیام احساس علاقه کرده‌اند، اعدام می‌کردند. آنها حتی به زنان و کودکان نیز رحم نمی‌کردند. با توجه به اینکه نیروهای اساسی «نوارهای زرد» شکست خورد و سرکرده‌های آنها نابود شدند، قیام بیش از ۲۰ سال ادامه یافت. در نقاط مختلف کشور، دسته‌های جدیدی از کشاورزان و برده‌ها به وجود می‌آمدند. ارتش پادشاهی، فقط پس از نبردهای بسیار زیاد و اعدام‌های بیرحمانه، توانست قیام را سرکوب کند.

هرچند که قیام‌های مردمی، در چین باستان، دچار شکست شد، با این حال، این قیام‌های تأثیر زیادی در زندگی مردم کشور داشت. پس از قیام «نوارهای زرد»، وضع کشاورزان، صنعتگران و برده‌ها در چین، کمی بهتر شد. قیام آنچنان دولت چین را ضعیف کرد

که این دولت به چند پادشاهی کوچک تجزیه شد.

*

قیام «ابرو قرمزها»

(از روی آثار تاریخ نگاران چین باستان)

در آن زمانها، قحطی و گرسنگی بزرگی روی داد. قیام کنندگان مانند دسته‌های زنبور ظاهر شدند. «فان چون» فردی شجاع بود و توده‌های مردم به طرف او کشیده شدند. فان چون و طرفدارانش، درحالی که برای جنگ آماده می‌شدند، ابروهای خود را به رنگ قرمز درآوردند تا از سپاهیان پادشاه قابل تشخیص باشند.

«ابرو قرمزها» در حدود ده‌ها هزار نفر بودند. سپاهی که برای مقابله با آنها فرستاده شده بود، توانایی جنگیدن با آنها را نداشت. تعداد قیام کنندگان دهم افزایش می‌یافت.

پادشاه نه نفر را به سرکردگی سپاه خود تعیین نمود و به آنها لقب «ببر» داد. او این افراد را در رأس ده هزار سرباز قرارداد. او به هر سرباز نیز ۴ هزار سکه پول بخشید. با این حال، سپاهیان دلشان نمی‌خواست بجنگند. شش نفر از «ببرها» شکست خوردند و فرار کردند. سه نفر «ببرهای» باقیمانده، سپاه پراکنده شده را برای محافظت پایتخت گردآوردند.

قیام کنندگان از همه طرف به سوی پایتخت هجوم آوردند. پادشاه دستور داد که تمام بزهکاران و جنایکاران را از زندان آزاد کنند.

به آنها اسلحه بدهند و از آنها سپاهی درست کنند. این سپاه، تازه از شهر خارج شده بود که تمام افراد آن فرار کردند.

قیام کنندگان از دروازه‌ی شهر گذشتند و وارد پایتخت شدند. شهر آتش گرفت، درخیابان‌هایش نبرد آغاز شد. مأموران، پادشاه را به کاخی بردند که در جزیره‌ای واقع در میان يك برکه، قرار داشت. قیام کنندگان نیز به سرعت به آنجا رفتند، کاخ را محاصره، کردند و با کمان شروع به تیراندازی کردند. دفاع کنندگان از پادشاه، پی در پی از پا درمی‌آمدند. تیرهای آنها تمام شد و جنگ تن به تن آغاز گردید. قیام کنندگان پادشاه را کشتند و سرش را از تن جدا کردند.

«ابرو قرمزها» نمی‌توانستند از پیروزی خود استفاده کنند. کشاورزان و برده‌ها خیال می‌کردند که تمام بدبختی‌های آنها از این جهت است که پادشاه آدم بدی است و اگر پادشاه عادل روی کار بیاید، وضع زندگی آنها خوب خواهد شد. بدینجهت، آنها اجازه دادند که برده داران پادشاه جدیدی بر تخت پادشاهی بنشانند^۱.

پرسش و تمرین :

۱. شما قبلاً، کدامیک از طریقه‌های تبدیل انسان‌های آزاد به برده را شناخته بودید؟ در بند ۲۲، چه طریقه‌ی جدیدی را شناختید؟

۱. بر تخت پادشاهی (سلطنت) نشستن یعنی پادشاه شدن. از تخت پادشاهی افتادن یا سرنگون شدن، یعنی از مقام پادشاهی برکنار شدن.

۲. با استفاده از متن کتاب و تصویرهای آن، داستانی درباره زندگی کشاورزانی که به برده تبدیل می‌شدند و کشاورزانی که در قیام «ابرو قرمزها» شرکت می‌کردند بسازید.

۳. چرا قیام «نوارهای زرد» شکست خورد؟

۴. قیام «نوارهای زرد» چه تأثیری در تاریخ چین داشت؟

۵. چندسال از یکپارچه شدن چین در زیرفرمان دولتی یگانه، گذشته بود که قیام «نوارهای زرد» شروع شد.

بند ۲۳

فرهنگ^۱ چین باستان

به یاد بیاورید که خط در مصر باستان کسی و چگونه پیدا شد (بند ۱۳، مادهی ۵)، چه علومی در مصر و میاندورود باستان به وجود آمد، چرا این علوم به وجود آمدند (بند ۱۳، مادهی ۳ و ۴ و بند ۱۷، مادهی ۴).

۱. خط (نوشتن)

www.adabestanekave.com

مردم چین که کوهها و بیابانها، آنها را از مردم پیشرفته‌تر دنیای باستان جدا می‌کرد، مدت‌های بسیار زیادی با این مردم رابطه نداشتند.

۱. فرهنگ را در زیر نویس بند ۱۹ (ص ۱۵۸) تعریف کرده‌ایم -

مترجم .

بدینجهت، در ابتدا ناچار بودند که خودشان به طور کاملاً مستقل، خط و علم به وجود بیاورند.

مردم چین، تقریباً در پیش از هزار سال قبل از میلاد برای خود خط به وجود آوردند. علامت‌هایی (حروفی) که آن‌ها برای نوشتن به کار می‌بردند، هیرو گلیف بود. پس از اتحاد چین در دولتی یگانه، خط یگانه‌ای نیز به وجود آمد.

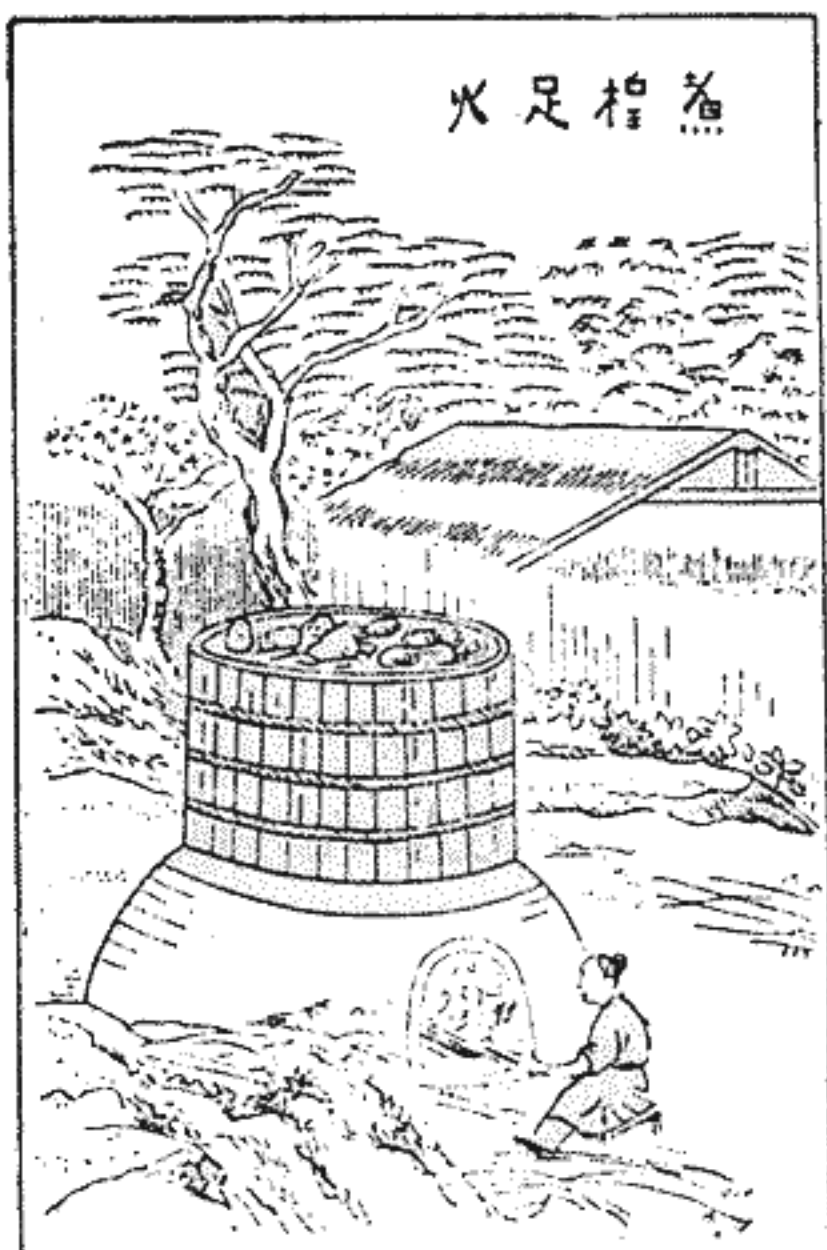
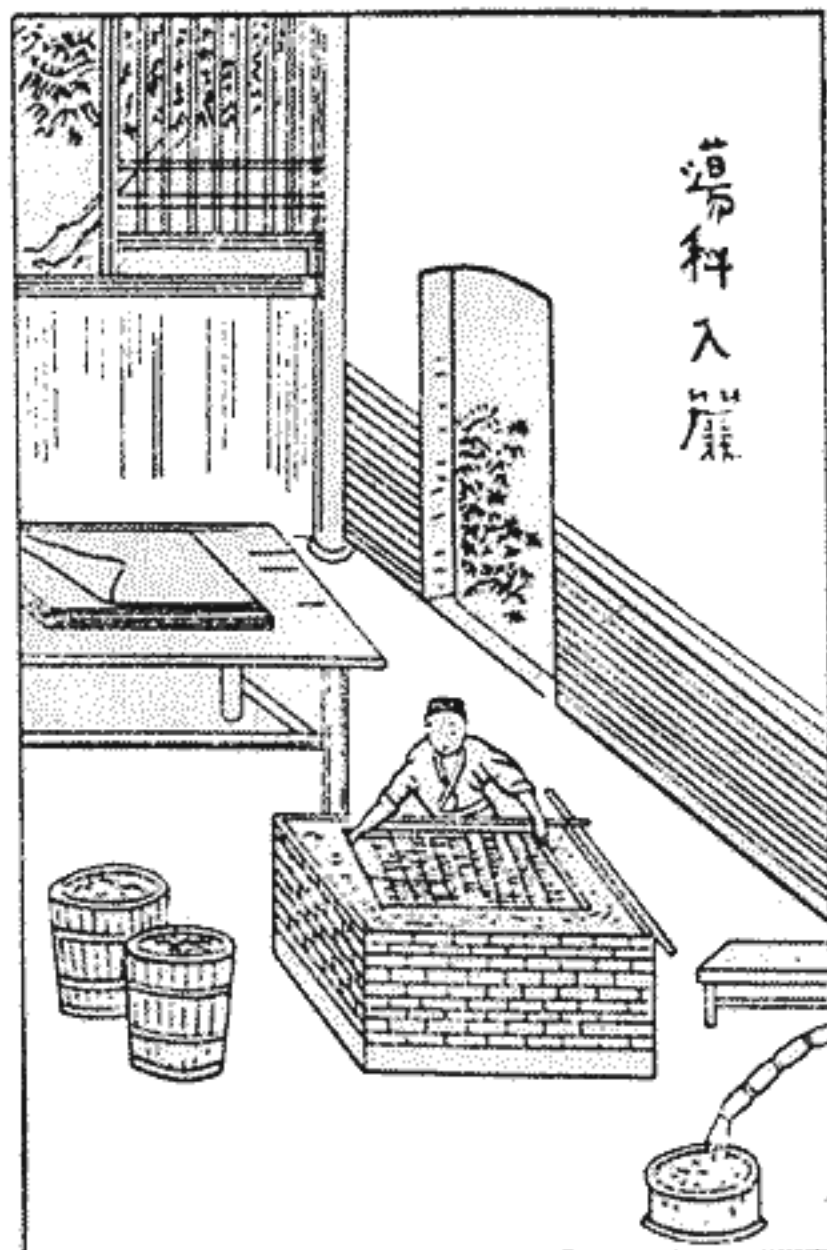
هر هیرو گلیف يك کلمه کامل را نشان می‌داد. مثلاً هیرو گلیف 木 به معنی «درخت» بود، دوتا از این هیرو گلیف‌ها 林 به معنی «جنگل» و سه تا از آن‌ها 森 به معنی جاهای پر درخت جنگل بود. در خط چینی چندین ده هزار هیرو گلیف وجود داشت.^۱

چینیان باستان در روی استخوان، ورقه‌هایی (تخته‌ی نازك) از خیزران و تکه‌هایی از جنس ابریشم می‌نوشتند. آن‌ها با بسته‌هایی از ورقه‌های خیزران چیزی شبیه کتاب درست می‌کردند. اینگونه «کتاب‌ها» بسیار نامناسب بود. وقتی دانشمندی می‌خواست به جایی برود، چند اراکه کتاب خیزرانی با خودش می‌برد. ابریشم نیز گران بود و فقط

۱. در حال حاضر نیز، در چین با خط هیرو گلیف می‌نویسند. اشکال عمده‌ای که در تبدیل این خط به خط ساده‌تر وجود دارد، این است که، زبان مردم شمال چین با زبان مردم جنوبی چین فرق دارد، در حالی که خط آن‌ها یکی است. یعنی همه‌ی آن‌ها يك روزنامه و يك کتاب را می‌خوانند. در واقع، آن‌ها هیرو گلیف را به صورت‌های مختلفی می‌خوانند، در صورتی که همه يك معنی از آن می‌فهمند. مثلاً مانند رقم «7» برای انگلیسی زبان‌ها و روسی زبان‌ها که هر کدام، این رقم را به يك صورت می‌خوانند، در حالی که هر دوی آن‌ها فقط يك معنی از آن می‌فهمند.



قیام «نوارهای زرد» در چین . قیام کنندگان یک نفر عالی جناب را که دارد با کالسکه عبور می کند و سربازان سواره و پیاده از او محافظت می کنند ، محاصره کردند . در طرف راست تهوین - قیام کنندگان با اسبهایی که از املاک ثروتمندان به چنگ آورده اند دارند به پیش می تازند. در طرف چپ ، در کهنیگاه ، تیان اندازان با کمان دیده می شوند . بر روی نوار کشتاورزان به خط هیرو گلیف ، نوشته شده : «سوزیا سدری» یعنی «عصر جدید» . این عبارت علامت قراردادی قیام بود . در فاصله ای دور (طرف چپ) ، دیوار بزرگ چین دیده می شود . در طرف راست ، املاک برده دار ثروتمند قرار دارد .



برای نوشتن یادداشت های خیلی مهم، از آن استفاده می کردند . در قرن اول قبل از میلاد، چینیان کاغذ را اختراع کردند . آنها از پارچه های کهنه، پوست درخت و خیزران، کاغذ ساختند . کاغذ، هم خیلی ارزان تر از ابریشم تهیه می شد و هم از ورقه های خیزران خیلی مناسبتر بود . اختراع کاغذ، تأثیر زیادی در گسترش آموزش و پرورش در جهان داشت .

ساختن کاغذ در چین . (این تصویرها کار خود چینیان باستان است .) در تصویر طرف چپ ، دارند خمیر کاغذ را در دیگ می پزند . در تصویر طرف راست نشان داده شده که چگونه از خمیر کاغذ که از لوله جاری است ، ورقه های کاغذ می سازند . در قسمت بالای تصویر ها ، خط هیرو گلیف چینی دیده می شود .

با وجود این، در دوران باستان، سواد برای کشاورزان چین، دست نیافتنی بود. یاد گرفتن هیروگلیف ها به سال های زیادی وقت نیاز داشت و بدینجهت، بی چیزان دارائی لازم را برای آموزش بچه های خود نداشتند.

۲- دانش علمی

دانشمندان چین کتاب های بسیاری درباره ی ستاره شناسی (نجوم یا آسترانومیا)، ریاضیات و پزشکی نوشته اند. ستاره شناسی در چین نیز مانند کشورهای دنیای باستان، در نتیجه ی نظاره ی کشاورزان بر ستارگان آسمان به وجود آمد. دانشمندان چین که سعی می کردند چگونگی ساختمان جهان را شرح بدهند، آن را به تخم مرغ بزرگی تشبیه می کردند: از نظر آن ها زمین شبیه زرده ی تخم مرغ و آسمان شبیه پوسته ی آن بود که از داخل ستارگان را به آن کوبیده بودند و این پوسته به دور زرده ی خود می چرخید. در اثر احتیاج به محاسبه (حساب کردن) در کشاورزی و صنعت، به هنگام کندن کانال و ساختن بنا، ریاضیات به وجود آمد.

چینیان باستان داروهای زیادی برای معالجه ی بیماران و زخمی ها

می شناختند. یکی از این داروها چای بود که، از نظر آن ها، نیروی بیمار را نگهداری می کرد. بعدها چای به عنوان یک نوشابه ی عمومی مورد مصرف قرار گرفت.

در آثار علمی پی که چینیان باستان، درباره ی کشاورزی نوشته اند تجربه ی هزار ساله ی کشاورزان چین در شخم زدن زمین، پرورش گیاهان مفید و پرورش کرم ابریشم شرح داده شده. از اختراعات بسیار عالی چینیان باستان، قطب نما و ابزار ثبت کننده ی زلزله است.



تصویر ۶۷- ابزار ثبت کننده ی زلزله، مربوط به چین باستان. در داخل ابزار، میله ی متحرکی آویزان بود. در قسمت بیرونی ابزار، مجسمه های کوچک چند اژدها (غول افسانه ای) قرار داشت که گلوله هایی در دهان شان بود. هنگام زلزله، میله تکان می خورد و به دیواره ی ابزار ضربه می زد و در نتیجه، گلوله ها به دهان قورباغه هایی که در پایین قرار دارند می افتاد.

علم در چین هم، مانند سایر کشورهای جهان، در سایه‌ی فعالیت پر زحمت خلق به وجود آمد.

۳- هنر در چین باستان

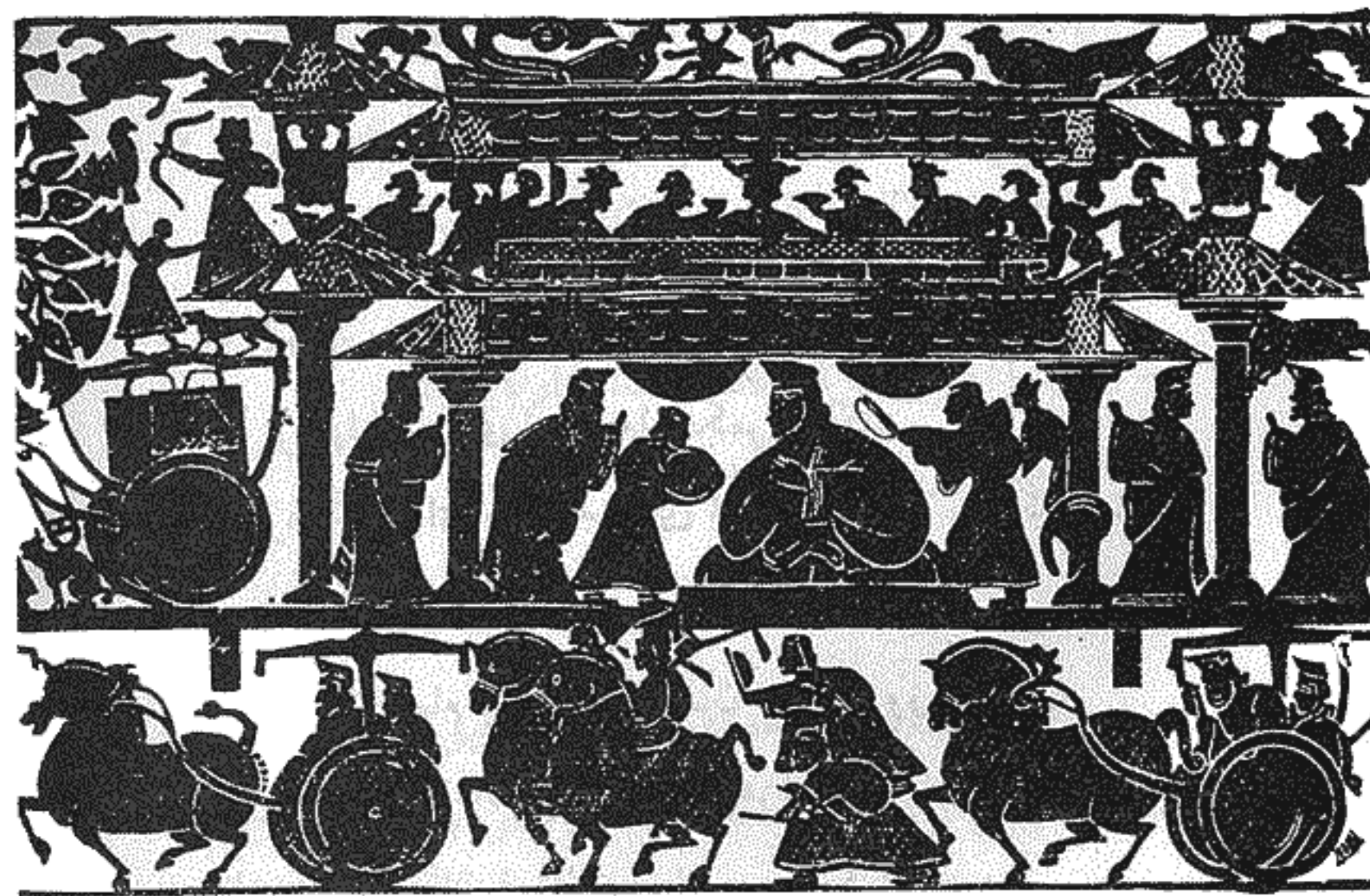
تصویرها، نقش‌ها و مجسمه‌های کوچک چین باستان، زندگی طبقات مختلف مردم را در چین باستان نشان می‌دهد. این یادگارها که برده‌داران را در حال عیش و نوش و صنعتگران، کشاورزان و برده‌ها را در حال کار کردن نشان می‌دهد، ما را با لباس و خانه و زندگی ثروتمندان و بی‌چیزان آن زمان آشنا می‌کند.

مردم چین، در عصر باستان تعداد زیادی ترانه، افسانه و آثار ادبی دیگر به وجود آورده‌اند. در این آثار، مردم طبقات مختلف نظریات و احساس‌های خود را نشان داده‌اند. (در پیوست بند ۲۳، قطعه‌هایی از نوشته‌های باستانی چین آورده شده).

۴- روابط فرهنگی چین با کشورهای دیگر

با به وجود آمدن راه بزرگ ابریشم، روابط چین با کشورهای دیگر بیشتر و محکم‌تر شد. اکنون دیگر، خلق چین، چیزهای بسیار زیادی از فرهنگ کشورهای دیگر، به ویژه از فرهنگ هند اقتباس کرد.

✱



بخش‌هایی از آثار نویسندگان چین باستان

نویسندگان هر يك از آثار زیر، نظریات و منافع کداميك از طبقات را بهان کرده‌اند؟ چرا شما چنین تصور می‌کنید؟

يك

در روزگار قدیم، خدا به جنگجویی دستور داد.

که بر چهار گوشه‌ی زمین ما حکمرانی کند.

او بر هر گوشه‌ای ریش سفیدی از خاندان . . . برگماشت.

او شاهزاده‌ای جنگجو بود،

و همیشه، در تمام نبردها بر دشمنان خود پیروز می‌شد.

سرزمین زیر فرمان شاهزاده راتاهزارلی^۱

کلبه‌های بردگان فرمانبردار او در میان گرفته بود.

او زمین‌های ما را تا خود دریاها گسترش داد . . .

دو

«آسمان» یعنی «خدا» خودش چیزی نمی‌گوید، او کسی را مأمور می‌کند که عقایدش را اعلام نماید.

پادشاه که از طرف آسمان برای این کار مأمور شده، عقاید آسمان را می‌داند، بدینجهت او را پسر آسمان می‌نامند.

پسر آسمان از آسمان دستور می‌گیرد، زیردستان او هم از خود او (پسر آسمان) دستور می‌گیرند. (به یاد بیاورید که در کدام يك از کشورها، پادشاه می‌گفت که او دستورات خدا را به مردم می‌رساند.)

۱. هرلی در حدود نیم کیلومتر است - تصحیح‌کننده‌ی متن روسی شعر.

سه

ای ارباب، شما نه غله‌ای کاشته‌اید، نه محصولی برداشته‌اید. پس

چرا، سی میلیون باقه‌ی گندم از مردم می‌گیرید؟

چرا در کاخ شما، گاوهای نر پیدا می‌شود؟

انسان واقعی، هرگز مانند شما ی اربابان!

نان بیکارگی نمی‌خورد.

چهار

در یکی از افسانه‌ها، دربارهی طغیانی در چین، چنین حکایت شده:

آب تمام کشور را فرا گرفت، فقط قله‌های کوه‌ها از آب بیرون ماند.

عده‌ای از مردم که باقیمانده بودند، بروی قله‌ها رفتند و جان خود را

نجات دادند. آب تا بیش از ده سال فرو نشست. تا اینکه يك نفر به

نام «یوی» شب و روز به کار کردن پرداخت تا کانال‌هایی بکند و نیز بستر

رودخانه‌ها را گودتر کند. در نتیجه، رودها درون ساحل‌های خود رام شدند

و مردم به دشتی که دیگر از آب خالی شده بود فرود آمدند.

در این افسانه، که دربارهی یوی گفته شده، از کار مردم چین و

مبارزه‌شان با رود هوآن‌هه، ستایش شده. (کداميك از ترانه‌های چین

باستان را می‌شناسید که در آن از کار انسان ستایش شده باشد؟ بند ۲۱.)

پرسش و تمرین:

۱. مرزهای دولت یگانه‌ی چین را که در زمان سین شی هوآندی به

وجود آمده نشان بدهید. در کدام قرن این مرزها به وجود آمد؟

۲. در روی نقشه، راه بزرگ ابریشم را نشان بدهید. این راه چه اهمیتی داشت؟

۳. چگونه دشت بزرگ چین، در دوران باستان، در نتیجه‌ی کار مردم چین دگرگون شد؟ در کدام يك از آثار، این کار پر زحمت نشان داده شده؟
۴. خط چین به خط کدام يك از خلق‌های باستان بیشتر شباهت داشت؟

۵. چه علوم‌ی در چین باستان به وجود آمد؟ چرا این علوم به وجود آمدند؟
۶. سال ۱۸۴ قبل از میلاد، و سال ۲۲۱ قبل از میلاد، در متن کتاب با حروف درشت نوشته شده. این دو سال و وقایع مربوط به آن‌ها را یکبار دیگر بخوانید.

نتیجه‌ی بخش «شرق باستان»

منظور از «شرق باستان»، چیست؟ «شرق باستان»، چه اهمیتی در تاریخ جهان دارد؟

شرق یا خاور باستان آن دسته از کشورهای آسیا و شمال شرقی آفریقا را می‌گویند که در دوران باستان، در آن‌ها دولت‌های برده‌دار به وجود آمده. در این کشورها، زودتر از سایر کشورهای جهان، کشاورزی، دامداری و صنعتگری تکامل و گسترش پیدا کرد.

خلق‌های شرق باستان بسیاری از حیوانات سودمند را اهلی کردند و پرورش بسیاری از گیاهان مفید را یاد گرفتند. در شرق باستان، صنعتگری از جمله، کار در روی فلزات و تولید پارچه؟ تکامل و گسترش زیادی پیدا کرد. خلق‌های شرق باستان، خط (نوشتن) را به وجود آوردند، اولین سنگ بنای ستاره شناسی، پزشکی و سایر علوم را گذاشتند و خلاصه تقویم را درست کردند. در کشورهای شرق باستان، آثار برجسته در مجسمه سازی، معماری و ادبیات به وجود آمد.

در شرق باستان، پایه و اساس تکامل بعدی فرهنگ جهان پی ریزی شد.

www.adabestanekave.com

چرا در شرق باستان، نظام برده داری برقرار شد؟

دولت مصر در دره‌ی رودخانه‌ی نیل به وجود آمد، دولت بابل در دره‌های فرات و دجله، دولت هند، در دره‌ی رود هند و دولت چین در دره‌ی رود هوآن‌هه. در این دره‌ها، زمین‌هایی که به وسیله‌ی طغیان رودها آبیاری می‌شد، بسیار حاصلخیز بود. با شخم زدن این زمین‌ها، به وسیله‌ی خیش‌های چوبی، مسمی و حتی به وسیله‌ی ابزارهای سنگی و استخوانی، محصول بسیار خوبی به دست می‌آمد. (به یاد بیاورید، که مثلاً چه محصول‌هایی در میان‌رود جنوبی بدست می‌آمد.) این محصول، فقط به مصرف غذای کسانی که کانال می‌کنند، سد می‌ساختند و زمین شخم می‌زدند نمی‌رسید، بلکه مقداری هم از آن باقی می‌ماند. با این حساب، مجبور کردن دیگران به کار، در دره‌های این رود های بزرگ، زودتر از جاهای دیگر مفید واقع شد. در نتیجه، در این سرزمین‌ها، ابتدا برده کردن اسیران و سپس برده کردن همسایگان بی‌نوا شده آغاز گردید و طبقه‌های برده و برده‌دار به وجود آمد. در دره‌های نیل، فرات، دجله، هند و هوآن‌هه، نظام برده‌داری در هزاره‌های چهارم تا دوم قبل از میلاد، برقرار گردید.

بیشتر جمعیت کشورهای شرق باستان را کشاورزان تشکیل می‌دادند و کسانی هم که به صنعتگری می‌پرداختند، بیشتر صنعتگران آزاد بودند.

چگونه در کشورهای شرق باستان، طبقه‌ی کم‌عده‌ی برده داران فرمانروایی خود را بر میلیون‌ها برده و کشاورز حفظ می‌کرد؟

برده‌داران برای اینکه فرمانروایی خود را بر کشاورزان و بردگان حفظ کنند، به نیرویی برای سرکوب مقاومت آن‌ها احتیاج داشتند. این نیرو را فقط دولت می‌توانست ایجاد کند، که دارای ارتش مأمور، قاضی و زندان بود. دولت، قانون‌هایی می‌گذاشت که برای زحمت‌کشان بیرحمانه و برای برده داران سودمند بسود. بدینجهت، هنگامی که طبقه‌ها تشکیل گردید، دولت هم به وجود آمد. مذهب نیز برده‌داران را برای فرمانروایی بر زحمتکشان یاری می‌کرد.

پرسش و تمرین:

۱- در طبیعت مصر، میان‌رود، هندوچین چه همانندی‌هایی وجود داشت؟ شما این ضرب‌المثل را چگونه تفسیر می‌کنید: «بچه‌ها از طلاگران بهاترند، اما آب از بچه‌ها گران بهاتر است»؟

۲- در کار و پیشه‌ی مردم مصر، میان‌رود، هندوچین، در دوران باستان، چه همانندی‌هایی وجود داشت؟ چه گیاهان مفیدی به وسیله‌ی خلق‌های این کشورها پرورش داده می‌شد؟ آن‌ها تربیت کردن چه حیوانات سودمندی را یاد گرفتند؟ شما چه صنعتگری‌هایی در شرق باستان می‌شناسید؟ چه بناهای عظیمی در شرق باستان می‌شناسید؟

۳- چرا در کشورهای شرق باستان، نظام برده‌داری به وجود آمد؟ نظام برده داری چه تفاوتی با نظام جماعتی نخستین داشت. چرا با تشکیل طبقه‌ها دولت نیز تشکیل گردید؟

۴- چه قیام‌های بزرگی از جانب ستم‌دیدگان، در شرق باستان رخ داد؟ این قیام‌ها در چه سالی اتفاق افتادند؟

۵- چگونه مذهب، فرمانروایی برده داران را محکم و استوار می کرد ؟
مثالهایی برای این موضوع، از تاریخ مصر، بابل، هندوچین بیاورید.
چگونه برده داران از هنر برای محکم و استوار کردن فرمانروایی خود استفاده
می کردند ؟

۶- چه علومی در شرق باستان به وجود آمد ؟ چرا این علوم به وجود
آمدند ؟

سخنی از مترجم

این کتاب که دو بخش آن («نظام جماعتی نخستین» و «شرق
باستان») ترجمه شد، دو بخش دیگر نیز دارد: یونان باستان و روم
باستان، که آن هم در دست ترجمه است.

در بخش اول کتاب، خواندیم که اولین نظام اجتماعی زندگی
انسان، «نظام جماعتی نخستین بود»، بعداً این نظام اجتماعی از بین
رفت و نظام برده داری جای آن را گرفت.

در نظام جماعتی نخستین، اگرچه همه ی مردم با هم مساوی بودند
و هر خوب و بدی بود برای همه بود ولی سطح تولید بسیار پایین بود
و انسان وسایل کافی برای دفاع از خود و برای محافظت خود نداشت.
انسانها همیشه نیمه گرسنه بودند و هرگز کاملاً سیر نمی شدند، يك باد
و باران ساده، برای آنها بلایی عظیم بود: قتل و کشتار می کرد و خانه و
کاشانه ی آنها را درهم می ریخت. آنها در مقابل حیوانات درنده هم

www.adabestanekave.com

نمی توانستند به خوبی از خود دفاع کنند و اغلب غذای درندگان می شدند. البته زندگی آنها، در سایه‌ی کارجمعی، کم‌کم بهتر می‌شد و آن‌هایی در پی دانایی و توانایی بیشتری بدست می‌آوردند، ولی این بهتر شدن حدی داشت و نظام جماعتی نخستین نمی‌توانست انسان را در مقابل طبیعت از آن حد توان‌تر کند. در نتیجه نظام برده‌داری به وجود آمد (علت به وجود آمدن آن را نویسندگی کتاب خیلی بهتر شرح داده، به متن کتاب مراجعه کنید).

«نظام برده‌داری برای ستمکشان، رنج و عذاب بسیار زیادی به همراه داشت، جنگ‌هایی که برای به دست آوردن برده به راه می‌افتاد، اغلب سبب ویران شدن کامل کشورها و قتل عام مردم می‌شد.» برده‌داران تا می‌توانستند از برده‌ها کار می‌کشیدند و از کشاورزان مالیات می‌گرفتند. حال و روز برده‌ها و کشاورزان بسیار بد و توانفرسا بود.

«با اینحال، در نظام برده‌داری، چون نیروی کار زیادی در اختیار برده‌داران بود، در نتیجه، با اینکه ابزار تولید هم خیلی ابتدایی بود، برده‌داران توانستند، به وسیله‌ی این نیروی کار، کانال‌ها و سدهای عظیم بسازند، مرداب‌ها و بیابان‌ها را به کشتزار و باغ تبدیل کنند، معادن را استخراج کنند و کشتی‌های بزرگ بسازند.

ثروتی که از کار برده‌ها حاصل می‌شد، به برده‌داران امکان می‌داد که کاخ و پرستشگاه بسازند و هنرمندان را به ساختن مجسمه، تصویر و آثار هنری دیگر وادارند. در شرق باستان، معماری و مجسمه‌سازی تکامل بسیار زیادی پیدا کرد و علم نیز به وجود آمد.

گذر از نظام جماعتی نخستین به نظام برده‌داری سبب توسعه‌ی کشاورزی، صنعت، بازرگانی و فرهنگ‌گردید، بدینجهت، این‌گذر، گام بزرگی به جلو به حساب می‌آید.

نظام برده‌داری هزاران سال پا برجا بود تا اینکه سرانجام، آن هم نابود شد و نظام اجتماعی دیگری جای آن را گرفت، که اگر کسی بخواهد علت و چگونگی انجام این جریان را بداند، باید «تاریخ قرون وسطی» اثر پروسور کاسمینسکی یا کتاب‌های مشابه دیگر را - که متأسفانه فعلاً در زبان فارسی موجود نیست - بخواند.

برخی می‌گویند، نظام‌های اجتماعی بی‌کی در شرق باستان به وجود آمده، برده‌داری نبوده و بدون اینکه خود جواب روشنی برای این مسأله داشته باشند، فقط به تفاوت‌هایی که بین برده‌داری غرب (یونان و روم) و برده‌داری شرق وجود داشته تکیه می‌کنند و پی در پی حرف خود را تکرار می‌کنند، هر بار با هیاهوی بیشتر. البته در اینجا ماکاری به این موضوع نداریم که اینان خود اشتباه می‌کنند، یا می‌خواهند برای دیگران اشتباه به وجود آورند. آنچه در اینجا مهم است، این است که ریشه‌ی این اشتباه چیست: در مطالعه‌ی تاریخ دو جامعه، اگر ما فقط به همانندی‌های آن‌ها توجه کنیم، مطالعه‌مان ناقص خواهد بود، زیرا اگرچه این کار در آغاز کاملاً درست و علمی است و تا زمانی که ماکلیاتی در باره‌ی همانندی‌های آن دو جامعه به دست نیاورده‌ایم باید ادامه یابد ولی پس از به دست آمدن کلیات، اگر این کار ادامه پیدا کند، مانند درجا زدن بیهوده است که هیچ حرکتی به جلو، به همراه نخواهد داشت. ولی اگر فقط

به تفاوت‌ها توجه کنیم و همانندی‌ها را از نظر دور برداریم کارمان به طور کلی، غیر علمی و نادرست است. اگر این کار ادامه پیدا کند، در دامان وقایع نگاری و وقایع خوانی بی حاصل و بی ارزش سقوط خواهیم کرد و ذهن خود را بیهوده دچار گیجی و پراکندگی می‌کنیم. اما ببینیم آیا بین دو جامعه و به طور کلی بین تمام جامعه‌های بشری همانندی هم وجود دارد، یا هر آنچه هست فقط تفاوت و اختلاف است. در بین جامعه‌های بشری همانندی‌ها اصل است و تفاوت و اختلاف فرع؛ اینکه انسان‌های روی زمین همه به صورت جامعه زندگی می‌کنند، این خود يك همانندی کلی است. اینکه انسان ابزار ساز است، این هم يك همانندی کلی است که بین تمام جامعه‌های انسانی وجود دارد. اینکه در تمام جامعه‌های بشری زبان به وجود آمده، در يك مرحله معین تاریخی دین به وجود آمده، علم، هنر، خط و غیره به وجود آمده، این‌ها همه همانندی‌های جامعه‌های بشری است. تازه این‌ها همانندی‌های خیلی کلی است، همانندی‌های خیلی کوچک تری هم وجود دارد. حالا ببینید که اگر کسی مثلا علت پیدایش زبان را که در همه‌ی جامعه‌ها یکی است نداند، مطالعه‌ی او در تاریخ زبان يك ملت، چه قدر احمقانه و خنده‌آور است.

به هر حال وجود نظام‌های اجتماعی هم جزء همانندی‌های جامعه‌های بشری است. زیرا پیدایش نظام‌های اجتماعی دارای علت‌های عمده و اساسی‌یی است که این علت‌ها در تمام جامعه‌ها یکی است و شرایط جزئی نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد. موضوع را روشن

تربیان کنیم، ببینیم نظام‌های اجتماعی چرا به وجود می‌آیند و چرا از بین می‌روند:

پیدایش نظام جماعتی نخستین دارای علت روشن و مشخصی است: مبارزه با طبیعت. چون فرد نمی‌تواند به تنهایی با طبیعت مبارزه کند، با دیگر هموعان خود به طور دسته جمعی و اشتراکی به مبارزه با آن بر می‌خیزد. اما به طور اشتراکی و دسته جمعی فقط تا حدودی می‌توان این مبارزه با طبیعت را ادامه داد. در نتیجه، عده‌ای با زور مستقیم عده‌ی دیگر را به کار و ا می‌دارند (برده‌داری) تا طبیعت را بهتر بتوانند رام کنند. ولی در اثر همین زور، برده‌ها آگاه‌تر می‌شوند و دیگر به زور کردن نمی‌نهند، در نتیجه برده‌داران مجبورند ظاهر کار را عوض کنند، زور را به صورتی در آورند که ظاهرش به شکل زور نباشد. بدین ترتیب نظام‌های دیگر اجتماعی به وجود می‌آید، تا اینکه سرانجام علم و صنعت انسان از طرفی و آگاهی و دانش او از طرف دیگر چنان رشد می‌کند که دیگر احتیاجی به زورگویی انسانی به انسان دیگر نیست، بلکه این زورگویی مزاحم کار هم می‌شود، یعنی از مبارزه‌ی وسیع‌تر با طبیعت جلو می‌گیرد. در نتیجه، انسان‌های آگاه نظام اجتماعی دیگری به وجود می‌آورند که در آن، تمام انسان‌ها به طور متحد و یکپارچه، با استفاده از علم و صنعت بسیار پیشرفته‌ی خود، مبارزه‌ی وسیع و همه‌جانبه‌ای را، که در خیال ما هم نمی‌گنجد، با طبیعت آغاز می‌کنند. این مراحل است که هر جامعه باید بگذرانند و این سیری است که همه‌ی جامعه‌ها طی کرده‌و خواهند کرد. طی کردن این سیر تاریخی، همانندی کلی تمام جامعه‌های بشری است. اما تفاوت‌های جامعه‌ها با یکدیگر چه؟ تأثیر محیط طبیعی يك جامعه

یا تأثیر جامعه‌های دیگر بربیک جامعه، می‌تواند این مسیر را که هر جامعه باید جداگانه طی کند، تندتر یا کندتر نماید و نیز در ظواهر آن تغییراتی به وجود آورد که این جنبه هم (تفاوت‌های جامعه‌ها) باید پس از جنبه‌ی اصلی (همانندی‌های جامعه‌ها) مورد توجه قرار گیرد.

لازم به یادآوری است که جامعه‌های بشری هرچه پیش‌تر می‌روند، همانندی‌هایشان با هم بیشتر می‌شود و تفاوت‌هایشان کمتر. این نکته‌ای است که احتیاج به توضیح بیشتر دارد ولی متأسفانه جایش اینجا نیست.

اکنون، چون شما در این کتاب فقط تاریخ شرق باستان را خوانده‌اید، فعلاً مختصری راجع به همانندی‌ها و تفاوت‌های بین برده‌داری شرق باستان با برده‌داری یونان و روم باستان، از زبان خود نویسنده‌ی کتاب (قسمتی از نتیجه‌ی آخر کتاب) در اینجا نقل می‌کنیم، امید است که بعداً بخش‌های مربوط به یونان و روم هم به دستتان برسد: «برده‌داری در روم، چه تفاوت‌هایی با برده‌داری در شرق و یونان داشت؟»

نظام برده‌داری در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، در شرق باستان به وجود آمد. در شرق، از برده‌ها، اغلب برای ساختن سدها، کانال‌ها، و سایر کارهای بزرگ استفاده می‌کردند. کاراساسی در شخم زدن زمین را کشاورزان انجام می‌دادند، در صنعتگری (صنعت دستی) هم که، به طور کلی، صنعتگران آزاد به کار مشغول بودند.

یونانیان، سنگین‌ترین کارها را به برده‌ها واگذار می‌کردند: برده‌ها در معادن کار می‌کردند و در کارگاه‌های صنعت دستی هم به طور وسیعی

کارشان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

بیشترین توسعه را نظام برده‌داری در روم به دست آورد. زیرا کشورگشایی‌های عظیم سبب جاری شدن سیل عظیم برده‌ها به امپراتوری روم می‌گردید. در نتیجه، کار برده‌ها جانشین کار افراد غیر برده در کشاورزی و صنعتگری و ساختمان‌گردید. برده‌ها در روم آنقدر زیاد بودند، که برده‌داران برای سرگرمی‌های خونین^۱ خود از آنها استفاده می‌کردند.

م. بید سرخی

www.adabestanekave.com

۱. منظور، نبردهای خونین برده‌ها با یکدیگر و برده‌ها با حیوانات وحشی است که برای تماشا و سرگرمی برده‌داران انجام می‌گرفت - مترجم.

۲ - صنعتگری و صنعتگران، کاردر روی فلزات

درمصر :

بند ۷، ماده‌ی ۱ و ۴

بند ۱۲، ماده‌ی ۲ و ۳

بند ۱۳، ماده‌ی ۲

درمیان‌دورود :

بند ۱۵، ماده‌ی ۳

درهند :

بند ۱۸، ماده‌ی ۳

درچین :

بند ۲۰، ماده‌ی ۲

۳ - نظام جماعتی نخستین و از هم پاشیدن خانواده

بند ۳ - ۱ و همچنین

نتیجه‌ی بخش «زندگی

انسان‌های نخستین» .

درمصر :

بند ۶، ماده‌ی ۴

بند ۸، ماده‌ی ۱

۴ . برده‌ها، کارآنها و حال و روزشان

درمصر :

بند ۸، ماده‌ی ۲

بند ۱۲، ماده‌ی ۳

درمیان‌دورود :

بند ۱۶، ماده‌ی ۲

درچین :

بند ۲۲، ماده‌ی ۱

www.adabestanekave.com

موضوع نامه

مهمترین مسایل تاریخ شرق باستان که در این کتاب بررسی شده.
۱ . کشاورزی و دامداری

در نزد انسانهای نخستین :

بند ۳، ماده‌ی ۳ و ۴

درمصر :

بند ۷، ماده‌ی ۲ و ۳

بند ۱۳، ماده‌ی ۱

درمیان‌دورود :

بند ۱۵، ماده‌ی ۲ و ۳

درهند :

بند ۱۸، ماده‌ی ۲

درچین :

بند ۲۰، ماده‌ی ۲

بند ۲۱، ماده‌ی ۱

در مصر :

بند ۸، ماده ۱

بند ۹، ماده ۲

بند ۱۲، ماده ۱ و ۳

بند ۱۴، ماده ۴

در میان دورود :

بند ۱۵ : ماده ۵

در چین :

بند ۲۲، ماده ۱

۶. مبارزه‌ی برده‌ها و بی چیزان با برده‌داران

در مصر :

بند ۱۲، ماده ۴

در چین :

بند ۲۲، ماده ۳ و ۴ و ۵

۷. دولت برده‌داری

در مصر :

بند ۸، ماده ۳

بند ۹

بند ۱۴، ماده ۱ و ۲ و ۳

در میان دورود :

بند ۱۶، ماده ۲

در هند :

بند ۱۸، ماده ۵

۸. مذهب

در چین :

بند ۲۱، ماده ۲

در نزد انسان‌های نخستین :

بند ۴

در مصر :

بند ۱۰

بند ۱۱

در میان دورود :

تصویر ۴۴

بند ۱۷، ماده ۵

در هند :

بند ۱۹، ماده ۱ و ۲

در چین :

بند ۲۰، ماده ۳

۹. خط (نوشتن)

در مصر :

بند ۱۳، ماده ۵

در میان دورود :

بند ۱۷، ماده ۳

در هند :

بند ۱۹، ماده ۳

در چین :

بند ۲۳، ماده ۱

درمصر :

بند ۱۳، ماده‌ی ۳ و ۴

درمیان‌دورود :

بند ۱۷، ماده‌ی ۴

درهند :

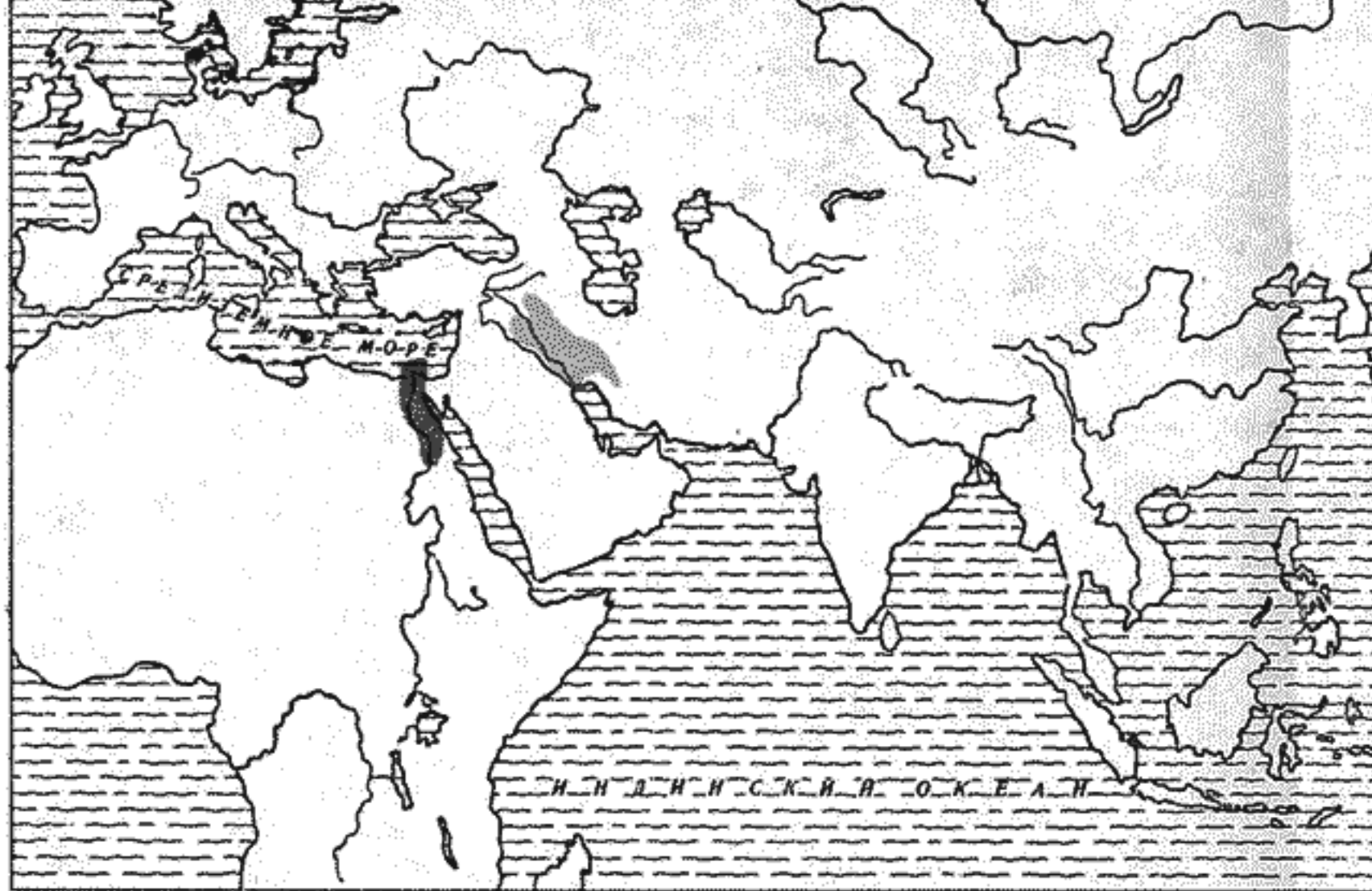
بند ۱۹، ماده‌ی ۳

درچین :

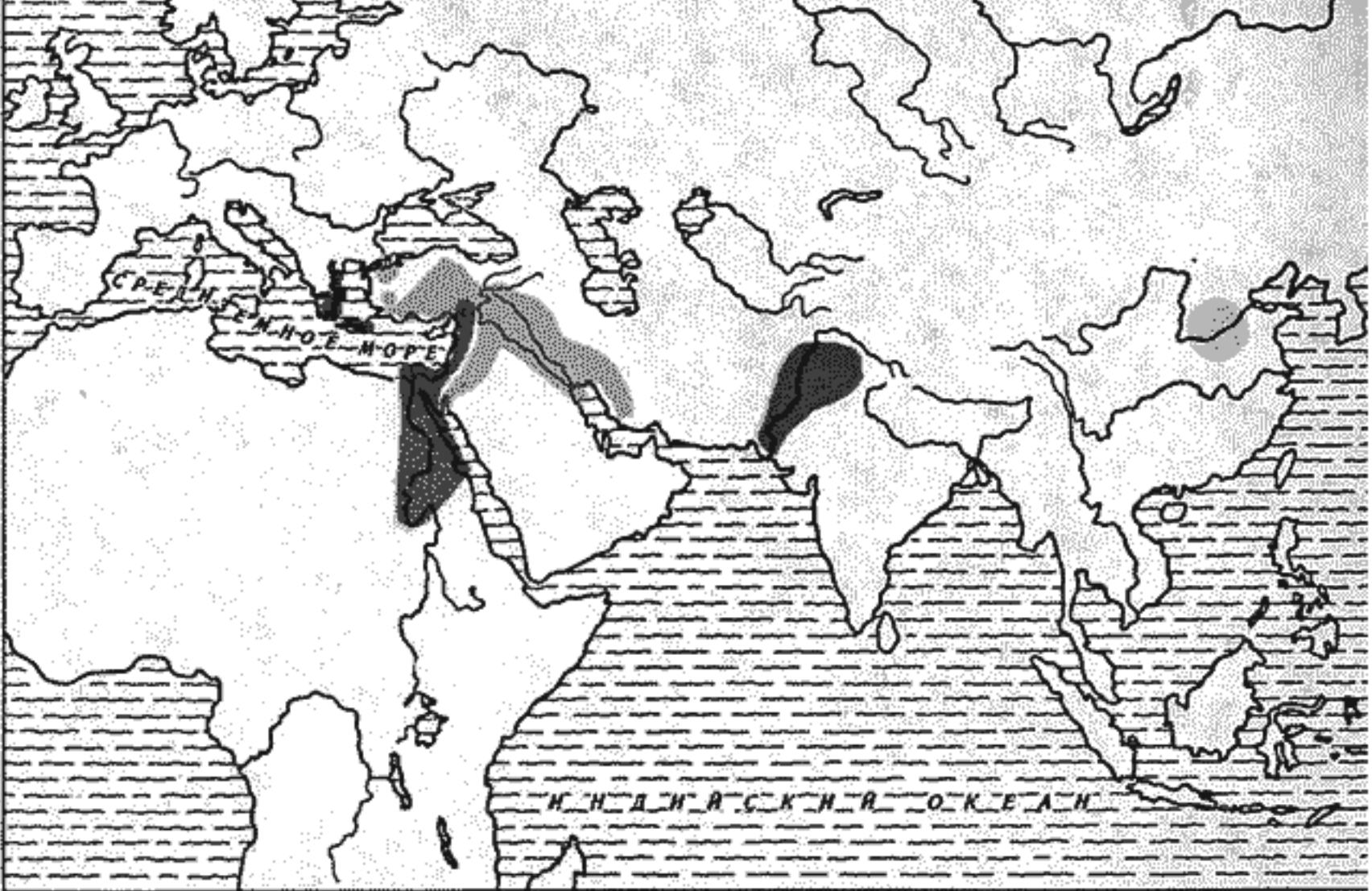
بند ۲۳، ماده‌ی ۲

www.adabestanekave.com

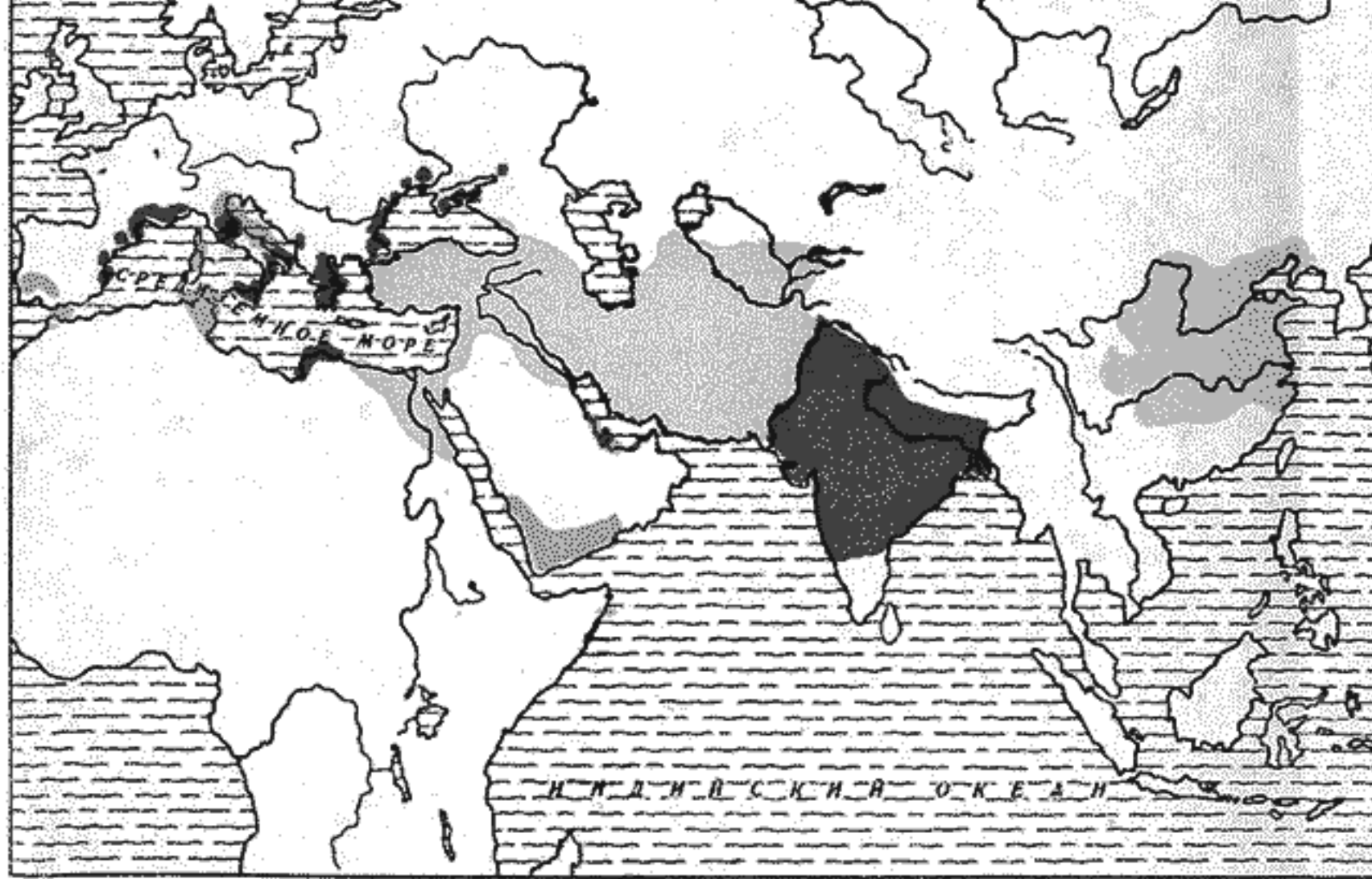
نقشه‌ی جهان در ۲ هزار سال قبل از میلاد



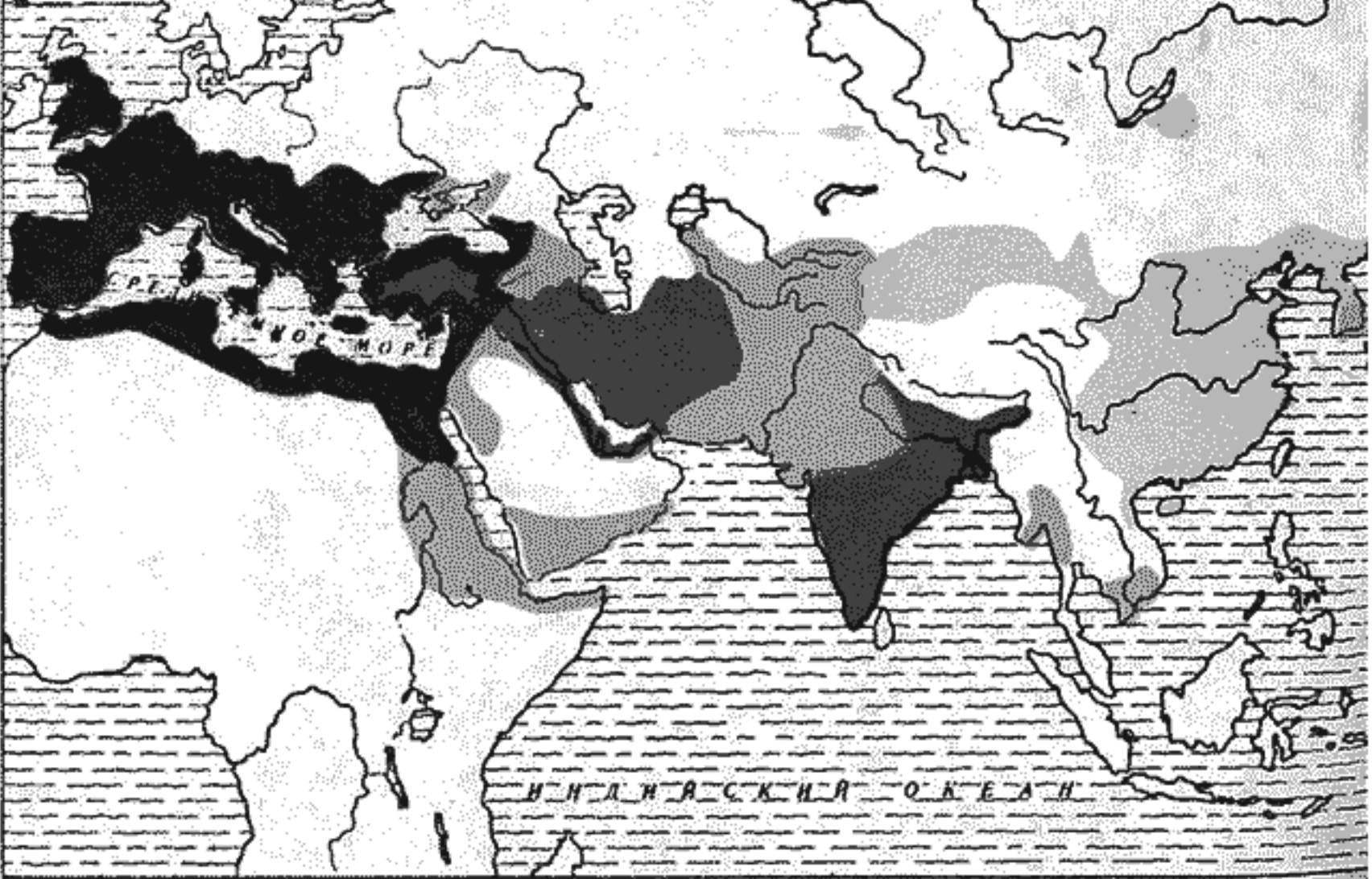
نقشه‌ی جهان در ۲ هزار سال قبل از میلاد



نقشه جهان در هزار سال قبل از میلاد



نقشه‌ی جهان در دویست سال قبل از میلاد



Р а б о в л я д е л ь ч е с к и е г о с д а р с т в а

پادشاهی مصر باستان	دولت درچین	پادشاهی ایران	پادشاهی پارت	سکونتگاه جماعت‌های نخستین
دولت درهند	دولت درهند	دولت روم	سایر دولت‌های برده‌دار	900 0 900 1800 км